

آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی

دوره‌ی یازدهم، تابستان ۱۳۸۵

شماره‌ی بی‌دری ۵۰، بها ۱۵۰۰ ریال

برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان

آموزش و پرورش

www.roshdmag.org

issn: 1606-9226

آموزش‌راه‌ها

به نام خدا

((برای تأییدشان چه برنامه‌ای دارید))



- نسل نوجوان را دریا بیم
- یک گنبد، یک تاریخ
- ۱۳ گام عملی برای انجام یک پروژه‌ی علمی
- مردی که خر بود (داستان)
- بالاترین کلاس
- نمایه‌ی دوره‌ی یازدهم



آموزشی، تحلیلی، اطلاع‌رسانی
دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی بی‌دری ۵۰
تابستان ۱۳۸۵، بهار ۱۵۰۰ سال

برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش
issn: 1606-9226
www.roshdmag.org

مدیرمسئول: علیرضا حاجیان زاده

شورای برنامه‌ریزی: قره‌هاد یخشنده (سرمدبیر)

جعفر ربانی، حسن سالاری

مدیر داخلی: حسین ناسی ساعی

ویراستار: حبیب یوسف زاده

طراح گرافیک: ناهید کاظمی

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

نشانی پستی مجله: تهران - صندوق پستی ۱۶۵۹۵-۱۷۹

تلفن دفتر مجله: ۸۸۲۴۴۷۵۵

نشانی پستی امور مشترکین: تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۹۱۸۶ Email: info@roshdmag.org

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با آموزش و دوره‌ی راهنمایی تحصیلی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. • مقاله‌های ترجمه شده با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله، خلاصه شده است، قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود. • نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود. • محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شوند. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده آزاد است. • مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود، معذور است.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

**آشنایی با
مجله‌های رشد**

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پرورش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این معاونین تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می‌شوند):

- رشد کودک (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه‌ی اول دوره‌ی ابتدایی)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های نهم و سوم دوره‌ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی ابتدایی)

- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)

مجله‌های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا

مجله‌های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۲ شماره در سال

منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله‌ی ریاضی، برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله‌ی ریاضی، برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه)
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش علوم طبیعی، رشد آموزش زمین‌شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، رشد مشاور مدرسه.

مخده‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران و کادر اجرایی مدارس دانشجویان، مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و شماره: ۸۸۲۰۱۳۷۸

فهرست

ای که پنجاه رفت و ... ۳



- ۴ نسل نوجوان را دریابیم / محمد حسن مکارم
- ۱۰ رشد اخلاقی / ابراهیم اصلانی
- ۱۴ ارزشیابی کلید اصلاح برنامه / علی رضا محمد بیروانی
- ۱۶ یک گنبد، یک تاریخ / منصور ملک عباسی
- ۲۲ دو یارادو کس، سه سفسطه / حسن ناهی ساعی
- ۲۶ هزل من هزل نیست، تعلیم است / اصغر ندیری
- ۳۰ از کاردستی تا حرفه و فن (قسمت دوم) / سیروس عقاریان
- ۳۶ تنها نواست که می ماند / فرهاد نامدار اصفهانی
- ۳۸ کاربرد یافته های مربوط به عملکرد مغز در آموزش / ترجمه ی لیلا منکی نامانی
- ۴۰ تلسکوپ / حسن قلمی ناپیل عباسی



- ۱۳ گام عملی برای انجام یک پروژه علمی / ترجمه ی احمد شریفیان
- ۹ کتاب های راهنمای معلم / کسرو داودی
- ۱۰ گام عملی برای افزایش عزت نفس در دانش آموزان / سیمین حاج ابوالقاسمی



- ارزشیابی، جزء جدانشدنی هر تدریس / سیده چمن / ۲۰
- نگاهی به کتاب های تعلیمات اجتماعی دوره ی راهنمایی تحصیلی / پرویز عباسی / ۳۳
- انشا فرصت ابراز وجود / خلیل پورسی / ۳۹



روان شناسی رشد نوجوان، دیدگاهی تحولی / ابراهیم اصلانی / ۲۹



- مردی که خر بود (داستان) / ترجمه ی حبیب یوسف زاده / ۱۲
- در این روزها (روز شمار تابستان) / اصغر ندیری / ۲۴
- روزی که با کوه دست دادم (خاطره) / هوسنگ بهدلر / ۲۲
- بالا ترین کلاس (خاطره) / محمد احمدی / ۴۴
- میخ های روی نرده (Short story) / لیلا حبیبی / ۴۵
- جدول / ابووفیر شکری / ۴۶
- نمایه ی دوره ی یازدهم / ۴۷



شرایط

۱- واردی مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله ترجمه می شود.
به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آرمایش (سرحد حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت اقسبت.

۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- نام مجله :
- نام و نام خانوادگی :
- تاریخ تولد :
- میزان تحصیلات :
- تلفن :
- نشانی کامل پستی :

استان : شهرستان :

پلاک : کدپستی :

- مبلغ واریز شده :
- شماره و تاریخ رسید بانکی :

امضا :

نشانی : تهران - صندوق پستی مشترکین
www.roshdmag.org
نشانی اینترنتی :
پست الکترونیک : Email:info@roshdmag.org
شماره مشترکین : ۷۷۳۳۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۰
شماره تماس مجلات رشد : ۸۸۴۰۱۲۸۲ - ۸۸۴۳۲۳۲

یادآوری :
• هر به برگشت مجله در صورت خواب و کامل نبودن پستی، بر عهده مشترک است.

• برای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
• برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).



برگ اشتراک مجله های رشد



ای که پنجاه رفت و ...

با آخرین مجله‌ی دوره‌ی یازدهم به شماره‌ی پنجاه رسیده‌ایم. در تمام این ۵۰ شماره، تلاش همکاران شما این بوده است که جایگاه مناسبی را برای طرح ایده‌ها و نظرات آموزشی و پرورشی گوناگون آماده سازند. برای این منظور سهمی از این جایگاه را به برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و بخش عمده‌ای را به شما معلمان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی به عنوان مجربان و صاحبان ایده و تجربه اختصاص دادیم و کوشش کردیم تا مناسب را رعایت کنیم. هر چند این حرکت مثل همه‌ی برنامه‌ها، با فرار و فرودهایی مواجه شد، اما جایگاه مجله را به عنوان نشریه‌ای کمک آموزشی برای معلمان این دوره‌ی تحصیلی تثبیت کرد.

با اتکاء به دیدگاه‌ها و نظرات گذشته و طرح خبر و تها و ظرفیت‌های جدید، دوره‌ی یازدهم را به سبکی تازه (۹۱ شماره در سال) و با کمی تنوع بیشتر تولید کردیم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید، با فرارسیدن تابستان و فراغت بسیاری که در اختیار دارید، می‌توانید به بررسی عملکرد خود در سال تحصیلی پرداخته و بازها و علایق آموزشی و پرورشی‌تان را دسته‌بندی کنید و از طریق این مجله با همکاران خود در میان بگذارید. کاریز یاد سختی نیست، کافی است کاغذ و قلم بردارید و گوشه‌ای از مهم‌ترین دغدغه‌های خودتان را بنویسید و رحمت ارسال آن را بکنید. اطمینان می‌دهیم مطالعه و استفاده خواهد شد.

در مئی این دوره، نامه‌های متعددی از همکاران دانسیم که به دلیل کمبود جا نتوانستیم به همه‌ی آن‌ها نپردازیم. از این رو، حسن اراده‌ی فهرست نام این بزرگواران (در ص ۴۶)، از ایشان تسکین می‌کنیم.

مسئولیت‌های نامه‌ها مستعار نیست. کارشناسان از بند مدیریت و برنامه‌ریزی از شهید مقدس ما ارسال نظرات خود در قالب نظریه، ما را هوشیارتر ساختند. اما هر چه منتظر ماندیم تا اسم واقعی خود را اعلام کنند، انتظارهای سرانجامی مناسب، در هر حال از ایشان هم متسکیم.

... مگر این چند روزه دریابیم!

سردبیر



تفسیر و تفسیر

محمد حسن مکارم



و بربر نفع سن - فرید ما هفت سالگی فرمیده
و برور است: در هفت سال دوم فرمانی و تحت
بعم است: در هفت سال سوم حرف سبوت و
کمک کار است. [مناجیر اکرم (ص)]

● انقلاب الحیدر کلاسی الحاسیه، مهیما
آهی فیه من کل من فیه - کل خون - در بین
یا که و میخده است. هر چیزی در آن قسمت
نمود، آن را می بدید. [ایام علی (ع)]

● غنک - الاحداث، فایده شروع این کل
خبر - جوانان را در خانه، خوا که آشنای رودتیر از
دنگران - به کار های خبر و پی می آورند. [اسمه
صادق (ع)]

دهها حرکت دیگر در حیوان - در این رو می
بر موجود است که - دیگر در این زمین و آب و زمین
زمین به سال جوان سبب - تغییر گوی - سختی
به این دبه کار خانه عمل خوانند و جوانان بوسه
را، با وجود مخالفت این و آن، به مخالفت بالایی
اخرایی و عقابیه کمایه.

«تسعتین تنجیه» - جوانان اسراهی فریب
را که آگاه به معارف قرآن بود، به جوانان سزایند
چونیک به سوی «سرب» فرستاد - «مادر» از دست
افغان گویی را که سعرا بالایی و سزایین های

من و شما حاسیه می شدید پس از ۹ ماه چند
ساعته - خبر خود را در اختیار ما گذاشتید؟ چه
دانند و چه گرفتند؟

سید و سید معینون را برور می کردیم؟
گفتی و کردی آن بر جوانان را در تعامل با جوانان
می خواندند؟ چه حاسیه، چه دق مغزی، چه
نوجوانان کوشه‌ای را بقاره کشیم؟

● «و حیکم» - سال خبر، فایده از پی افتد،
آن است یعنی سبب و غیره، فحاشی السان و
خالصی السوج [بیبیر اکرم (ص)] - این به
سما در راهی جوانان، بوسه به خبر و سگی
می گویم، چرا که این بزرگ دل و بی حاطفه اند؟
چنانچه برایه - پاسگری و سبابت و انداز
بر تکلیف: جوانان نه می کردند، اما تفران
به مخالفت بر حاسیه.

● اوقات سبب سبب، و سبب سبب،

با قرار بستن خردانه ماه، دانش آموزان
چون حال من بود - از آن جهت که پس از سه
ماه معینی به آن کمک می رفت، از یک مغز،
این سه ماه استراحت است و فراغت از کلاس،
و به تعبیری «تخت» از کلاس و در بین از سطر
دیگر، اعصاب فریب است برای تجدید قوا و
روزانه کردن توانایی های علمی جوانان
سختن برای بهتر مایه چند به فعالیت کافی، در
دینی که سربغا رو به تحول است و نیازهای
آموزشی و پرورشی و بهر حال مردم، روز افزون.
چه بعد از دانش آموزان، در سالی که در
سرف تمام است، از محکم شما استفاده بردند؟
چند کلاس داشتید؟ هیچ گاه به محتاسیه
نستندند؟ از حسیت سرف است: «حاسوا
نفسکم هل ان تحاسنوا»، سبب حدود
۱۳۰۰-۲۰۰ دانش آموز در طول هفته های درسی

دینی است به «لال» جوان حشمتی سرد؛ س از پاک کردن «مکه» از لوت شرک و بت پرستی و تصمیم به یازگشت به سوی مدینه. جوان کم سن و سال و متحج خویش، «عقاب این آسید» را جاسین خود در مکه قرار داد؛ در او آخر عمر شریف خود نیز «اسامه» هجده ساله را از میان پیران و سابقه داران بر ادعا، به فرماندهی سپاه انتخاب نمود. و کسانی را که از جیش اسامه تخلف کردند، نفرین نمود.

در بدو پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در اتای جنگ تحمیلی نیز جوانان وطن بودند که طاعت را شکستند و در برابر دشمن خارجی سینه سپر کردند و خون قربانی و ایثارگری نمودند. آری، جوانان سرمایه‌ی هر کشور و مایه‌ی افحجار خانواده‌ها هستند. امام خمینی، به تبع اجداد طاهریش، به نسل جوان بهای فراوان می‌داد. و به هواداری از آنان اکتان توصیه می‌فرمود. از جمله: «تقاضا دارم که با حقیقت جوان به جسم عظوفت و پدیری نظر کنند، ... باروی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند، و اگر بیره‌ه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و روتسی، راه راست اسلامی را نشان دهند؛ نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت، و فوراً آنگ التقام و احراف بر ایشان زد.»

جوان الگویاب و الگوپذیر است؛ اگر ما مسؤولان تربیت دینی اقدام به ارائه‌ی الگوی مناسب به او نکنیم. اگر خود الگوی مناسبی در برابر او نیانیم. دیگران با رسانه‌های قوی خویش، خلا و جودی او را بر می‌کنند. باید آن‌ها را در باییم؛ در کشتان کنیم؛ زمانه‌ی آن‌ها را بهمیم؛ خطرات پیش روی آنان را عالمانه بناسیم. ناسنن‌ها فرصت خوبی است. احساس معنیه هم به لطف الهی - فراوان است. نو جوان امروز را نباید با ادنیات ۵۰ سال قبل مخاطب قرار داد؛ در فرهنگ سنتی گذشته ما با فاصله بلوغ تا ازدواج آنان ۲ تا ۴ سال بود. اما

امروزه، به خاطر اطالهی تحصیلات، مشکلات اشتغال و دگرگونی نگرش‌ها، این فاصله بین ۱۴ تا ۱۸ سال شده است. به علاوه، در این زمانه به دلایل گوناگون سن بلوغ نوجوانان ما حدود سه سال جنو افتاده است.

از سوی دیگر، خفاشان با سوء استفاده از امکانات و فناوری روز، انواع راه‌های انحراف و ابتدال و بوج گرایی و دین ستیزی را بر ایشان تبلیغ می‌کنند. چه باید کرد؟

دام‌هایی که برای به دام انداختن بچه‌های ما گسترده شده، مثل فارچ رو به تزاید است و آنجان متعدد شده که حتی ذکر نام آن‌ها در محله نمی‌گنجد. چه رسد به بیان ویژگی‌ها و برفندهای به کار رفته توسط آن‌ها و سابقه و برینه‌شان.

گروه‌هایی مثل: زپ، هوی متال، متالیکا، فتوید، ضعیان، کس، گانژن، بلنی بوی....

گرچه این اسم‌ها برای ما معلمان تاریکی دارد، اما برای نسل جوان ما آسانست. رسم‌های آن‌ها، کمایس در جامعه ظهور کرده است؛ لباس‌های با آرم رب، موزیک‌های بلند و بی محتوا، کمربندهای بزرگ، سلوارهای جن و بزه، گرم‌های مخصوص مات کنده بیوست، موهای ژولیده، بیره‌ن‌هایی که با دکمه‌ی باز از زیر بارانی و ماتو به بیرون انداخته می‌شود، ... تعارها و حرکاتی که ذکر آن‌ها خارج از شان این محله است. همه و همه در حال دربین نسل جوانند. گویی گرگ اند که به گله افتاده‌اند.

فردا دیر است؛ بیاییم از همین امروز شروع کنیم، گرچه شایسته بود دیروز به باخواست بودیم. باز دیگر، به خاطر رصای خدا و برای نجات دانش‌آموزان خود، همان‌ها که با تودشان مدرسه نبود می‌شود و از معنا تهی می‌گردد، همان‌ها که وجودشان کلاس درس را موجودیت می‌بخشد، هم عهد گردیم که:

۱- در این رویارویی فرهنگ‌ها، برداش و

بینش خود بیفزاییم؛ فرزند زمان باشیم و به روان‌شناسی مخاطبان خود قیام نماییم؛ هر قدمی باید فرع بر شناخت باشد.

۲- فرزندان جامعه را فرزندان خود بدانیم و در حق آنان پدیری کنیم؛ بر حاذبه و عاطفه خود در کلاس‌ها بیفزاییم؛ طرد و تکفیر را کاهش دهیم؛ اینان محتاج محبت و تکریم‌اند.

۳- بردباری و انتقادپذیری را در خود تقویت نماییم؛ مخاطبان ما سرسئیزه یا دین منطبق بر فطرت انسانی خود ندارند. شهات القا، شده به آنان را حمیمانه بشنویم و دوستانه پاسخ دهیم. ۴- در اداره‌ی کلاس، نظرات و نیازهای دانش‌آموزان را با همفکری خودشان کشف نماییم و حتی المقدور برآورده کنیم. این کار با استفاده از روش‌های تدریس دانش‌آموز محور و فعال قابل حصول است.

۵- از همه مهم‌تر، تدریس دینی و قرآن را توفیق الهی بدانیم، معضی را نه یک «شغل» برای گذران زندگی بلکه یک «شوق» و آرمان متعالی به حساب آوریم.

سال تحصیلی به پایان رسید؛ در این ۹ ماه از جایگاه رای مردم در جامعه‌ی اسلامی، ارزش‌ها و لغزش‌های جوانان و کلان‌سالان، نهضت حسینی، رابطه دارو بیسم با عقاید دینی، مطهری و روز معلم... با شما عزیزان صحبت کردیم، و با توجهی مضاعف به تربیت نونهالان و دانش‌آموزان، سال را به انتها رساندیم. امید است که این همدلی‌ها مورد رضات حق تعالی واقع شود.

در پایان، این کلام مقام معظم رهبری را حسن ختام قرار می‌دهیم که فرموده‌اند:

«بارها گفته‌ام که هر بیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی نا در قالب «هنر» ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد، و ماندگار نخواهد بود، فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست.»

۱۳ گام عملی

برای انجام یک پروژه‌ی علمی

انباره

استفاده از رویکرد پروژه‌ای در آموزش، ما را ترغیب می‌کند؛ تا حالت نظری دانش آموزان به موضوع‌هایی در زمینه‌های دانش، مهارت و مفاهیم مورد علاقه‌شان و با تأسیس‌سازی آزمایش‌های علمی، امکان یادگیری اربخس و معنی‌دار را برای آنان فراهم کنیم. این مقاله، حکونکی و مراحل انجام یک پروژه‌ی علمی را معرفی می‌کند.

کند و آهه‌ها

پروژه‌ی علمی، مراحل انجام پروژه‌ی علمی، انجامی تهیه‌ی گزارش پروژه، سنجیده‌ی ارزشیابی پروژه

کام اول - پیدا کردن ایده برای پروژه

خطای مورد علاقه‌ی خود را برای انجام پروژه‌ی علمی انتخاب کنید. برای این منظور، می‌توانید به فهرست، مفاهیمی که در گزارش‌های پروژه‌ی علمی مشاهده می‌کنید، درباره‌ی هر یک از ایده‌ها تحقیق کنید، معنی، مشکلاتی‌ها و دست‌آوردتان گفتگو کنید. برای دستیابی به ایده‌های بسیار، از آشنایی‌های بزرگ‌تر، مجله‌ها، روزنامه‌ها، گزاره‌ی علمی، ورزش‌ها و کتاب‌ها استفاده کنید. درباره‌ی مشکلات قابل حل اطراف محل زندگی خود تأمل کنید. برای انجام پروژه‌ی علمی، حتی می‌توانید مسائل خانه را دانش و بررسی کنید.

کام دوم - تهیه‌ی فهرست فعالیت‌های روزانه

تهیه‌ی برنامه‌ی مفصل روزانه هم‌راستا با تهیه‌ی فهرست‌هایی که انجام می‌دهید، به شما امکان می‌دهد، پروژه‌ی خود را اطوری توصیف کنید. به قرار اینکه می‌توانید با مطالعه‌ی این برنامه‌ی شما، دیگران بتوانند منابع مناسبی توسط فعالیت‌های روزانه‌ی خود دفتر یادداشت می‌کنند. هر صفحه از دفتر را به دو قسمت کنید (۱۲ کارهای روزانه) داده‌های جمع‌آوری شده.

ترجمه‌ی روزانه‌ی شما، انجامی که درباره‌ی پروژه‌ی فکر کرده‌ی شما انجام داده‌ی، نویسنده‌ی افکار، کارها و داده‌ها اطوری است که می‌تواند روزانه‌ی پروژه، پس‌دهد.

در قسمت داده‌ها، قبل از این که آزمایش را شروع کنید، سوالاتی برای بررسی‌های علمی که می‌تواند جمع‌آوری خواهد کرد، رسم کنید و داده‌های جمع‌آوری شده در این آزمایش را در آن بنویسید.

کام سوم - جستجو و مطالعه‌ی پیشینه‌ی موضوع پروژه

هر چه بیشتر بدانیم در مورد موضوعی که می‌خواهیم مطالعه کنیم، به احتمال بسیار زیاد، می‌توانیم به نتیجه‌ی بهتری دست پیدا کنیم. به تحقیق‌هایی که موضوع آن‌ها را می‌تواند با امکان‌های کتاب، اطریس‌ها و موبایل‌ها که در زمینه‌ی موضوع مورد بررسی‌ی شما فعالیت دارند، نامه‌نگاری کنید. و از اینترنت استفاده کنید. از منابعی که مطالعه کرده‌ی شما، خلاصه‌ی هر کدام از صفحات آن‌ها، دست‌آوردتان جمع‌آوری کنید. دست‌آوردتان خوب درباره‌ی موضوع مورد بررسی، جمع‌آوری شده‌ی اطریس‌ها، آن‌ها می‌تواند به شما در جمع‌آوری، دست‌آوردتان، پرسش‌ها و طرح، ارزشیابی‌هایی، تهیه‌ی کتاب و نوشتن گزارش‌های مورد بررسی‌ی سجنی، سطلوب‌ترین به‌تایید آورید. به این ترتیب، دانش‌ها دست‌آوردتان، پروژه‌ی خود، انجام داده‌ی شما، دست‌آوردتان، طرح‌های پروژه‌ی خود، دست‌آوردتان، دست‌آوردتان.

آنان را تحت تأثیر قرار دهید.

گام چهارم - بیان مشکل یا مساله به شکل جمله‌ی پرسشی

شان مساله نشان می‌دهد که در این جستجو به دنبال پیدا کردن چه چیزی هستید. بنابراین، معلمش شوید که در این جستجو، می‌توانید مسکن را حل و یا جواب پرسش را به دست آورید.

گام پنجم - تدوین فرضیه

فرضیه، حدس یا پیش‌بینی خردمندانه‌ی

گام ششم - طراحی آزمایش

روسی را که برای آزمودن فرضیه و چگونگی نت فعالیت‌ها به کار خواهید برد، تعیین کنید. روش آزمودن فرضیه، باید مراحل پیدا کردن جواب پرسش یا مساله را به ترتیب توضیح دهد. دربارهی موادی که برای آزمودن فرضیه‌ی‌ساز دارید، فکر کنید و فهرستی از آن‌ها تهیه کنید. طرح آزمایش باید موارد زیر را مشخص کند:

● شرایطی که در خلال آزمایش ثابت است و به آن‌ها تسلط دارید. زیرا، در دست یافتن به نتایج دارای روایی - ناسنی از تأثیر متغیر مستقل

اندازه‌گیری می‌کنید، همراه با ابزار اندازه‌گیری مربوط به آن.

طرح آزمایش را طوری بنویسید که تکرارپذیر باشد.

گام هفتم - اجرای آزمایش

هنگام اجرای آزمایش، روش‌هایی از قبل تعیین شده را به دقت دنبال کنید. تمامی داده‌ها و مشاهدات خود را در دفتر یادداشت ثبت کنید. مشاهدات و اندازه‌گیری‌ها را به‌طور مستقیم در دفتر یادداشت ثبت کنید و از ثبت آن‌ها در برگه‌ای غیر از دفتر یادداشت، خودداری کنید؛ زیرا هنگام انتقال آن از برگه به دفتر یادداشت، احتمال خطا وجود دارد. مشاهدات و اندازه‌گیری‌ها، توصیف‌ها، شمارش‌ها و عکس‌ها را با دقت در دفتر یادداشت ثبت کنید. در صورتی که بر حسب ضرورت، تغییراتی در روش آزمایش به وجود آورده‌اید، چگونگی آن را به‌طور دقیق ثبت کنید.

گام هشتم - تکرار آزمایش

نتایج به دست آمده از اجرای آزمایش، زمانی متقاعدکننده و روا هستند که بتوان آزمایش را چندبار تکرار کرد و نتایج یکسان به دست آورد. به عنوان مثال، آزمایشی که بر روی ده گیاه یکسان اجرا شود، بهتر از آن است که فقط بر روی یک گیاه انجام شود. درک و قبول نتایج یک آزمایش هنگامی که تکرارپذیر و نتایج یکسان داشته باشد، بیشتر است.

گام نهم - تحلیل داده‌ها

به داده‌هایی که در دفتر یادداشت ثبت کرده‌اید، نگاه کنید. دربارهی آنچه داده‌های ثبت شده نشان می‌دهند، فکر کنید. برای یافتن توضیح یا تفسیری درباره‌ی مشاهدات ثبت شده، تلاش کنید. در صورت امکان، نتایج را با محاسبات ریاضی مانند: درصد گرفتن، محاسبه‌ی

بر متغیر وابسته - کمک می‌کند.

● عاملی (متغیر مستقل) که قرار است تغییر دهد تا تأثیر آن را بر متغیر یا متغیرهای دیگر بررسی کنید.

● عاملی (متغیر وابسته) که تأثیر متغیر دستکاری شده (مستقل) را بر روی آن

شما درباره‌ی نتیجه‌ی آزمایش است. برای تدوین فرضیه استفاده از دانش موجود (مراجعه به بنسبه‌ی موضوع پروژۀ) می‌تواند سودمند باشد. شما باید قبل از شروع آزمایش، فرضیه‌ی‌تان را بنویسید. زیرا این کار به چگونگی آزمایش و جمع‌آوری اطلاعات مرتبط به آن، نظم می‌دهد.



صنایکس، صدفه، سباز و دامنه‌ی معتزالت، مهرد
 بررسی فراردهیم. این عمل زمانی سودمند است
 که شما بر معنای این ساختارها آگاه باشید. برای
 بیان بهتر مفاهیم و تغییرات ایداره‌های بیست
 سه، از جدول و نمودار استفاده کنید. بررسی
 داده‌ها، به‌نشد درباردی زیاد صرفتی فرجه‌تان
 کمک می‌کند. داده‌های متفاوتی و غیرمعمول
 نتایج را مورد بررسی قرار دهند و در تفسیر و
 سنی آن‌ها بگویند.

کام دهم - نتیجه گیری

نتیجه‌گیری، جمله‌هایی است که سندن
 می‌دهد در پروژدهی که انجام داده‌اند. چه
 خبرهایی یافته‌اند و آنچه‌اند. در واقع

ایده‌ها بیان سکن بر چند و از یافته‌های نه‌دست
 آمده در زندگی روزمره‌تان استفاده کنید. همین
 است که هر یافته‌ی غیرمعمولی در آزمایش را
 می‌توان توضیح داد.

کام یازدهم - خلاصه کردن نتایج

داشتن یافته‌های علمی‌تان را نام‌تان
 دانستن در سنی می‌کنند. به‌این منظور،
 خلاصه‌ی مهم‌ترین قسمت‌های پروژدهی را در حد
 یک صفحه بنویسید. در این خلاصه، به بررسی
 مشکل - پرسش، فرجه‌ها، فرجه‌ها، روش
 آزمایش، تغییراتی واسه و مشکل برکنه
 آزمودنی‌ها، زمان آزمایش، ویژگی‌های گروه
 کنترل، ساختار به‌سبب آمده خبر داده‌ها، ساختارهای



آزمایی، تفاوت‌ها و روابط و بالاخره نتیجه‌گیری
 از آزمایش نوشته می‌شود.

کام دوازدهم - تدوین گزارش پروژه

هر دانشمندی بعد از این که آزمایش را
 انجام داد، گزارشی را برای دیگران تهیه
 و ارائه می‌کند. در این گزارش، عنوان پروژه،
 خلاصه‌ی گزارش و پرسش نه‌پرسش
 قسمت‌های مهم، یعنی مشکل، پرسش،
 فرجه، مواد و ابزارهای مورد استفاده، روش
 آزمایش به‌طور کامل به‌کام، داده‌ها و نتایج آماری
 و نتیجه‌گیری توضیح داده می‌شود.

کام سیزدهم - آمادگی برای جواب دادن
 به پرسش‌های مشاوران کنندگان
 نمونه‌هایی از پرسش‌هایی که
 مشاوران کندگان امثالاً می‌گویند، در هنگام مصودگو
 با دانش‌آموزین مخردی بوزرد، برآیند خواهد
 برسد. به این شرح است:

- () اما می‌تواند پروژدهی را شروع دهد -
توضیح کنید؟
- () چه پرسش‌هایی را برای همسین و همسین‌تان
پوشش آزمایش خود، به کار برده‌اید؟
- () موضوع پروژدهی‌تان را چگونه و چگونه
گزیدید؟
- () برای انجام پروژدهی‌تان از چه کمک‌هایی
استفاده کردید؟
- () بهترین چیزی که از نتیجه این پروژدهی
آموختید، چیست؟
- () اگر وقت بیشتری برای انجام پروژدهی‌تان
داشتید، چه چیزی از آن، تغییر می‌دادید یا
اصلاح می‌کردید؟
- () چه مقدار وقت خود را برای انجام این پروژدهی
صرف کردید؟
- () چگونه می‌تواند از نتیجه کار یاد گرفته‌اید،
بر زندگی روزمره استفاده کنید؟
- () آنچه از بیفک گذشت، در حال حاضر چه
انجام یک پروژه‌ی علمی می‌تواند سودمند
می‌تواند، با توجه به این مراحل، یک پروژه‌ی
علمی طراحی و اجرا کند و در رسمه‌ی مورد
پرسش، به دانش جدیدی دست یابد و از ساخت
آن در زندگی روزمره استفاده کند.

برای سندن
 Board Public Schools
 آدرس: تهران، خیابان سعادت، جنبه‌ی سندن، پلاک ۱۰
 بخش آموزش عالی و تحقیقات علمی، طبقه اول
 بخش تحقیقات و توسعه
 سندن
 سازمان پژوهش‌های علمی و آموزشی
 (How to do a Science Project)
 ویدئو
<http://elementary.pgms.brcsd.k12.il.us/>
<http://www.science.brcsd.k12.il.us/>

کتاب‌های راهنمای معلم



پس مجدداً شما همکاران محترم را نه تهیه و مطالعه‌ی کتاب‌های معلم ریاضی دوره راهنمایی توصیه می‌کنیم.

۳. سایت گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در حال راه‌اندازی است. در این سایت بخشی وجود دارد به نام «سؤال رایج یا مکرر» در این قسمت با استفاده از مطالب چاپ شده‌ی مجله، سؤال‌ها و پاسخ‌های هر کدام آورده شده است تا معلمان محترم از این طریق نیز بتوانند پاسخ برایشان خود را بیابند. ضمناً از طریق همین سایت می‌توانید سؤال‌های خود را مطرح کنید تا به مرور پاسخ داده شوند. اگر این مطلب را در سال آینده در مجله‌ی رشد راهنمایی دنبال کنید، سئالی سایت و مجله‌ی رشد راهنمایی به اطلاعات آن را معرفی خواهیم کرد. در حال حاضر کسانی که به هر دلیل نتوانسته‌اند مجله‌ی رشد راهنمایی را از شماره‌ی اول تهیه کنند و تمایلی دارند سؤال‌ها و پاسخ‌های مطرح شده را مشاهده کنند می‌توانند با مراجعه به سایت مجلات رشد آموزش راهنمایی تحصیلی را پیدا کرد و قسمت «معلمان ریاضی می‌پرسند» را در این سایت ببینند. در پایان یادآور می‌شوم، شما معلمان ریاضی دوره‌ی راهنمایی می‌توانید سؤال‌های خود را از طریق سامه نا اینمیل مجله نیز مطرح کنید.

است. بنده بودید. در صورتی که با مطالعه‌ی دقیق محتوای این کتاب بسیاری از سؤال‌های مطرح شده پاسخ داده می‌شود. به غایت اهمیت موضوع، فرصت را غنیمت می‌دانیم و کتاب‌های راهنمای معلم ریاضی را به‌طور مختصر معرفی می‌کنیم.

این کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده است. بخش اول شامل توضیحاتی در خصوص آموزش ریاضی است. در قسمت «چون مسئله» و «روش‌های فعال تدریس» به توضیح دو تعبیر اصلی کتاب‌های یادگیری تدریس ریاضی راهنمایی می‌پردازد. توصیه می‌کنیم این دو قسمت حتماً مطالعه شوند. در بخش دوم، ستوجه به صفحه روش تدریس و بیان مطالب کتاب درسی آمده شده است. همان‌طور که در تصویر زیر می‌بینید، صفحات کتاب دانش آموز در کتاب معلم آورده شده است.

در این صفحه پاسخ تمام تمرین‌ها، گام‌ها، کلاس‌ها، مسائل و فعالیت‌ها آورده شده است و در حاشیه‌ی آن توضیح حکونگی تدریس آورده شده است همچنین، توضیحات تکمیلی، هدف‌ها و جودهای ارائه‌ی بعضی از تمرین‌ها و با مسئله‌های خاص را تدریس می‌توان مشاهده کرد.

نام این مجموعه مطالب «معلمان ریاضی می‌پرسند» سؤال‌ها و مسئله‌هایی را پاسخ می‌دهیم که احساس می‌شود توضیح و ناخج درج شده در کتاب معلم کافی نیست و نیز به توضیح بیشتری دارند.

در ۸ شماره‌ی گذشته فرصت ایجاد شد تا به تعدادی از سؤال‌های رایج معلمان ریاضی دوره‌ی راهنمایی پاسخ دهیم. این سؤال‌ها از مجموعه‌ی جلسات معلمان جمع‌آوری شده بود و با شرکت در جلسات جدید و مناطق و شهرهای مختلف کشور، به تدریج، سؤال‌های جدیدی به فهرست سؤال‌ها اضافه می‌شود. از این رو، امید داریم با هماهنگی سردبیر محترم مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی این تعامل در سال آینده نیز ادامه یابد. قبل از پرداختن به ادامه‌ی بحث، ذکر به نکته ضرورت دارد. آن تعداد کتاب اولی شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ریاضی تحصیلی در سال تحصیلی گذشته و به فصل این کتاب و توزیع سایر شماره‌ها به تعدادی کمتر و اسال کمتر کرده و در چند منطقه‌ی شهر تهران نیز برای معلمان ریاضی دوره‌ی راهنمایی سخت گرفته شده‌ی فصل بوده‌اند. این بود که دستور از ۹۵٪ آن‌ها را انتشار مجله به صورت مجله سطح بودند و از طرح مطلب «معلمان ریاضی می‌پرسند» تدریس اطلاع بودند. لذا از شما خواهش می‌کنیم که به اطلاع سایر همکاران که از شما دارند، وجود مجله و این مطلب را یادآور شویم.

۳. در بخش کتاب‌های یادآور دیگری را نیز شاهد بودیم. پس از تدریس از معلمان حاضر در جلسه، کتاب «راهنمای معلم ریاضی» را تهیه و تکثیر کردیم. این کتاب‌ها اول دیده و سوم تهیه شده



رشد اخلاقی

ابراهیم اصلانی

اشاره

در این سری از مطالب، ضمن بیان مفاهیم و اصول و نظریه‌های روان‌شناسی رشد، به بررسی ابعاد رشد برداختیم. در این شماره، موضوع اصلی رشد اخلاقی است، اما با توجه به بایان سال تحصیلی، یک جمع‌بندی کلی از مجموعه مطالب نیز ارائه می‌شود. اگر فرصتی یابند، در سال تحصیلی آینده، این مجموعه، با مطالبی کاربردی و عملی ادامه پیدا خواهد کرد.

یک معمای نه چندان پیچیده

یکی از معماهای سرسبز، دور روز نیست کرده است. او وقتی به سرزمین بازی می‌گردد دلیل عیب خود را، بیماری شدید فرزندش اعلام می‌کند. مدیر مدرسه هم، به خاطر همدردی با او، عیشت را به اداره اطلاع نمی‌دهد. شما که همکار او هستید، با خبر می‌شوید زلیلی که وی بیان کرده است صحبت ندارد و در واقع، او به دنبال کارهای شخصی رفته است. - چه می‌کنید؟ آیا عیب اصلی عیشت همکاران را به مدیر گزارش می‌کنید؟ چرا؟ - آیا چیزی نمی‌گویند و سکوت اختیار می‌کنید؟ چرا؟

پاسخ‌های شما به معمای بیان شده، بیانگر «فضاوت اخلاقی» شماست. البته، همیشه فضاوت اخلاقی شامل پاسخ دادن به سؤال‌های ساده‌ی این حسی نیست. تا گاهی در شرایطی

قرار می‌گیریم که باید به سؤال‌هایی اساسی‌تر پاسخ دهیم. چه رفت و توجه سواستی ما می‌توانم گرفتن حال کسی، در بدین حال کسی و امتناع از کمک به فردی در عیب‌ها توجه کی؟ این که چگونه ما به حس و عیب‌های اخلاقی و فضاوت اجتماعی در جامعه پاسخ دهیم، تعیین کننده‌ی نظام ارزشی ما است.

لارنس کلسرک (۱۹۲۷-۱۹۸۷) با استفاده از سؤال‌هایی که مستند فضاوت اخلاقی بودند، مضامین‌های گسترده‌ای گردان و نتایج آن انجام داده و بر این اساس، مراحل رشد اخلاقی را در سه سطح و پس مرحله‌شان داده است.

سطح اول: اخلاقی پیش حرفی (۳ تا ۱۰ سالگی)

مرحله‌ی ۱- فضاوت اخلاقی مسی بر عواقب عمل و اجتناب از تنبیه

مرحله‌ی ۲- فضاوت اخلاقی مسی بر منافع فردی و داد و ستدهای اجتماعی

سطح دوم: اخلاقی حرفی (۱۰ تا ۱۳ سالگی)
مرحله‌ی ۳- تا کسب تجربه و تجربه‌ی اجتماعی و کسب ناسند دیگران
مرحله‌ی ۴- اطلاعات مبتنی بر قانون یا حکم و منطق

سطح سوم: اخلاقی پس حرفی (۱۳ تا ۱۶ سالگی تا بعداً)

مرحله‌ی ۵- در نظر گرفتن قوانین به عنوان آرای اکثریت (اصول پذیرفته شده‌ی جامعه)
مرحله‌ی ۶- در پستی شدن ارزش‌های اخلاقی و احساس تعهد نسبی در قبال آن‌ها (وجودان انفرادی)

اگرچه این تقسیم‌بندی توضیح می‌دهد که رشد اخلاقی چگونه و طی چه مراحل صورت می‌گیرد، اما باید دانست که:

۱- افراد در هر گروه سنی، در مرحله‌ی او مسجمن از رشد اخلاقی می‌توانند

۳. هر شخص، به طور دقیق در یک مرحله قرار ندارد. به عبارت دیگر، ممکن است فرد در قضاوت اخلاقی خود، از مجموعه‌ای از مراحل استفاده کند.

محدوده‌های سنی تعیین شده برای هر سطح از رشد اخلاقی، تنها بیان کننده‌ی احتمال ورود به آن سطح است، و گرنه، بشر مردم به مراحل بالایی رشد اخلاقی و به خصوص مرحله‌ی ۶ نمی‌رسد.

درباره‌ی نظریه‌ی کلبرگ، مطالعه‌ها و پژوهش‌های زیادی انجام شده است. کارول گیلیگان^۱ از جمله‌ی کسانی است که نتایج کلبرگ را به چالش طلبیده است. او ادعا کرد که نظریه‌ی کلبرگ سوگیری جنسی دارد و به نفع مردان عمل می‌کند. گینگان، تأکید می‌کند که تفاوت استدلال اخلاقی مردان و زنان، کیفی است و نه کمی، و نشان می‌دهد که اخلاقی مردان مستی بر ارزش قضاوت و عدالت است. در حالی که زنان بر مراقبت و نگهداری از دیگران تأکید دارند. به اعتقاد وی، زنان از نظر اخلاقی، کمتر از مردان نیستند.^۲

رشد اخلاقی در نوجوانی

دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی از نظر قضاوت اخلاقی، تقریباً به طور برابر در مراحل ۲ و ۳ گروه‌بندی شده‌اند. بنابراین دانش آموزان در این سن به طور معمول، سؤال‌های اخلاقی را از دیدگاه «دستاوردهایی با نفع شخصی» یا «جستجوی تأیید دیگران» می‌نگرند. بنابراین در دوره‌ی راهنمایی، به تدریج تغییر عمده‌ای در قضاوت اخلاقی روی می‌دهد. تقریباً در نیمی از نوجوانان، نوع تفکر عوض می‌شود و گروه مرجع تغییر می‌یابد. در واقع، مرحله‌ی ۳ مانند سکه، دو رو دارد. در دوره‌ی کودکی، والدین و معلمان، گروه‌هی هستند که کودکان در جستجوی جلب رضایت آن‌ها از طریق هم‌رنگی‌اند. اما در دوره‌ی راهنمایی، گروه هم‌سال، گروه مرجع جدید و قوی‌تری می‌شوند. گروهی که منبع جدید انتخاب ارزش

است. این نکته بسیار مهم است که در هر حال، نوجوان به دنبال جلب تأیید دیگران است، چه گروه مرجع بزرگسال باشد، چه هم‌سال نوجوان. بنابراین، نوجوانان می‌توانند به وسیله‌ی دیگران، والدین، هم‌سالان یا شاید رهبران، هدایت شوند.^۳

به این ترتیب، در دوره‌ی راهنمایی، هنوز تعدادی از نوجوانان در سطح پیش عرفی قرار دارند اما این سطح رو به کاهش دارد و به تدریج مرحله‌ی ۳ و ورود به سطح عرفی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این تغییر از پیش عرفی به عرفی، در سال‌های دبیرستان کامل می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که نمی‌توان هر فرد را به طور قطعی در یک مرحله قرار داد، بلکه در بیشتر موارد، استدلال اخلاقی افراد، به صورت ترکیبی از مراحل مختلف است.

نقش مدرسه در رشد اخلاقی

مدرسه از جنبه‌های مختلف بر رشد اخلاقی نوجوانان تأثیر گذار است:

۱. مدرسه می‌تواند تعیین‌کننده‌ی نوع تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر باشد، تأکید بر رفتارهای رقابتی یا رفتارهای مشارکتی، هر کدام می‌تواند آثار متفاوتی در استدلال اخلاقی دانش‌آموزان بر جای بگذارد. در یک نظام رقابتی، افراد بیشتر به دنبال جلب توجه و گرفتن نایب از دیگران هستند.

۲. مدیریت انضباطی مدرسه نیز در دوره‌ی راهنمایی بسیار مهم است. این که مدرسه به رفتارهای منفی یا رفتارهای مثبت دانش‌آموزان توجه بیشتری داشته باشد، بر جهت‌گیری قضاوت اخلاقی تأثیر می‌گذارد.

۳. معلم‌ها می‌توانند با تدارک تجربه‌های تربیتی، دانش‌آموزان را به مراحل بالایی رشد اخلاقی هدایت کنند. سبک رفتاری، تیپ شخصیتی، و نوع نگرش معلم به انسان‌ها، در تضعیف یا تسریع رشد اخلاقی دانش‌آموزان مؤثر است.

مرور و جمع‌بندی

با این اعتقاد که، استفاده‌ی کاربردی از هر موضوعی، نیاز به شناخت مبانی نظری دارد این سری مطالب را شروع کردیم. برعکس این تصور که نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی، مباحثی کتابی و غیرقابل استفاده‌اند، در واقع، نظریه‌ها منای عمل هستند. بر این مبنای بعد از ۹ شماره، از خواننده انتظار می‌رود که با چارچوب کلی موضوع آشنا شده و در صورت ایجاد انگیزه‌ی پیش‌تر، به دنبال منابع کامل و جامع برود.

در شماره‌هایی که این مطالب را پیگیری می‌کردید، بعد از بیان ضرورت‌های آشنایی با روان‌شناسی رشد، مفاهیم، اصول و نظریه‌های معروف و مطرح این رشته معرفی شد. سپس ابعاد رشد مورد بحث قرار گرفت و بر ارتباط تعاملی این ابعاد تأکید شده. در ۴ شماره‌ی اخیر و در نهایت آخرین شماره‌ی سال تحصیلی ۸۵-۸۴، هر یک از ابعاد رشد بر مبنای نظریه‌ها، توضیح داده شد. امید است در صورت ادامه‌ی این مباحث، مطالب گذشته به عنوان مسعی برای درک موضوع‌های بعدی، مورد استفاده قرار گیرد.

در پی نوشت‌ها، کتاب‌هایی که به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته بودند، معرفی می‌شدند. حال، تا بدین حد همراه ما بوده‌اید به خود اجازه می‌دهیم مطالعه‌ی کتاب‌های مرتبط را توصیه کنیم. به قول دکتر شعاری نژاد، **روان‌شناسی رشد داستان زندگی آدمی است. داستانی که همه‌ی داستان‌های انسان به نحوی از آن متأثر خواهد شد.**

پی‌نوشت

۱. شهرآرای، مهریاز (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد نوجوانی، تهران: نشر علم.
۲. L. Lawrence Kohlberg
۳. برای تنظیم این مراحل، دو کتاب زیر مورد استفاده قرار گرفته است:
- اجدی، حسن و جمهری، فرهاد (۱۳۷۸)، روان‌شناسی رشد، تهران: پردیس
- شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، روان‌شناسی رشد، تهران: اطلاعات
۴. Carol Gilligan
۵. شهرآرای
۶. شهرآرای

کہ مردی

بود

«بہ نا گوار، بہ تارو، یک

اسب، یک خر، یک سگ و یک

ہوسانی، روی ہم می نمودند تا!»

مرد خندید و گفت: «ہوسانی کہ

حیوان است، خدنگن خانہی ماست، او

ہم مثل ما آدم است.»

من حرف بہ زور قبول نہ اسیم، و جعفر

منی بوالست یک آدم ماست، در حالی کہ میان

حیوانات، ہر نوعیہی کہ فی من کرد، ما دو ما، ہر و ہر جسینی بعت کردیم، اما فیہیہی

ہم است، ہر این منی ہر ہر کہ رفتہ ما بین ما داوری کند، ہرین زبان ہای کود کلہی

من خندیدی خانو، ہر اذہر ہم جمع کردہ ہوں»

منی - حسابت ہمہ حرف جودہم، انکار کردہم - «اگر ہوسانی آدہ است، اسے خرابا سا

زدگی منی کند، خرابا خای او در طولہ، ہن حیوانات است؟ جودہ خد ما را، حیوان دیدہ کہ

عراق منی کردہ و عقیق منی خورد، خنی راہ نفس ہم منی خرابا ہوں.»

آن سہ تا دہ ہر وقت ہمہ را سر کردہ کردہ تا این کہ ہر ہر کہ حکیم ہنہی، امامہ کردہ «ہوسانی

یک انسان است.»

من را این کہ باخندہ بودہم، جسینی ہر باخندہ بودہم، معر کوچکہ منی بوالست جسینی ہر ہر را قبول

کند، ان سہ تا صبح جوادہ ہر دو، ما این ہمہ، بہ جعفر ہر ہر جسینی ام، در حصہ، از ہر ہر کہ یکہ ہر ہر

خابہہ گرفتیم.

اقوام ہوسانی در دنگدہ ما کہی رفت و آمد ہر ہنہی و ما باخندہ ما، خنی ہنہی ہر ہر جسینی، از

فین اوڑدی تا ان جیسہ و باقی مال اقوام ہنہی منی کردند.

اما ہوسانی خلی در ان اجتماع خفہ ہر خانی بدانت، اما ہوسانی - ہنہی ہر ہنہی خای ہر ہنہی

را نہ و گفت: وقتی ہوسانی دہ ساند ہوں، ما ہر ہنہی ہر ہر ہنہی کہ او را یک جہی ہنہی ہنہی ہنہی

منی دانستہم، از جودہ ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی کہ ہنہی ہنہی دہ ہوں، دلہن ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

اوڑدہم، ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی ہنہی

خندیدہ ہنہی وقتی بہ خانہ ہر ہنہی گسٹیم.

ہر یک خدیان حیوانہہ جبری را دیدہم کہ ہنہی

ہوسانی سگندہ ہوں و ہنہی تو اسہت را نہ ہوں.

جوادہ ہر ہنہی را ان سطلہ ہنہی رفتہ ہنہی

ہر گز نہ ہوں، اما خرابا نکان دادن ہر ہنہی انکار از من

منی جوادہہ و ہنہی کہہم، جسہ ہنہی خرابہ کہ بہ

نظر ہنہی، سہہ جسہ ہنہی «ہوسانی» ہوں،

ہنہی بہ گسٹہ ہنہی دور ہوں، آدہ سگندہ ہنہی از

«ہوسانی» ہر انہی سگندہم.

ہر خلاف خلی ہنہی ہنہی ہنہی، من از طریق

علوم انسانی، سوچہ خلاف انسان و حیوان

ہنہی، بلکہ از طریق زبانیت ہوں کہ تحقیق

ماہام العبر خود را دربارہی ہنہی ہنہی و حیوان

ہنہی ہنہی کردہم، ہنہی او این بار با من سوال استفادہ

زبانیتی ہنہی امتحان کردہم: «اگر گفتم ما جمعاً چند

تا حیوان داریم؟» ہنہی بعد از کسی فکر کردن ہنہی

انسان گفتہ: «دو تا»

ہنہی ہنہی ہنہی بہ ہنہی گسٹہم و گفتہ: «سہ

ہنہی، دہ تا است.»

اما من کہ متعجب ہوں ہوں دہ تا است، ما

لکسانیم، ہر ہنہی کردہم بہ ہنہی ہنہی

هوسانی فقط برای خر سواری آفریده شده بود و نمی توانست خود را سوار بر اسب تصور کند. غروب ها، من که بجای من نبودم، در حیاط می ایستادم و به دور دست چشم می دوختم و منتظرش می شدم تا مثل فرمانده ای با لشکر شکست خورده، همراه برها و گوسفندها از بالای کوه های کبود یک سرازیر شود.

در گرگ و مس غروب از صدای رنگوله های گردن برها صدای روح بخشی در هوا طین می انداخت و در میان نغمه های دلسین رنگوله ها، صدای هوسانی به موسیقی من یک قلم عم انگیز شبیه می شد. او هیچ وقت دست خالی بر نمی گشت و همیشه چیزی برایم می آورد. گاهی موه های وحشی، گاهی یک دسته گل و بسیر وقت ها قارچ می آورد. اما وقت هایی که قصه هایی از موجودات عجیب و غریب با خود می آورد، یا از گرگ ها حرف می زد. سادترین روزهای عمرم بود. برخی بختنه ها و جمعه ها بهترین روزهای هوسانی بودند. در آن روزهای خاص، روستاییان ساده لوح، طبق هایی بر از غذا را زیر درختان پرتاج و برگی که در دست های خالی قد علم کرده بودند، قرار می دادند و اعتقاد داشتند ارواح در میان آن درختان خانه کرده اند و تپه راه دور کردن آن ها هدیه کردن غذاهای حوشمه است. بنابراین، هوسانی همراه با گله ای گوسفندها و بزها به سراغ آن غذاها می رفت و دلی از عرا در می آورد.

سال ها به همین ترتیب گذشت. من بزرگ تر شدم، پسر بزرگ مرد، برادران بزرگم خودشان پسر شدند. اما زندگی هوسانی هیچ فرقی نکرد و فقط مسئولیت هایش سنگین تر شد.

چون مجبور بودم، ظرف های آب سنگین تری را روی سانه های بحیث حمل کند. عمویم که حالا رئیس خانواده بود اغلب هوسانی را به خاطر ناتوانی و بنه ای شعیف شبیه می کرد.

یک روز، در شخصیت هوسانی، تغییر بی ناگهانی ایجاد شد. او که فقط یک دست لباس داشت و ماهی یک بار هم آن ها را نمی بست. یک دفعه به طرز غیرعادی سرو وضعش تمیز شده بود و لباس هایش را هر هفته می شست. این رفتار او همه را متعجب کرد و بالاخره معلوم شد که هوسانی عاشق دختر یک کولی شده است. کولی ها بیرون ده زندگی می کردند و حتی از خانواده ای هوسانی هم بدبخت تر بودند. البته گفته می شد که آن دختر، خواستگارهای دیگری هم داشته، اما هوسانی به عنوان نوکر ارباب بین کولی ها ارج و قرب بیشتری داشته و توانسته بود بقیه ای خواستگاران را از میدان به در کند.

به زودی خبر عشق هوسانی به گوش عموم رسید، او می توانست هوسانی را در خلوت بویخ کند. اما ترجیح داد، این کار را در حضور جمع انجام دهد. شبی که فراز بود هوسانی تشبیه نمود، همه آدم های سریف دهکده برای یک سرگرمی عصرانه، در اتاق پذیرایی جمع شدند. هوسانی روی زمین نشسته بود و ثماناگران اطرافش کرده بودند. عمو با تندی و تشر گفت: «خوب، هوسانی، راست است که عاشق یک دختر کولی شده ای؟!»

هوسانی چیزی نگفت، ساکت و سر به زیر نشسته بود. یکی از آدم های سریف، بادی به غیب انداخت و گفت: «خدا پیامبر مادرش هم عاشق میشه بود!» با این حرف صدای خنده جمعیت اتاق را بر کرد. آن بزم مرد، نادمت او بر قرار دادن مادر مریض هوسانی، رکیک ترین لطفه ها را برای جمع تعریف کرد و عشق هوسانی، زیر سنگینی آن خنده های زهر آگین مجاله و بزم مرده شد. آن شب وقتی از محمصه خلاص شد، خودش را از بند عشق رهانید و به سراغ کوزه هایش رفت تا کارش را از سر بگیرد. انگار نه انگار که اتفاقی افتاده بود. از آن پس، هیچ کس او را در حوالی خانه ای کولی ها ندید.

بعدها، مجبور شدم برای پیدا کردن کار، دهکده را ترک کنم و در شهر ساکن شوم. کم کم در کوجه بس کوجه های زندگی گم شدم و هوسانی و خاطرات کودکی را از یاد بردم. تا این که سال ها بعد برای شرکت در مراسم ازدواج یکی از عموزاده هایم به ده دعوت شدم. به محض ورود، همه جا را دنبال هوسانی گشتم، اما خبری از او نبود. گفتند از بیماری سل رنج می برد و در آلودگی بیرون از دهکده، آخرین روزهای عمرش را می شمارد، مطمئن بودم هیچ کس او را به دکتر نبرده بود، چون کسی لازم نمی دید به آن مرد بارکش، کمک کند. کمک به هوسانی می توانست باعث سرافکنندگی شود. من یگراست به سوی آلودگی که او زندگی می کرد، رفتم.

هوسانی تنها و غمگین در آن بیغولای سرد و تاریک دراز کشیده بود. چند لحظه ای اول مرا شناخت. اما یزودی چشم هایش سرق زد و از سوق گرفت. سعی کرد چیزی بگوید، اما سرفه امانش نداد و نتوانست حتی یک کلمه حرف بزند، با هر نفسی که می کشید دردی جانگناه را تحمل می کرد. من که تحمل آن فضای نمور و بوی متمز کننده را نداشتم، زود جداحافظی کردم و گفتم: «هوسانی بگرا ن باش. فردا تو را به دکتر می برم. برودی حالت خوب می شود.»

اما در آستانه ای در وقتی بار دیگر به پشت سرم نگاه کردم، دیدم که روی چهره ای رنگ بریده ای هوسانی غبار مرگ نشسته بود. او همان شب مرد و صبح روز بعد به خاک سپرده شد.

هیچ مراسم مذهبی برای مرگش تدارک دیده نشد، چون کسی نمی دانست چه دینی دارد. و حالا بعد از سال ها، دیدن این خر نحیف در خیابان خلوت، مرا به یاد هوسانی انداخته بود. نمی دانم دهاتی ها چطور رضایت دادند. خناره ای او در گورستان آدم ها دفن شود! چون او در تمام عمرش حتی یک روز بین انسان ها زندگی نکرده بود.

ارزشیابی کلید اصلاح برنامه

علیرضا محمد میرزایی



در بین ارکان بحثگانه‌ی یک برنامه که از آن‌ها به عنوان 'هدف، روش، وسایل، عمل و ارزشیابی' یاد می‌شود، دورگن هدف و ارزشیابی از نظر ساحتی نظر آن اهمیت بسزایی دارند. زیرا بدون آن‌ها، برنامه و برنامه‌ریزی موجودی نخواهد داشت. به عبارت دیگر، بدون هدف نیازی به برنامه و برنامه‌ریزی نخواهد بود و بدون ارزشیابی مداوم و اصلاح برنامه قابل توجه نخواهد بود.

با این که ارزشیابی عمومی، عنصر کوچکی دارد، اما رویکردها و نظریه‌های گوناگونی دربردارد. آن مطرح شده است. با این حال، سزای منحصمان درباردهی آنچه که به عنوان اهداف و شیوهردهای ارزشیابی پس می‌شود. اختلاف نظر وجود دارد بلکه اختلاف نظر در اهمیت و جایگاه هر یک و روش ارزشیابی است.

مؤخرترین و در عین حال گویاترین تعریفی که می‌توان برای ارزشیابی بیان کرد، عبارت است از این که: «ارزشیابی فرایند تصمیم‌گیری است». این تعریف احتمالی، اهداف متنوعی برای ارزشیابی را نیز کاملاً می‌نویسند. زیرا اجماع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و مقایسه نتایج برای تصمیم‌گیری لازم است و تصمیم‌گیری زمانی اتفاق می‌افتد که ارزشیابی نتواند نتایج و مستندات لازم و کافی را برای تصمیم‌گیری فراهم آورد. در حین برانگیختن مسأله ارزشیابی، پیامدهای نظیر مقادیر ساختن افراد دربرگیرنده جلب حساسیت نسبت به موضوع مورد نظر، ارتقاء درگاه افراد نسبت به موضوع و نظایر این‌ها را نیز خواهد داشت.

با نگاهی گذرانه ضرورت ارزشیابی و اهداف مرتبط با آن در می‌بینیم که اهمیت و جایگاه رفیع ارزشیابی در گشت برنامه، به‌دیده دلیل اهداف و کارکردهای آشکار آن نیست، بلکه اثربراب و کارکردهای پنهانی، به شکل ظریفی در آن نهفته است و عدم تشخیص یا نادیده گرفتن آن‌ها موجب از دست دادن فرصت‌ها برای بهبود فرایندهای مورد نظر خواهد شد.

چنانچه مؤلفه‌های اصلی هر ارزشیابی را ارزشیابی گذشته، ارزشیابی سونده، برنامه‌ریزی، مورد ارزشیابی و ابزار ارزشیابی بدانیم، نتایج ارزشیابی در هر چهار مورد، مؤثر و جهت‌دهنده خواهد بود. در واقع فرایند تعادل این‌ها را می‌توان به مسابقه‌ی دو امدادی تشبیه کرد که در آن عقب‌ماندگی یا پیشتاری هر یک، نتیجه‌بخشی مستقیم یا همان کارآمدی و جهت‌گیری کلیت ارزشیابی را تعیین خواهد داد.

به عنوان مثال: در ارزشیابی سرفصل تحصیلی دانش‌آموزان، ارزشیابی پس‌تعی سبدهای از ارزشیابی که ابزارهای یکباررفته در آن نهاد، حفظی ساختن آن هم سرفصل سطح دانش و یا حداکثر در سطح فهمیدن و کاربرد، به سنجش محفوظات دانش‌آموزان می‌پردازد. به صورت «اعمال نخل» در اجرای روش‌های فعال تدریس در آمده است. به عبارت دیگر نوع ابزار به کار رفته در ارزشیابی، به ارزشیابی سونده اعاده می‌کند که چگونه و چه چیزهایی را مطالعه کند و حصول نگاهی به فرایند یاددهی - یادگیری چگونه باشد و به ارزشیابی سنده جهت می‌دهد که چگونه و چه چیزهایی را ساخته روشی آموزش دهد و نوع انتظارش از ارزشیابی سونده چه باشد. در این صورت معلم نقش محوری خود را در ارزشیابی سنده از دست خواهد داد و مراجع دیگری از طریق وضع قوانین و مقررات محور

قرار خواهد گرفت. در سخته، معلمان روحیه‌ای متغیر خواهند یافت و آن را به شرح زیر فرایند آموزش به دانش‌آموزان القا خواهد کرد. به این ترتیب معلمی که به آن اشاره شد، منجر به چرخه‌ی معمولی خواهد شد و نظام آموزشی را به کلاف سردگمی تبدیل خواهد کرد که نژده کارایی و کاهش بهره‌دهی ارزشیابی سنده می‌شود.

متمم‌کننده این چرخه‌ی معیوب و جهت‌گیری‌های نامناسب، پس از همه مستند آن است که آموزش و یادگیری از جنبه ساختنی فرایند بود و در سطوح عاطفی و مهارتی نیز توسعه پیدا کرد. همین راستا، کمیسیون بین‌المللی یونسکو در سال ۱۹۹۳، یادگیری انسان در طول زندگی را در چهار ستون استوار کرد.

- یادگیری برای دانستن تا حد لازم می‌شود دانش گسترده‌ی عمومی و اتحاد فرصت‌های کار عمیق روی تعداد کمتری از مواد درسی صورت می‌گیرد. در واقع این نوع یادگیری به معنی نبود جسط از فرصت‌هایی است که آموزش و پرورش در طول زندگی فراهم می‌شود.

- یادگیری برای انجام دادن تا حد امکان مهارت‌های حرفه‌ای است بلکه در سطحی

وسیع تر رسیش به شایستگی روبه‌رو شدن با موقعیت‌های گوناگون و برداختن به فعالیت‌های گروهی است.

- یادگیری برای با هم زیستن از طریق تعویب نوان درک دیگران و سیاس از همستگی با آنان فراهم می‌شود. اجرای طرح‌های مشارکتی و فراگیری مقاله با بحران‌ها و احترام به ارزش‌های جمعی، تفاهم دو جانبه و حل‌ج از جمله فعالیت‌هایی است که این نوع یادگیری را ممکن می‌سازد.

- یادگیری برای زیستن بارشد شخصیت فردی و توانمندی برای داوری، مسؤولیت‌های شخصی و فعالیت‌هایی که منجر به خود‌پیروی می‌شوند، حاصل می‌گردد. در این زمینه آموزش و پرورش نباید به هیچ یک از توانمندی‌های بالقوه، از قبیل حافظه، قدرت استدلال، حس زیبایی‌شناسی، استعدادهای جسمانی و مهارت در برقراری ارتباطی اعتماد نماید.

عبارت این که نظام‌های رسمی آموزشی نماند دلالت سنتی هنوز هم به جای یادگیری‌های دیگر بر گسب دانش با فشاری می‌کنند، اما در حال حاضر، حیاتی‌ترین موضوع این است که آموزش و پرورش به عنوان جایگاهی فراگیر و جامع بنیاد شده‌اند. چنین دیدگاهی باید حفظ می‌شود و تغییرات آینده را در دوزمیه‌ی محتوا و روش هدایت کند و آگاهی‌های لازم را بدهد.

آنچه امروزه مسلم شده و ضرورت یافته است، جامعیت آموزش و یادگیری به معنای نوحه به حیثه‌هایی از ابعاد فراگیران است که در فرایند آموزش مورد کم توجهی و نوعی عفت واقع شده‌اند. ابعادی همچون محیطه‌های عاطفی و روانی - حرکتی که همراه با محیطه‌ی شناختی موجودیت آدمی را هویت می‌بخشد.

با این شرح روشن می‌شود که نظام آموزشی نیاز به تحول عمده دارد و در غیر این صورت حاکمیت نوحه به محیطه‌ی شناختی، کماکان مانع آموزش و تربیت جامع فراگیران خواهد شد و وضعیت به همین موال باقی خواهد ماند.

آنچه مسلم است تحول نیازمند تغییر است و اگر تغییر را به عنوان یک اصل بپذیریم و باور داشته باشیم در جهانی زندگی می‌کنیم که تغییر قاعده است نه استثناء و استمرار حیات هر پدیده‌ای در گرو تغییر است، آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که چگونه تغییر دهم و تغییر را از کجا شروع کنم. آیا بهتر است تمام اجزای نظام آموزشی همزمان تغییر داده شوند، یا این که اجزا مؤثرتر اصلاح شود تا به تبع آن‌ها دیگر ارکان و اجزاء نیز به سمت تغییر و اصلاح پیش بروند.

طبق نظریه‌ی یارتو که پس از قرن نوزدهم توسط یک اقتصاددان ایتالیایی به نام ویفرو دو پارِتو ارائه شد، حدود ۲۰ درصد عوامل، مسؤول ایجاد ۸۰ درصد مشکلات در یک فرایند است. اصول یارتو می‌گوید: اطلاعات خود را به دقت تجزیه و تحلیل کنید تا بتوانید عوامل حیاتی و مشکلات اصلی را که مسلم توجه بیشتری هستند، شناسایی کنید. مسائل زیادی همیشه در اطراف ما وجود دارند که برداختن به همه‌ی آن‌ها به‌طور هم‌زمان مقدور نیست. بنابراین باید مسائل را به ترتیب اهمیت درجه‌بندی کنیم و از مهم‌ترین مساله شروع کنیم. مثلاً اگر افت تحصیلی ده عفت داشته باشد باید ۲ مورد اصلی (۲۰ درصد تعیین کننده) را برطرف کنیم تا ۸۰ درصد عفت براساس یک نظریه و با توجه به واقعیات موجود، اصلاحات جامع در یک سیستم آن هم به‌طور هم‌زمان عملاً غیر ممکن خواهد بود و یا آنقدر کند پیش خواهد رفت که اصل اصلاح و تغییر را مخدوش خواهد کرد.

اگر بخواهیم در میان مؤلفه‌ها، اجزاء و ارکان پنجگانه‌ی یک برنامه، طبق نظریه‌ی یارتو، عامل حیاتی را بیابیم، کافی است نگاهی گذرا به کارکردهای آشکار و پنهان ارزشیابی نماییم.

صرف نظر از کارکردهای آشکار ارزشیابی که ناظر بر اهداف کلی و عمومی ارزشیابی است، کارکردهای ناآشکار ارزشیابی، نیست به اهداف اصلی و بیان شده آن، نمود و تبعات بیشتری خواهد داشت. در برنامه‌ریزی درسی

و فرایند یاددهی - یادگیری نیز کارکردهای پنهان ارزشیابی و امتحان و ابزار مورد استفاده در آن به دانش آموز جهت می‌دهد که چه چیز را و چگونه مطالعه کند، به معلم پیام می‌دهد که از چه روش‌ها و ابزارهایی استفاده کند و بر چه جنبه‌ها و قسمت‌هایی از کتاب و محتوا و بر چه سطحی از سطوح یادگیری تأکید بیشتری نماید و حتی این کارکردهای پنهان، مستقیم یا غیرمستقیم نوع نگاه و نگرش برنامه‌ریزان و مؤلفین کتاب‌های درسی را به سمت و سوسی خاص هدایت می‌کند و خانواده‌ها و مؤسسات آموزشی خصوصی نیز از این پدیده غالب به شدت متأثر می‌شوند و براینده همه‌ی این‌ها منجر به یک نوع هنجار اجتماعی می‌گردد.

با این توضیحات، برخلاف آنچه که بیان می‌شود نسبت ارزشیابی با سایر اجزا و ارکان برنامه به هیچ وجه رابطه خادم و مخدوم نیست. بلکه سبب این به شدت تحت تأثیر کارکردهای پنهان و آشکار ارزشیابی قرار دارند. به عبارت دیگر چنانچه گفته شود ارزشیابی کلید اصلاحات آموزشی است نه تنها سخنی به‌گراف نیست بلکه راهبردی است اساسی تغییر و سهولت اصلاحات، واقعیت آن است که دیگر ارکان برنامه، این همه تأثیر در محیطه‌های دور و نزدیک خود ندارند تا جایی که به نوعی می‌توان ارزشیابی را بر اهداف مقدم دانست. البته منظور، تقدم زمانی نیست. بلکه تقدم از نظر اهمیت است. به عبارت دیگر ارزشیابی می‌تواند در اصلاح اهداف نیز نقشی بسزا و تعیین کننده داشته باشد.

پی نوشت

1. Vilfredo Pareto

منابع

- ۱- زووف، علی و قصبی، فاطمه. یادگیری گنج‌درو. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- ۲- نورانی، حیدر. مدیریت فرایند مدار. انتشارات ترکید. چاپ سوم، پاییز ۱۳۸۳
- ۳- محمد حسن، پروین. مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. انتشارات محیطه. چاپ دوم، تابستان ۱۳۷۱

یک تاریخ یک گنبد

اساره

آن حد طی سماردهای سنس در نارهی کهن شهرهای ایران مرور کردیم، دورنمای نسناروستی از شهرهای نارخی و کهن ایران زمین بود که ناخودآگاه در هر خواننده‌ای سوق دندار از آن شهرها را برمی انگزد.

قبلا از سرزمین یم در دل کویر و شهرهای قدیم ساوه و ناس و خوانسار یاد کردیم، سپس با جنس اندازی طبعی و نارخی سدج، جانپار اساسندیم و «یونسهر» آخرین منبرل مای بود که در آن بد جوسی ها و سخنی های مردم آن دبار نبر نگاهی انداختیم، و بالاخره بهمن : کهن شهر ایران از سرزمین نارخی و برزخ و رار کنسورتن را مقلعده می گیم.

آنچه از لاجلای این بر کدهای سنسنامه ناسد شهرهای کهن کشور خودنوکر قسم، نادور نالاس هر آن دوری هر آن تاریخی هم وطنی و سدک مای بود، جاسن نالاس ایل، اسطال و جود کلهی کشور، در طول تاریخ بوده است و آنچه از سماردهای نارخی، سدج طبعی، سرزمین های ناسد اسرور، اناس و رسوم عینی، زمین دوس، معویب و نکسرت جسی نراسه برسد، هله و هسه جقویال همه سزید کال نادر آن بر و چه بوده است، ناسد اسرور ای سرانته ندهی و معویب راه اسدکال مایه و رسد و نراسن های آن خو همه مروتی برای اسجد جسی سنس جلنگه در سماردهای اجری سنس، هر روز هر جوبند کشور من و بواجب و ریدنی هی آن راساسه، به سن همنی در مروت شهرهای بزرگه و ناچار آن ه سز فیده نیم و سزودیم.

سپهال سنس جهن : ارزوی هر ایرانی و خیم ایرانی
سپهال سنس : تربت ماک و قدمگاه امن
معنوه (ا)
سزار، نهم جسی دور و فرجه، جود
در سن گل ها و باغ های تره سنس
ولس بسمری از ناسد نارهی شهرهای

نوکدهای وی سزار ناسد در طول تاریخ، کمن سنساده و سجد کردایه، خو سنس، سزید سنک و ناس، سدج مروت سنس، برزخه جانپار ناسد مروت سنس، ناسد کدوس، کمن در کمن سده و سجد ناسد رسدجانی و سدج سنس
سپهال ناسد اسرور، اناس و رسوم عینی، زمین دوس، معویب و نکسرت جسی نراسه برسد، هله و هسه جقویال همه سزید کال نادر آن بر و چه بوده است، ناسد اسرور ای سرانته ندهی و معویب راه اسدکال مایه و رسد و نراسن های آن خو همه مروتی برای اسجد جسی سنس جلنگه در سماردهای اجری سنس، هر روز هر جوبند کشور من و بواجب و ریدنی هی آن راساسه، به سن همنی در مروت شهرهای بزرگه و ناچار آن ه سز فیده نیم و سزودیم.

و در سنی ناسد که جکوب در سدج و نعل ای سزید و ناسد ناسد ای از خنی و سن، هنر و معنوی ناسد و جود ناسد ای اجناتی، ناره انجده سنس و همان سنس و اسن هی آن مایه سنس کرده اسد از سوی ناسد قعه جوی و مروت ناره جاده مایه در این شهرها، روال قهر جلی هی بوجی

حاشا حاشا
نوکدهای وی سزار ناسد در طول تاریخ، کمن سنساده و سجد کردایه، خو سنس، سزید سنک و ناس، سدج مروت سنس، برزخه جانپار ناسد مروت سنس، ناسد کدوس، کمن در کمن سده و سجد ناسد رسدجانی و سدج سنس
سپهال ناسد اسرور، اناس و رسوم عینی، زمین دوس، معویب و نکسرت جسی نراسه برسد، هله و هسه جقویال همه سزید کال نادر آن بر و چه بوده است، ناسد اسرور ای سرانته ندهی و معویب راه اسدکال مایه و رسد و نراسن های آن خو همه مروتی برای اسجد جسی سنس جلنگه در سماردهای اجری سنس، هر روز هر جوبند کشور من و بواجب و ریدنی هی آن راساسه، به سن همنی در مروت شهرهای بزرگه و ناچار آن ه سز فیده نیم و سزودیم.

سپهال سنس جهن : ارزوی هر ایرانی و خیم ایرانی
سپهال سنس : تربت ماک و قدمگاه امن
معنوه (ا)
سزار، نهم جسی دور و فرجه، جود
در سن گل ها و باغ های تره سنس
ولس بسمری از ناسد نارهی شهرهای

و در سنی ناسد که جکوب در سدج و نعل ای سزید و ناسد ناسد ای از خنی و سن، هنر و معنوی ناسد و جود ناسد ای اجناتی، ناره انجده سنس و همان سنس و اسن هی آن مایه سنس کرده اسد از سوی ناسد قعه جوی و مروت ناره جاده مایه در این شهرها، روال قهر جلی هی بوجی

و در سنی ناسد که جکوب در سدج و نعل ای سزید و ناسد ناسد ای از خنی و سن، هنر و معنوی ناسد و جود ناسد ای اجناتی، ناره انجده سنس و همان سنس و اسن هی آن مایه سنس کرده اسد از سوی ناسد قعه جوی و مروت ناره جاده مایه در این شهرها، روال قهر جلی هی بوجی

کنسور است. و از مسافت دور دیده می‌شود. این گنبد که درباره‌ی آن بی‌سیر صحبت خواهیم کرد. به امیر قاپوس بن وسمگیر در سال ۳۹۷ هـ. ق. بنا شده است و در تابستان سال ۱۳۰۸ هـ. س. با نظارت اداره باستان‌شناسی تعمیر گردید.

نقشه‌ی اصلی این شهر در اوایل سلطنت رضاخان توسط مهندسان الصابی طراحی و اجرا شد و از شهرهایی است که با اصول شهرسازی مدرن طراحی گردیده و فاقد هرگونه معابر تنگ و بزرگ و بیج و خم است. امروزه شهرستان گنبد از مکان‌های دنیسی استان گلستان محسوب می‌شود. این شهرستان در بخش شرقی استان گلستان واقع گردیده که از طرف شمال با کشور جمهوری ترکمنستان و از جنوب با استان سمنان و از طرفین شرق و غرب با شهرستان‌های مینودشت و عنی آباد همسایه است. از نظر تقسیمات داخلی استان، شهرستان گنبد مشتمل بر ۴ بخش، ۱۱ دهستان و ۵ شهر است که به ترتیب عبارتند از: گنبد، آزاد شهر، جان بیس، رامیان و دلد.

ترکمن‌ها در استان گلستان

استان گلستان به مرکزیت شهر گرگان، با وسعت ۲۲ هزار کیلومتر مربع، از شمال به جمهوری ترکمنستان، از غرب به استان مازندران و دریای خزر و از جنوب به استان سمنان محدود می‌شود. در این استان اقوام مختلفی هم چون ترک، ترکمن، بوج، وراق، فارس، سیستانی و مازندرانی زندگی می‌کنند.

گنبد کاووس از مراکز اصلی سکونت ترکمن‌ها است. ترکمن‌ها به زبان ترک‌کی یا گویش ترکمنی صحبت می‌کنند. ساکنان این شهر عموماً سنیان و اکثر آستی مذهب هستند. بخش دیگری از ایل بزرگ ترکمن، در جمهوری ترکمنستان زندگی می‌کنند.

نام ترکمن نخستین بار در دایره‌المعارف جینی قرن هفتم میلادی آمده است. ترکمن‌ها قوامی از نژاد زردپوست و ترک‌زبان بوده‌اند و از چندین

هزار سال قبل در شمال دریای خزر یا خاش در شمال مغولستان زندگی می‌کرده‌اند.

تا قرن چهارم هـ. ق ترکمنان در مشرق «سیر دریا» ساکن بوده‌اند و اما به دلیل جنگ‌های داخلی بین اقوام مختلف سردام و برابغ سرسر، هم‌راهِ با خیل عظیمی از ترکمن، سوزمین اجدادی خود را رها کردند و به سوی ساحل آباد دیگر روی آوردند.

ترکمن‌ها در مسیر مهاجرت خود از حاشیه شهرهای بزرگ و آبادی هم چون سمرقند و

امروزه ترکمن‌ها در سراسر «ترکمن صحرا»، در شمال شرقی ایران پراکنده‌اند. این گروه از هم‌وطنان ما در شهرهای بزرگی هم چون گنبد کاووس، بندر ترکمن، آق قلا، مراوه تپه، کلاله، سیمین شهر، گمش تپه، فگین شهر و دانشی برون متمرکز شده‌اند. تغییر نام تاریخ بر هیاهوی این قوم، ترکمن‌های امروزی مردمانی آرام با خلق و خوبی طبیعت‌گرا و خونگرم هستند. وجود جاذبه‌های عشایری آنان به نام «اوبه» نشان از زندگی متحرک گروهی



از آنان در میان مراتع سرسبز طبیعت دارد. صنایع دستی آنان به خوبی از طبیعت و نیازهای خاص آنان شکل گرفته که برخی از آنان چون قالی ترکمنی در ایران بی‌نظیر است.

فرش ترکمنی، قالیچه، پستی، قارچین و هنرهایی چون، گلدوزی، نمذباقی، سوزن دوزی، ابریشم دوزی بر پارچه، زیورآلات ترکمنی، ساختن آلات موسیقی، ریسنجی و بافندگی از جمله جلوه‌های روح لطیف این قوم ایرانی است.

از دیگر سوغات‌های مردمان ترکمن، روسری‌های بلند و رنگارنگ ترکمن است و بازار روزهای هفته از مراکز عرضه‌کننده سوغات این دیار است.

بخارا محسبند گروهی عازم نواحی دریای خزر شدند و سرانجام به «اورگنج» و از آن جا به سواحل شرقی دریای خزر مهاجرت نمودند. طوایف مختلف ترکمن هم چون «گوکلان» و «سمرلی» و «ال علی» در حلقه‌های کویت داع، و گروه دیگری از آنان به نام «ساترها» در اطراف قوچان و بحورد از شهرهای خراسان شمالی سکنی گزیدند و «بموت» هابیر به شمال خراسان و رود ترک روی آوردند. در قرن ۱۶ میلادی طوایف ترکمن تمام ساحل شرقی خزر تا گرگان را تصرف نمودند. ولی این سرزمین‌ها در طول تاریخ همواره محل ناخفت و نیاز قدرت‌های محلی و دولت‌های روس و ایران بوده است.

تاریخ



دیدنی های ترکمن

از مراکز ساحلی شهر گند، بنای تاریخی کتید قابوس است. بنای آجری عمل کتید قابوس، از نظر مصلحت معماری، ویژگی های هنری و فی فی زینت های بزرگ ترین قنجر عمده ی قرن چهارم هجری امیری است. این ساختمان در واقع از امگاه سمس المعالی قابوس بن وسمگیر بنا شده است و در بالای تپه ای در میان پارک بزرگ شهر گند قابوس واقع شده است.

این بنا از سه قسمت: ساقه، ساقه و گند تشکیل شده و روی هم رفته ۵۵ متر ارتفاع دارد. ساقه که بر روی ساقه ایله قرار گرفته، خود ۲۷ متر ارتفاع دارد و در بدنه ی آن ۱۰ پرده ی منتهی شکل با فواصل معین و با تناسب زیبایی ساخته شده است. کتید محروم طی به ارتفاع ۱۸ متر، روی ساقه بنا شده و با نسبت و سطح صاف و صیقلی خود به ماندگاری گند کمک فراوان کرده است.

در بالای در ورودی این برج ۲۰ رسته کتیبه وجود دارد که سال احداث این بنا را در ۳۹۷ هجری - قمری نشان می دهد، امروزه بیش از ۱۰۰۰ سال از عمر این بنای تاریخی می گذرد.

در آن روزگار، سمس المعالی قابوس بن وسمگیر آل ربیع فرمانروای کرگان که مردی دانمند و هردوست بوده است، این بنا را به عنوان آرامگاه

شخصی خود احداث نمود و ۱۵ سال پس از احداث آن، به دیار های ساقه:

روز بازار (بازار هفتگی)

جمعه ها از شهر گند، دوسه بازار بند ترکمن و چهارشنبه بازار کرگان در سطح استان معروفیت بسیاری دارند. در استان گلستان، بازارهای گوناگونی به صورت دائم یا هفتگی وجود دارد. در این بازارهای هفتگی مردم بومی بویژه کشاورزان و بسته وران، محصولات و صنایع دستی روستایی و شهری خود را به خریداران عرضه می کنند.

ویژگی های فرهنگی و هنری مردم ترکمن

از جمله جلوه های فرهنگی بسیار جذاب این قوم، مسابقات کستی و سوارکاری، مراسم عروسی، زرقی حنجر، موسیقی ترکمنی، یوساک و، یوز آلتیزان و مردان ترکمنی، آمید منی و عده ی هم چون عید قربان و عید قطمر است، که به برخی از آن ها اشاره می شود.

مراسم عروسی

از مهم ترین وقایع زندگی ترکمن ها ازدواج است، از دواج علاوه بر افزایش جمعیت خاندان،

به سبب افزودن سلیب بیرونی گز، برای هر خانواده امری بهیچ طلی می شود. ترکمن ها به دلیل و نسبت عروس و داماد احساس زیادی بر دهنده و همسر خود را از من لحاظی خوب تشخیص می کنند. پس از موافقت خانواده عروس و داماد، عده ای از زنان خانواده داماد به عروسی می آیند و خود بچه های بال را به عنوان هدیه می آورند. مراسم های عروسی صورت می گیرد و خانواده عروس با کسین گوسفند و تخم اینگوست، رسم موافقت خود را اعلام می کنند. مراسم عقیق حیرت انگیز بر سر آیه و سنگی است صورت می گیرد. حوساوتی و هسنایکلی نیز با هدایای نقدی و حسی خود، کمک بزرگی به عروس و داماد می نمایند. پس از این، روز عروسی زن و مردان با لباس های رنگارنگ و زیور آلات گران بها، حضور ریس سفیدن و روحانی، سولام، عودر برقرار می کنند. سپس مراسم عروسی و کسی گیری آغاز می شود. پس از این مراسم عروسی به شب یکتا سه شب به خانه ی پدری می گردد تا برای پنجمی بقه چهار خود، قالی و قاشق های زی را شده سازد. او با رفتن به خانه ی شوهر، عضوین از خانواده و قوم شوهر خود می شود و از با وظایف ای خود را با خانواده یین از دست می دهد. گرچه اجرای کامل آن، امروزه قدری بین جوانان کم رنگ شده است. لیکن از بهترین خاطر آن قدر هر ترکمن از دواج و یا سرگشته تر چنین مراسم زیاده ای است.

مسابقه ی سوار کاری

مسابقات سوار کاری در دو فصل بهار و تابستان و نامش «گورس بهار» و «گورس تابستان» برگزار می شود. عشق و علاقه به اسب در بین مردم استان گلستان بوده برده و کسین ریشه ای جمعی و تاریخی دارد. اسبندوی سب

چهارشنبه ماه صفر، جشن رمضان و جشن «آق قونین» نیز از جمله مراسم مهم مذهبی در بین مردم ترکمن است.

«**قربان بایرام**» از مهم ترین جشن های ترکمن هاست که با قربانی کردن دام برگزار می شود. ادهم دیججه (مردم در این ایام خانه های خود را مرتب و تمیز می کنند، روز هشتم دیججه روز «عید مردگان» یا «باسدق» نامیده می شود که نذر می کنند و خیرات می دهند. روز نهم دیججه عید زندگان یا «دیری

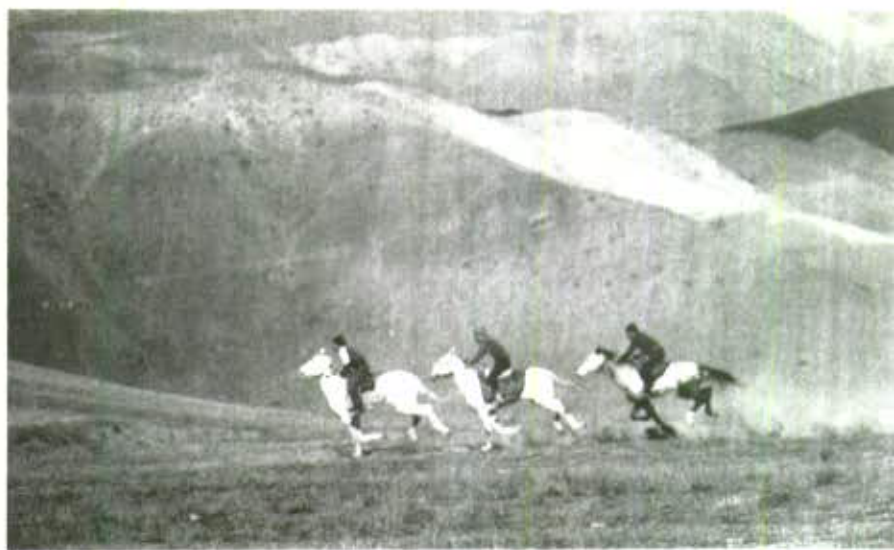
مدانست های مختلف مانند جشن عروسی، تولد فرزند و سایر مراسم صورت می گیرد که به آن «آیلام» می گویند. میدان اسپدوانی شهرستان گندز شمال شرقی شهر گندز، جاده های اسفالتی کلاله قرار دارد. مجتمع سوارکاری گندز در حال حاضر، کامل ترین و مجهزترین مجتمع در ایران اخیر از تهران است. در ۲ فصل بهار و پاییز، هزاران علاقه مند به سوار کاری از سراسر کشور به حال می آیند و مسامحه دهندگان بهترین اسب های ترکمنی

از اعیاد دیگر ترکمن ها ۲ شب در ماه رمضان است. یکی نیمه ماه رمضان و دیگری شب ۲۷ ماه رمضان یا شب قدر است که تا سحر به دعا و خوردن تقلات می گذرانند.

آق قونین مردان ترکمنی که به سن ۶۳ سالگی می رسند، به پاس بزرگداشت ۶۳ سال زندگی پیامبر اکرم (ص) جشن می گیرند و در آن شب آنگوستی می بزند و عده ای را دعوت می کنند. مردان ثروتمند - در ادامه - مراسم اسپدوانی و یا کشتی گیری نیز برگزار می کنند.

مولودی

مولودی یا جشن تولد پیامبر (ص) نیز برای ترکمن ها بسیار اهمیت دارد. آن ها معتقدند که پیامبر اکرم (ص) در دوازده ربیع الاول به دنیا آمده و در چنین روزی نیز پس از ۶۳ سال از دنیا رفته است. در این مراسم، مردان به شعر خوانی و مدیحه سرایی می پردازند. به هر حال در هر گوشه و کنار سرزمین وسیع خدا جماعتی زندگی می کنند و با آداب و رسوم و اعتقادات خود به خلق آثار گوناگونی دست می زنند. بر ماست که این گوناگونی ها را به رسم و بنسب و احترام بگذاریم و در زندگی خود توجه به رضایت آفریدگار یکتا و ییکی به دیگران را پیشه ی خود سازیم.



عید» نامیده می شود که بهترین لباس ها را می پوشند و به میهمانی می روند. در روز عید قربان به نماز عید می ایستند و قربانی می کنند. جوانان و کودکان در این روز نرینندی تبه ها رفته و در گوشه و کنار تاب برپا می کنند و به بازی تاب مشغول می شوند. و این کار را نشانی از سبک شدن از بار گناه می شمرد.

آراز بایرام همان عید قطر ترکمن هاست. در این روز پس از نماز عید قطر، با لباس های نو و تمیز به دید و بازدید می روند و به خیرات و احسان می پردازند.

به رقابت می پردازند و اخبار آن نیز در اکثر رسانه های گسوری بحس می شود.

اعیاد ملی - مذهبی

از عمده ترین جشن های مردم ترکمن می توان به عید قربان، عید قطر و عید نوروز جشن گندم و جشن تولد بزرگان دینی اشاره کرد که از دوران قدیم رایج بوده است. معمولاً در میان ترکمن ها به اعیاد مذهبی «بایرام» می گویند مثلاً به عید قربان «قربان بایرام» و به عید قطر «آراز بایرام» گفته می شود. آخرین

- منابع
- ۱- فرهنگ دهخدا
 - ۲- زنده دل، حسن. استان گلستان (مجموعه راهنمای جامع جهانگردی).
 - ۳- جغرافیای استان گلستان، وزارت آموزش و پرورش
 - ۴- اطلس گیتاشناسی استان های ایران، مؤسسه جغرافیایی و کارنگرافی گیتاشناسی
- شماره سازمان میراث فرهنگی: www.iranmiras.org
 شماره سایت راهنمای توریستی ایران: www.irantouristguid.com
 سایت روزنامه ی همشهری: www.hamshahr.net/ostans

ارزشیابی جزء جدانشدنی هر تدریس

دیدگاه‌ها و چشم اندازها

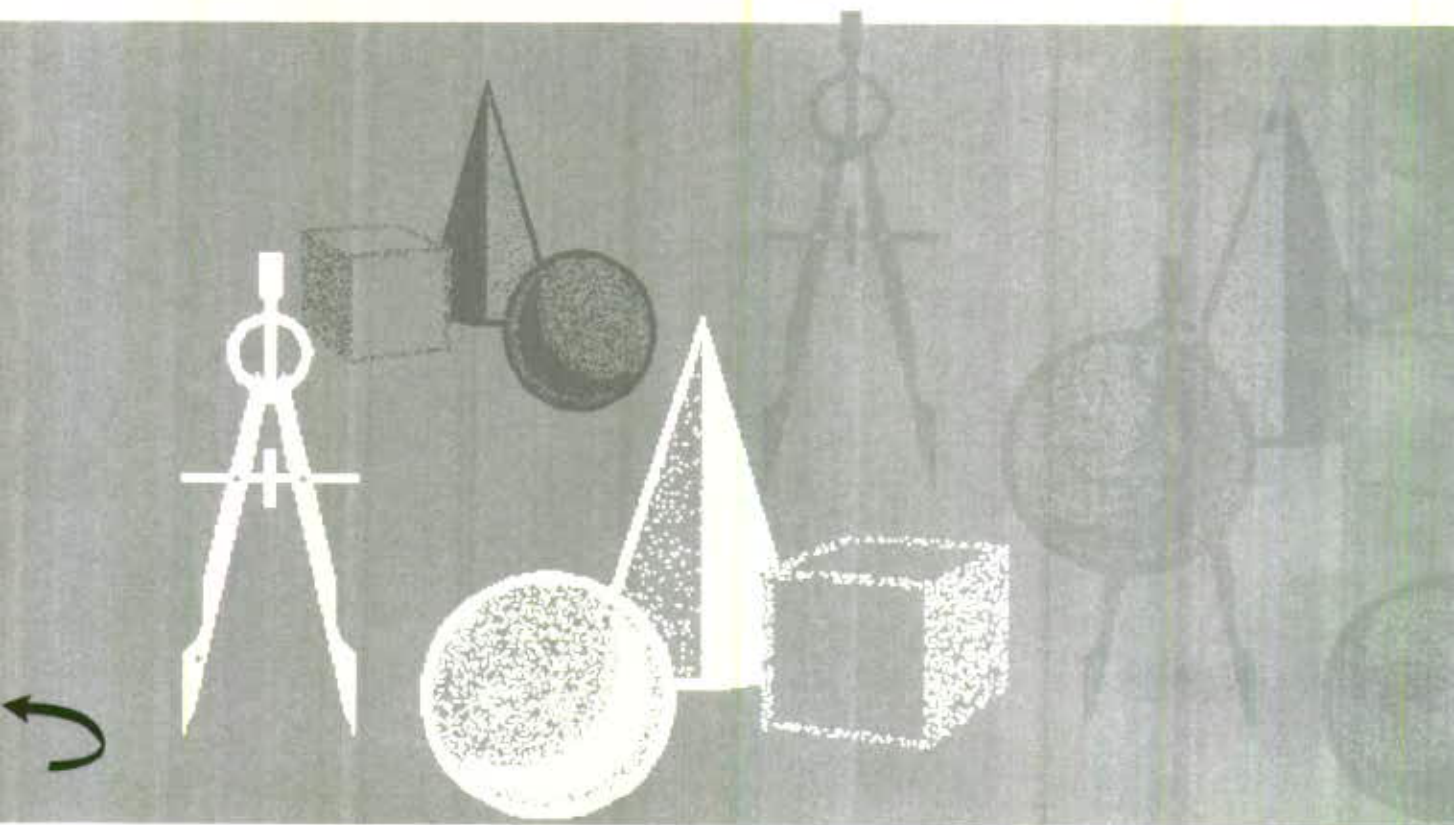


در مجموعه مقالاتی که از مهر ۱۳۸۴ تاکنون، تقدیم شد، قصد داشتیم شما خوانندگان محترم را با دیدگاه‌های جدید و مطرح در آموزش ریاضی، بیش تر آشنا سازیم. به و بوه که در بسیاری از محافل آموزشی و در متن بسیاری از نامه‌ها و بخش نامه‌ها و در محتوای بسیاری از کتاب‌های درسی و کمک آموزشی که در چند سال اخیر چاپ شده‌اند، وارکان جدیدی نظیر «کار گروهی»، «فعالیت»، «بازی های آموزشی»، «آموزش از طریق بازی»، «روش های مکاشفه ای»، «روش های دانش آموز محور»، «روش های فعال» و... سخن، فراوان به میان می آید.

همان گونه که در نخستین بخش از این سلسله مقالات بیان شد، این وارکان، وارکانی هستند که ممکن است برداشت های گوناگون و بسیار متفاوتی از آن ها وجود داشته باشد و تفسیرهای مختلف از آن ها، در عمل، مانع

ساز معهودی بکار آید. علاوه بر این بسیاری معلمان، با فلسفه و دیدگاه های عربی پیوسته در پس این وارکان، تفسیری برداشته و پیگیری سخنج بر آن ها، جزوای بی بهره، به همین دلیل بود که و در بحث «یکه گفایش تریس ریاضی» چگونه باید، «شناختن و شناختن» نتواند خود را برحک تریس که دیدگاه آن ها درباره ای «تفهمی خواندن» و «تفهمی و» و «توس ریاضی» تا چه نه، دیدگاه های جدید آموزشی که هم شناخت های خوبی و روش های جدید هستند، در دینک اند، شمعین، «دانش آوری معنی» و «تفهمی» ضروری بود چرا که با تعریف های مختلف از یادگیری، که باسی از فلسفه های مختلف روش سنانی هستند، روش های تریس بر هم می کشند. همین تصور که بسیار در بحث در دست آمده: «روش کار گروهی»، «روش مکاشفه ای»، «روش مکانسه ای»، «مخونست» و «روش» و «روش» برای کشف وجود سازد که معین بخواهند

دانش آموزان را به سوی آن هدایت کند. تریس این دیدگاه، همه چیز قطعی است و تریس، از اجزای تشکیل شده است که آن جزوای یاد گرفته می شود. بنابراین این تصور که همه، هم این همه که «تفهمی و شناختن» همه چیز قطعی تریس و به سخن مسافه می باشد از یک یادگرفته، باید آن را نتیجه کردن آن خطا «تفهمی» شود. این تریس است که در روش های مکاشفه ای، خود چنان است، یادگیری به حسسه می آید، هر آن که یاد، «یادگیری از تجربه های کوچک» بر آن بعد است بر روشی یادگیری از تجربه های کوچک، که در تعریف یادگیری، به نفس محیط و انسان و معاش یادگیرنده، آن ها، تغییر داده می شود. تریس، که یادگیری، معنی یافتن از آن تریس است، یادگیری، معنی دارد و یادگیری، یادگیری معنی است. تریس، معنی است که تریس، معنی است. تریس، معنی است. تریس، معنی است. تریس، معنی است. تریس، معنی است.



کار گروهی - تدریس کنیم. گاهی تدریس ما آن طور که باید و شاید، نتایجی ندهد و پس از تدریس، همه ما خسته هستیم و هم دانش آموزان گیج و سردرگم می شوند، اگر ما با این دیدگاه رفتاری، قصه اجرای روشی را داریم که فلسفه‌ی اصلی نهفته در پس آن، دیدگاهی شناختی و ساخت و ساز گرایانه است، در حال انجام اعمالی متفاوت هستیم و ما معلم های ریاضی، بهتر از همه می دانیم که سیستمی که در آن ساختن نظری وجود داشته باشد، ماندگار بوده و محکوم به فنا است!

به همین جهت، در ابتدای بحث های خود در این مقالات، دیدگاه های نظری جدید در آموزش بومیزه آموزش ریاضی را به اختیار معرفی کردیم و پس از آن، وارد بحث های عملی مانند «استفاده از بازی در آموزش ریاضی»، «استفاده از انگوته ها و دست ورزی ها و ابزارهای کمک آموزشی در تدریس ریاضی»، «تدریس ریاضی با استفاده از کار گروهی و طراحی فعالیت های مناسب» نوییم و «ویژگی های یک فعال» را بر سر ترمیم و جندین نمونه ی عملی برای تدریس ریاضی بر اساس دیدگاه های جدید آموزشی، ارائه کردیم.

با این حال، هنوز جای بسیاری از موضوعات، حالی است. یکی از مهم ترین بحث ها، «جایگاه مهارت آموزی»، و «تسلط بر رویه ها و الگوریتم های اساسی حساب» مانند ضرب و تقسیم... در آموزش ریاضی دوره های ابتدایی و راهنمایی است. از این رو قصد داریم، در سلسله مقالات جدیدی، به تفصیل درباره ی انواع یادگیری ریاضی و سهم هر یک در تدریس ریاضی، صحبت کنیم و جایگاه و میزان و نوع تمرین و تکلیف های مهارت آموزی را مشخص سازیم. همچنین، بحث نماد گذاری در ریاضیات، از دیگر بحث های مهم در آموزش ریاضی دوره ی راهنمایی است که با توجه به آغاز اسایی دانش آموزان باجبر در این دوره از ریاضی مدرسه ای، بسیار ضروری به نظر می رسد. در پی آن، بحث «اثبات» و میزان انتظاری که از دانش آموزان راهنمایی برای ارائه ی اثبات های «دقیق» ریاضی داریم، و این که «دقت» در ارائه ی اثبات های ریاضی، برای ریاضیات مدرسه ای دوره ی راهنمایی، چگونه تعریف می شود، بسیار ضروری و مهم است که به آن ها خواهیم پرداخت.

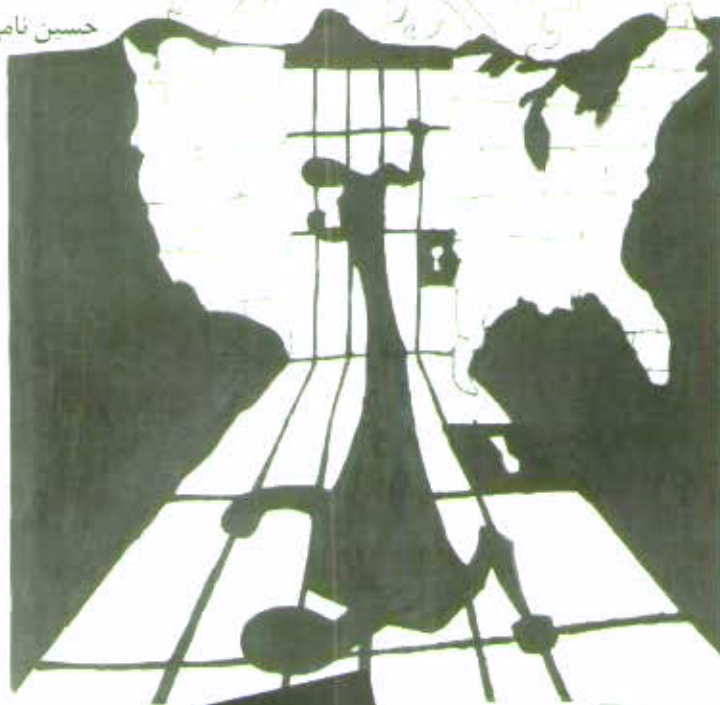
به علاوه این روزها، بازار «استفاده از

فناوری در آموزش» - به ویژه آموزش ریاضی - بسیار داغ است و از مسائل مهم چپانی در آموزش ریاضی به شمار می آید. بحث «حل مساله» نیز که خود رویکردهای بسیار متفاوتی دارد، از موضوعاتی است که به آن اشاره خواهیم کرد، در این جا، تنها به این نکته بسنده می کنیم که سه رویکرد متفاوت و البته مرتبط با هم در حل مسائل ریاضی وجود دارد: آموزش درباره ی حل مساله، آموزش برای حل مساله، آموزش از طریق حل مساله...

و بالاخره بحث «ارزشیابی»

ارزشیابی، جزو جدانشدنی هر تدریس است و بسیاری معتقدند که خود، قسمتی از فرآیند یادگیری - یاددهی است، بنابراین، حال که با دیدگاه های جدید آموزشی آشنا شده ایم، ضروری است با دیدگاه های جدید در خصوص ارزشیابی نیز که متناسب با روش های جدید تدریس باشند، بیش تر آشنا شویم.

امیدواریم در دوره های بعدی این مجله، بتوانیم به موضوعات فوق و دیگر موضوعاتی که دانستن آن، برای همه ی معلمان، بویژه معلمان ریاضی، ضروری است، بپردازیم و گاهی هر چند کوچک، در جهت ارتقای حرفه ای آن ها، بپردازیم.



دو پارادوکس

سفسطه سه

اشاره

گاهی مساهده می‌شود، در باره‌ی دو واژه‌ی پارادوکس و سفسطه، هنوز ابهاماتی در ذهن برخی همکاران وجود دارد. از این رو، با آوردن نمونه‌هایی سعی نموده‌ام به تفاوت ظریف این دو اشاره کنیم. به طور کلی؛ هر موضوعی که مقابله با تصور عمومی باشد و در ظاهر غیرممکن به نظر برسد ولی واقعیت داشته باشد و با هیچ نوعی منطقی و استدلالی قابل رد کردن نباشد، پارادوکس نامیده می‌شود. اما سفسطه، ضمن این که باور نکردنی است، عاری از حقیقت نیز است و برخلاف پارادوکس در اثباتش نکاتی همراه کننده و

ظریف نهفته است که نتایج غیر قابل باوری را به بار می‌آورد.

پارادوکس مرد اعدامی

امروز یک روز جمعه، ملاقات شخصی را به ترک محکوم کرد. قاضی در بدایین محکوم گفت: «ظنم بر آن روزهای هفته‌ی آینده حکم اعدام تو اجرا خواهد شد، ولی طالع روز را برای تو مشخص نخواهم کرد و تو فعلاً از این روز احتیاج به بجا آمدن آن روز نیست. بیست قبل، یعنی پنج روز اجرائی حکم، موضوع را به تو اطلاع خواهیم داد.» قاضی نه وقایع به نظر، و ذکوت به سپهر

بودم هشتاد و نه گفته بودم عمل می‌کرد. زمانی به جنت و قتل رسد می‌خورد به سومین داخل شد و هر دو مجروح در گوشه‌ای با فکر فرو رفت. با گذر و قتل در آنجا رسیدن بیروز سالی سگوت را مکتوب و کتاب «تاریخ حکم قاضی» نگاشته بود. از بدایین گفته‌ام که می‌توانی او را...
و گوی مدافع سنج داد «مبارک و روزی است با من هیچ وجهی است که هر روز هفته‌ی اجماع می‌باشد و در اجماع کند چون اگر فردا خواهد شد روز جمعه‌ی اجماع حکم اجرا شد. در این صورت، تو با هر روز قتل همسفر می‌گردی.

پنجشنبه زنده خواهی بود و چون فقط روز جمعه، یعنی یک روز دیگر به مهلت باقی مانده است بعد از ظهر پنجشنبه برای تو مسلم خواهد شد که جمعه، روز اجرای حکم است. در نتیجه تو روز اجرای حکم را یک روز قبل پیش بینی خواهی کرد و قبل از صبح جمعه از آن با خبر خواهی شد و این موضوع حکم قاضی را نقض و گفته‌ی او را بی اعتبار خواهد کرد.»

زندانی گفته‌ی او را تصدیق کرد.

و کین مدافع ادامه داد: «بنابراین روز جمعه‌ی آینده از فهرست روزهای اجرای حکم حذف می‌شود، و اما روز پنجشنبه نیز نمی‌تواند بورا اعدام کند چون در بعد از ظهر چهارشنبه، دو روز بیشتر به آخر هفته نمانده و چون روز جمعه از فهرست حذف شده است بنابراین روز پنجشنبه آخرین روز اجرای حکم می‌باشد.

بنابر این بعد از ظهر چهارشنبه تو خواهی دانست در روز پنجشنبه که آخرین روز امکان اجرای حکم است، تو را اعدام خواهند کرد. اطلاع تو یک روز بیشتر از اجرای حکم، باز هم با حکم قاضی تناقض دارد. بنابراین پنجشنبه نیز حکم غیر قابل اجراست و اما چهارشنبه: چون جمعه و پنجشنبه حکم غیر قابل اجرا بوده است، انتظار می‌رود چهارشنبه آخرین روز اجرای حکم باشد و تو که بعد از ظهر سه‌شنبه هنوز زنده هستی، اجرای حکم در روز چهارشنبه را پیش بینی خواهی کرد و از آن اطلاع خواهی یافت.»

در این موقع زندانی که از حالت غم‌زدگی بیرون آمده بود با لحنی مسرت‌بخش گفت: «س به همین ترتیب می‌توان گفت که روز سه‌شنبه و سس دوشنبه و بالاخره یکشنبه نمی‌تواند مرا اعدام کند و فقط فردا یعنی تنه باقی است، و اما فردا نیز اجرای حکم برای آن‌ها غیر ممکن است چون در این صورت من امروز موضوع را خواهم فهمید.»

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید از لحاظ منطقی هیچ ایرادی در حکم قاضی وجود ندارد. اما ظاهراً این حکم و سخنان قاضی وجود دارد و حکمش غیر قابل اجرا است. به عبارت دیگر قول او حکمش را نقض می‌کند. اگر حکم را اجرا کند خلاف قول خود عمل کرده و اگر اجرا نکند

باز هم خلاف قول خود رفتار نموده است. مشابه این پارادوکس، پارادوکس اعلامیه‌ی فرماندهی نظامی است که می‌گوید: «برای تمرین، در یکی از شب‌های هفته‌ی آینده آریز خطر کشیده خواهد شد. شب تمرین در شش بعد از ظهر همان روز به اطلاع عامه خواهد رسید و تا ساعت شش بعد از ظهر کسی از شب موعود مطلع نخواهد شد.»

مسلم است که، خود این اعلامیه ثابت می‌کند که تمرین هرگز انجام نخواهد گرفت. به زبان دیگر اجرای تمرین عملی نیست مگر این که از متن اعلامیه عدول شود.

«پارادوکس تابلو»

۲- در یک سمت تابلویی نوشته شده است: «جمله‌ی پشت این تابلو صحیح است.» در سمت دیگر تابلو نوشته شده: «جمله‌ی پشت این تابلو غلط است.» از چنین تابلویی چه نتیجه‌ای می‌گیرید، مسلماً هیچوقت نتیجه‌ی گرفته نمی‌شود. چرا؟

«سفسطه‌ی ۱۳ اسب و ۳ شریک»

۱- شخصی ۱۳ اسب را یک‌جا به قروص گذاشت. سه نفر شریک شدند و موجودی خود را روی هم جمع کردند و اسب‌ها را خریدند و قرار شد هر یک به اندازه‌ی پولی که پرداخته است در اسب‌ها سهم شود. پول آن‌ها به نسبت $\frac{1}{2}$ و $\frac{1}{3}$ و $\frac{1}{4}$ بود. از این رو مجبور بودند اسب‌ها را نیز به همین نسبت نصف و ثلث و ربع قسمت کنند. ولی در موقع تقسیم به اشکال برخوردند. چون به هر نفر چند اسب به اضافه‌ی جزئی از یک اسب می‌رسید. یکی از آن‌ها پیشنهاد کرد که به جای قطعه قطعه کردن و از بین بردن یک اسب بهتر است یک نفر آن را به حکم قرعه بردارد. با این کار موافقت شد، سپس ۱۲ اسب مانده را به همان نسبت نصف و ثلث و ربع بین خود تقسیم کردند. اولی نصف ۱۲ اسب، یعنی ۶ اسب برداشت و دومی ثلث ۱۲، یعنی ۴ اسب و سومی ربع ۱۲، یعنی ۳ اسب را برداشت و دست آخر با

شگفتی تمام دیدند که دیگر اسبی برای قرعه کشی نمانده است و سرگردان و چشم به راه کسی بودند تا مشکل آن‌ها را حل کند.

«سفسطه‌ی هر عدد a مساوی است با

عدد کوچکتر b»

۲- فرض کنید $a=b+c$ دو طرف را در $a-b$ ضرب می‌کنیم نتیجه می‌شود:

$$a^2 - ab = ab + ac - b^2 - bc$$

ac را به سمت چپ می‌آوریم:

$$a^2 - ab - ac = ab - b^2 - bc$$

از a فاکتر می‌گیریم:

$$a(a - b - c) = b(a - b - c)$$

دو طرف را بر $a-b-c$ بخش می‌کنیم و

$$a = b$$

نتیجه می‌گیریم که:

«سفسطه‌ی دسته گل ۳۰۰۰ تومانی»

۳- سه نفر تصمیم گرفتند، دسته گلی برای دوستان هدیه ببرند. بنابراین به یک گل فروشی مراجعه کردند و هریک با پیش پرداخت ۱۰۰۰ تومان، سفارش دسته گلی به مبلغ ۳۰۰۰ تومان را دادند. گل فروش پس از تهیه‌ی آن به شاگردش گفت، دسته گل را همراه ۵۰۰۰ تومان به خانه‌ی آن‌ها ببرد و یادآوری کند که گل‌ها ۵۰۰ تومان ارزان‌تر از پیش پرداخت آن‌ها تمام شده است. سه دوست پس از دریافت پول و گل‌ها، هر کدام ۱۰۰ تومان از ۵۰۰ تومان برگشتی را برداشتند و ۲۰۰ تومان بقیه را به شاگرد گل فروش انعام دادند. در این بین یکی از آن‌ها گفت پس سهم هر کدام از ما بابت پرداخت پول گل ۹۰۰ تومان شد. دیگری گفت اگر چنین است پس سه نفری $3 \times 900 = 2700$ یعنی ۲۷۰۰ تومان پول گل داده‌ایم و ۲۰۰ تومان هم انعام به شاگرد داده‌ایم که جمعاً می‌شود $2700 + 200 = 2900$ یعنی ۲۹۰۰ تومان، در صورتی که در اول ما روی هم ۳۰۰۰ تومان داشتیم پس ۱۰۰ تومان آن چه شده است. نفر سوم با لحنی گفت، ناراحت نباشید، ۱۰۰ تومان جایی نرفته، شما اشتباه می‌کنید. ولی آیا واقعاً اشتباه کرده بودنتان؟ عقیده‌ی شما چیست؟



در این روزها

اصغر ندبیری

اشاره

محبوب دل‌ها

ورود به تابستان و پایان سال تحصیلی به معنی شروعی دیگر است. آغاز یک فصل گرم و بسیاری لحظه‌های خاص، نوشتن و خواندن روز شمار یا تقویم به هر ترتیب، اثرگذار است. هر جمله‌ای که از لابه‌لای صفحات تاریخ برای یادآوری زمان از دست رفته، بیرون کشیده می‌شود، ابزاری است برای یادگیری، عبرت و به کار بستن، امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، نیک عاقبت نگری است.»

(غررالحکم و دررالکلم)

در سده‌های گذشته، تعدادی از افراد با نام «روز شمار» شناخته می‌شدند که به نوشتن و یادآوری روزها و لحظه‌های خاص در طول سال می‌پرداختند. این روزها به ابزاری برای یادآوری زمان از دست رفته و به کار بستن، امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، نیک عاقبت نگری است.»

تعدادی از افراد با نام «روز شمار» شناخته می‌شدند که به نوشتن و یادآوری روزها و لحظه‌های خاص در طول سال می‌پرداختند. این روزها به ابزاری برای یادآوری زمان از دست رفته و به کار بستن، امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، نیک عاقبت نگری است.»

سفر به جایگاه ابدی

در روزهای گذشته، تعدادی از افراد با نام «روز شمار» شناخته می‌شدند که به نوشتن و یادآوری روزها و لحظه‌های خاص در طول سال می‌پرداختند. این روزها به ابزاری برای یادآوری زمان از دست رفته و به کار بستن، امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، نیک عاقبت نگری است.»

- دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷
- چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷
- چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۱ جمادی‌الاول ۱۴۲۷
- شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۴ جمادی‌الاول ۱۴۲۷
- یکشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۵ جمادی‌الاول ۱۴۲۷

- دوشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۶ جمادی‌الاول ۱۴۲۷
- سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۷ جمادی‌الاول ۱۴۲۷
- چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۸ جمادی‌الاول ۱۴۲۷

در روزهای گذشته، تعدادی از افراد با نام «روز شمار» شناخته می‌شدند که به نوشتن و یادآوری روزها و لحظه‌های خاص در طول سال می‌پرداختند. این روزها به ابزاری برای یادآوری زمان از دست رفته و به کار بستن، امام علی (ع) می‌فرماید: «بزرگ‌ترین دلیل بر خردمندی، نیک عاقبت نگری است.»

می برسید و وقت نماز بگذرد، می برسد ضعف و ناتوانی «معنی بیان او و خدایس باسد، می برسد می هوش شود و عجز خواند برای وقتن آماده بود، او همیشه آمادگی ملاقات بود، از جوانی تا اکنون که به دور از سربز یا گمانه بود، آمادگی سفر بود، خودش نوشته بود:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی ساد و ضمیری امیدوار، به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم...»

سیرتنامه، ساعت هفت صبح روز چهاردهم خرداد ماه در دو حجر سفر ابدی امام را به اطلاع برادران رساند، با کتفان سزای گریه از سرزمین ایران به آسمان برخاست. از کتاب امام خمینی، نوشته‌ی امیر حسین فردی، انتشارات مدرسه، جاب (تیرماه ۱۳۸۲)

- دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۷

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) آن بانو ای
حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر
قدم‌های مادران است.

(اکثر العدل، حدیث ۴۵۴۴۳)

- دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۲۰ جمادی الاول ۱۴۲۷

درگذشت دکتر علی سرمدی
علی سر از بزرگواران روزگار، تربیت به روشی تربیان می رفت و یار و یارستانان به زبان و آنچه‌ی خودشان صحبت می کرد. او چندین بار برای گرفتن نواکتور و وسایل کشاورزی به یوسدیان کشک کرد. یک بار که چند روزی به یوسا رفته بود، مردی از اهالی که باخس بر اثر بیماری فح شده بود، سید که علی به خارج رفته و دکتر شده است، مرد روی دوش سنگاسی به خانه می بریزد علی رفت تا دکتر او را معالجه کند. اهالی خانه ما خنده به او گفتند: «او بر شک بست.»

در آن وقت علی در حال معالجه بود. خنکایی که این خانرا را شنید، ناراحت شد و پرسید: «آلی مرد الان کجاست؟» گفتند: «در راه بازگشت به خانه اش.» تا این جمله راست گفتی را که مطالعه می کردیم، گذشت و دنبال مرد دوید، برایش اسی تهیه کرد تا او سوار بر آن به خانه می برود، هم‌چون زودتر به مشهد بازگشت برود. مرد بزرگ اسامی برود و در بیمارستان مجبزی بستری شد.

از کتاب دکتر علی سرمدی، نوشته‌ی حمید مازی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، چاپ سوم، ۱۳۸۰

- چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۸۵ برابر با ۲۲ جمادی الاول ۱۴۲۷

شهادت دکتر مصطفی جمران
دکتر اسد راهمانی او می خواست مصطفی را از دست بدهد، می خواست در نوازی باسد و به تحقیقات بپردازد، در همان رختن یکی از دانشگاهها از او دعوت کرد تا با درجی استادی به تریس بپردازد، مصطفی قبول نکرد، می خواست به کار تحقیقاتی بپردازد، به دیگران نیز همین توصیه را می کرد، در جواب یکی از دوستانش که عسرا پرسید، گفت: «ممکن است خلاصه فردا از آن خورید، ولی

بدها حتما به درد خواهیم خورد.»

... تکلیف رد که اگر به ایران بیایم، به درد می خورم یا خیر؟ امام به او گفته بود که چنانچه مصطفی نیامده بود که بماند، ولی وقتی این حرف را شنید، ماندگار شد. دست نوشته‌های او هم ریاست: «تاریخ مراد رخک امتحان قرار داده است. می خواهد فداکاری مرا بسجد، اکنون برجم خدایم به دست من سیرده شده است. تا با طاعتها حکم و مازره‌ی من فقط با شهادت و فداکاری امکان پذیر است. خدا! هدایت کن، زیرا می دانم که گمراهی چه بلای خطرناکی است.»

... خسته شده‌ام، دیگر آرزویی ندارم، احساس می کنم که این دنیا دیگر جای من نیست. با همه وداع می کنم و می خواهم فقط با خدای خود تنها باشم...
(از کتاب شهید جمران، نوشته‌ی احمد دهقان، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۲)

به یاد هفتم تیرماه ۱۳۶۰، روز شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ یارش در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

سید محمد، در خانواده‌ای اهل علم و مشهور به نیکی متولد شده بود. او خیلی زود خواندن و نوشتن قرآن را در مکتب خانه فرا گرفت و مدتی بعد قرار شد به دیستان برود. در دیستان دولتی ثروت از او امتحان ورودی گرفتند و برای کلاس ششم پذیرفته شد، اما چون از نظر سنی نمی توانست به کلاس ششم برود، گفتند که باید در کلاس چهارم ثبت نام کند.

پس از دیستان، در سال ۱۳۲۱ ه.ش. با مشهورت با پدر و مادر به مدرسه‌ی صدر اصفهان رفت و به یادگیری علوم دینی پرداخت. درس‌های اسلامی چنان در دیش می نشست که یادگیری آن‌ها حتی لحظه‌ای او را خسته نمی کرد. سید محمد بهشتی، هم‌زمان با تحصیل در حوزه، نزدیکی از اقوام، یک دوره‌ی کامل زبان انگلیسی را گذراند و با آن آشنا شد. تا این که، در پاییز سال ۱۳۳۰ به عنوان دبیر زبان انگلیسی در دبیرستان حکیم نظامی قم مشغول تدریس شد.

(شهید بهشتی، ناصر طاهریا، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تهران، ۱۳۸۰)
حتی برای مریض شدن وقت ندارم

روزهای کوبانه نخست وریری او، دوران تلاش شبانه‌روزی و شامل این فعالیت‌ها بود: سفر به جبهه‌ی خنک و بررسی امکانات، سرکشی به جندروستا، برنامه‌ریزی برای آباد کردن مناطق کشاورزی و دیدار از محله‌های خوب شهر، خیلی از شب‌ها در محل کار خود می ماند.

یکی از اتاق‌های ساختمان نخست وریری که با موکت ساده‌ای فرش شده بود، اتاق استراحت بود. گاهی که فرصت می شد، سری به خانه می زد و با جوسحالی تعریف می کرد: «شب با رجبی نان و بیری خوردم و به کارها رسیدیم، خدا را شکر!»

در همان روزها یک بار سخت مریض شد. چشم‌هایش متورم شده بود. همین باعث شد که دچار سردردهای شدیدی شود. اما بار هم در خانه نمی ماند. وقتی اضطرار می کردند که استراحت کند، می گفت: «با این همه کار، حتی برای مریض شدن هم وقت ندارم.»

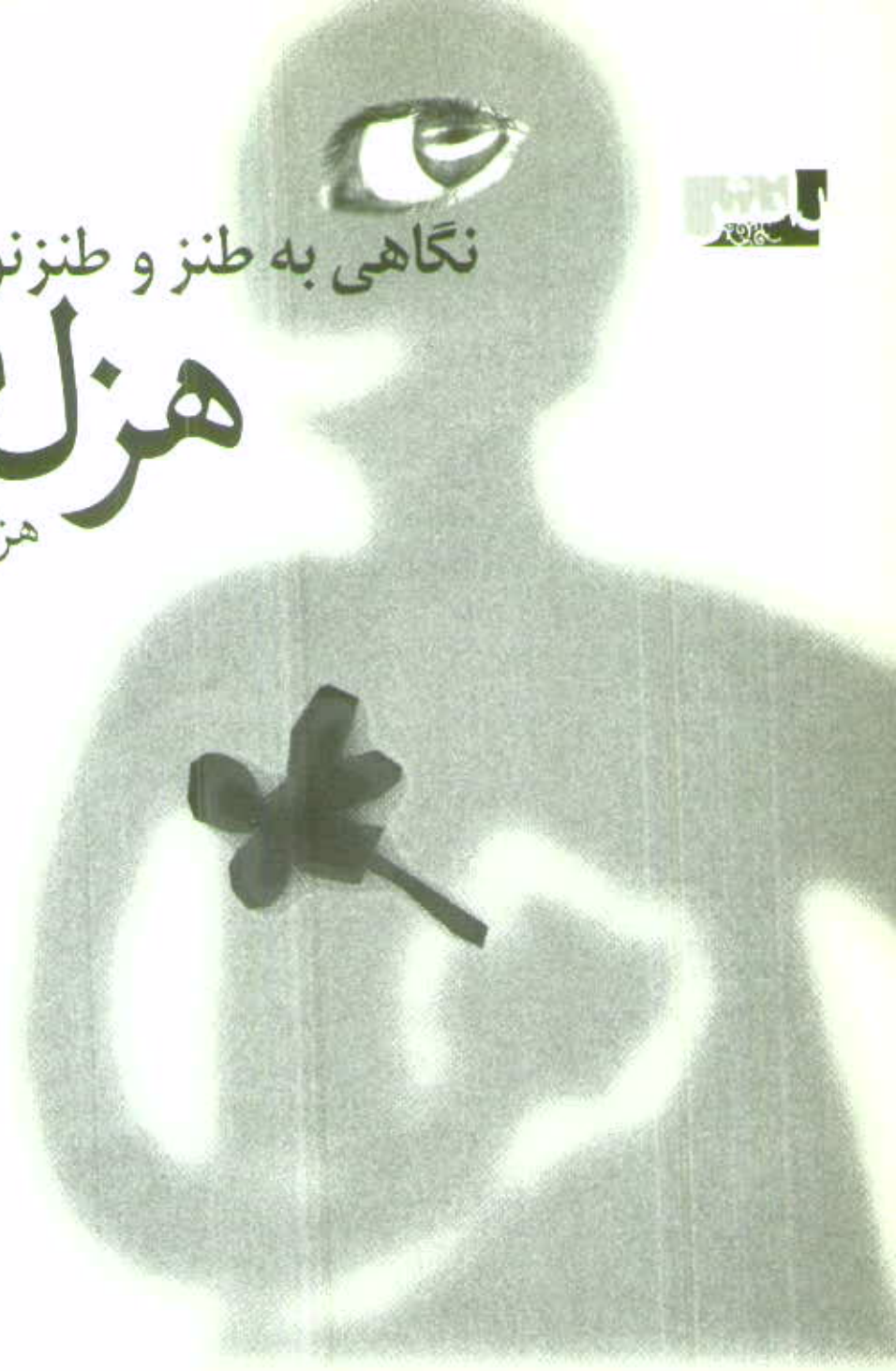
آشپد باهنر، مرحان فولادوند، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۴

نگاهی به طنز و طنزنویسی

هزل من

هزل نیست **تعلیم** است

قسمت چهارم



ادبیاتی همچون این رسیق قهرمانی، بر الهام از
 نسکری و نقارانی گفته اند. هزل مغشوبه است
 اهل مدح افق را است. مدحی اخرو محسبات
 معنوی محسباتی بر روی و در این زمین حد
 می کشد
 از کتب است. بر روی «هزل نبوس» و
 «هزل قورین» است
 خصیبه می آید. این سراج می گوید: «بیرو
 حتی مخالفان آن خصیبت یار و کلبی این است»
 از برای آن خصیبت نیست که در «او» اهل
 «دشمنه» یعنی عدل و راج و سراجی

محال را نتوانم بسند و هزل و دروغ
 که هزل گفتن کفر است در مسلمانی
 انبویان و هم جمعی
 و آن بعد بر روی که سوی سرجه
 هزل تعلیم است آن را جد نسو
 بو مسو بر ظاهر هزلن کرو
 سالی بر عقده است
 هزل من هزل نیست تعلیم است
 بیت من بیت نیست اقلیم است
 هزل آیتا و بر روی شعر نیستند، بلکه در
 و سراجی بر روی بر سراجی خورد

هزل در لغت سراج کوشی و سنجیده گفتن
 یعنی سده است. افعال الیوم است و آن را مفاصل حد
 دالت است
 همدلی، به معنی سوزنی و عرافت کوشی
 یادگیری نیز آمده است. چنانکه او حدی بر افعالی
 می گویند
 هزل است زرخ فرو ریزد
 و بر فزونیش دشمنی خیزد
 آید حد
 و به معنی خروج و گشت و باطل و حلاقه
 واقع چنانکه سایر خسروی گویند

من خوانده اند...

در خطه‌ی ۸۳ نهج البلاغه می‌فرمایند: عجیب دارد از عمرو غاصب که برده سحران موا به شوخی و کبر با لعن قذح می‌کند... پس، این نسبت را رد می‌کند و کتب می‌خواند.

شبهه‌های خندانن هجاگونان

حجو و هزل اگر چه می‌تواند از لحاظ محتوا، همپس جنبه‌های و جوهی انس را در بر گیرد، ولی یکی از هدف‌های آن است که ما را به خنده یا ستم وادارد. هجاگونایی که بیس بر خنداننده اند، موفق بر بوده اند، شوه‌های این جماعت برای خندانن حسن بوده است:

- **تحقیر:** کاسین قدیمی ایرانی گزیدن قربانی خود، از طریق بدخووه دادن فدوقامت یا مقام او.

- **تسبیح به حیوانات:** نویسندگان و داستانی پردازان مثل مختلف از دیوانه، توحیف و بزرگی‌ها و حرکات حیوانات را برای تان منظور.



خود به کار برده اند و این تیرسلفی گوئی، بسیر معتاد از تسبیح حکومت و جماعت تکفیر سرسپوده گان حکومت‌ها بوده است.

در «موش و گربه» عیدز گانی و عریقی فعلیات بیروین انحصاری و غیر در کلیه‌ودمه به این تشبیه‌ها بسیار برمی‌خوریم. در عرصه سیر گیاه‌های «خبربره پیکوئی‌ها» از آنابول تم‌اسی، «مورخه حیوانات» از جورج اورول و «همسر نیمون» اثر گولیز از این نوع ادبی بهره برده‌اند.

- **قلب اسنا و الفاظ:** از جمله حسن‌ترین

انرا جای هجاگوئی و دگرگون ساختن چیزها و واژه‌هاست. در ربیعان فارسی فخرالدین احمد نواسحق جلاج سراری (در گذشته به سال ۸۰۳ ه. ق) معروف به بسحق الطعمه: غزل‌های عاشقانه‌ی سعدی و اشعار غزلیانه‌ی حافظ و عماد فقه و بساری ادیبان دیگر را بنسبین کرده و اسامی خوراکی‌ها را در شعر به خوبی وارد کرده است:

مثلاً، غزل: «آن که خاک را به نظر کیمیا کند...» را تغییر داده و گفته است:

کیا بزان سحر که سر کله و او کنند
ایا بود که گوشه چشمی به ما کنند
چون از درون خریزه آگه نشد کسی
هر کسی حکایتی به تصور چرا کنند
و همچنین، شعر شاه نعمت الله ولی:

«گوهر بحر بیکران ما بیم
گاه موجم و گاه دریا بیم...» را تغییر داده و نوشته است:

رشته‌ی لاک معرفت ما بیم
که خمیریم و گاه بغیرا بیم... که خمیر و بعرایم خوراک و بختی‌هاست.

همچنین، نظام‌الدین محمود قای بردی در سده‌ی نهم هجری، در بیان مسخرگی اوصاف عمر، موضوع السهر را برگزیده است. جنگ بین جبهه و بیه (مویبه و گمان) به اسرار ابر بشیم، ابراقی‌هایی است طبر از تعارضات موجود در جامعه. از سوبه‌های «لطیفه یا نظیره‌های طبر آمیز در فارسی» «خارسان» ادیب کرمانی به تقلید طبر از سبک گلستان سعدی است: «

کودن و احمق جلوه‌دادن خود

هر چند طبر نویسان، معمولاً افراد تیر هوش بوده‌اند اما به سبب مصالح خاص (مدارا برای رنده عاقلن یا گستاخ در آندا) گاهی خود را به دیوانگی می‌زدند. چنانکه ساعری می‌گوید:

ز نادانی مرا بدنام کردند
به خفق و سگسری اعلام کردند
ولیکن خفق من بهتر از علمم
از برا از طریق اوست دخلم
اگر عاقل بدم من در همه عمر
گرسته ماندی من در همه عمر...

حتی انوری در دیوان خود، پیش تر می‌رود و می‌گوید:

... رو مسخرگی پیشه کن و
مطربی آموز

تاداد خود از کهتر و مهتر بستانی...
و نیز صادق هدایت در نقض طنز آمیز شعر معروف «دماوند» از ملک الشعرای بهار:

«ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی ای دماوند...» می‌گوید:
ای صاف و سفید کله‌ی فند
افراشته همچو کوه الوند
از کاغذ آیت کله خود
وز تخ به میان یکی کمر بند
- خراب کردن سبمل‌ها: سلطان محمود

غزنوی به نام گسترش توحید به هند لشکر کشیده در حالی که از نبوی عده‌ای تأیید می‌شد، عده‌ای دیگر مانند ناصر خسرو او را محکوم می‌کردند:

آن کو به هندوان شد یعنی که غازیم
از بهر سیم وزر نه ز بهر غزا شده است
ادبوان، جاب سوری و محقق، ص ۱۱۲)

ستایش اغراقی امیر و نامعقول، هتک و دشنام نیز از محتضات هجو می‌باشد.

لطیفه: سخنی که متضمن نکته‌ی لطیف باشد به نظم یا به نثر. سخنان دل‌نشین و نغز؛ شوخ طبعی؛ بذله، شوخی. و گفته‌اند: لطیفه به معنی نکته‌ی است دقیق که در ذهن بیاید، و با آن که فهم آن مشکل باشد، اما غالباً تغییر از آن مشکل باشد. جمع لطیفه، لطایف است و مراد از آن شوخی‌هایی است که غالباً متضمن معانی اشتقادی است. هر چند ظاهر الفاظ آن هزل آمیز و شوخ طبعانه باشد.

از روزگار قدیم گردآوری این نوع لطیفه‌ها در کتب معتبر و جدی نیز عرصوم بوده است و در حقیقت نویسندگان همچون ابن معتز، ابوالفرج اصفهانی، ابن عدریه، راعب اصفهانی، باقوت حموی و بسیاری دیگر در ضمن مباحث جدی و تحقیقی، تعداد زیادی از این لطایف را درج کرده‌اند. از مجموعه لطایف قابل توجه در ربیع فارسی، کتابی به نام **لطایف الطوائف** است در ذکر لطایف و نوادر حکایات طنزات مختلف

روان شناسی رشد نوجوان دیدگاهی تحولی



روان شناسی رشد نوجوان
ترجمه و تالیف: دکتر مهرداد شهرآرای
ناشر: نشر علم
چاپ اول: ۱۳۸۴

بوده است. از ویژگی های کم نظیر کتاب، به چند مورد اشاره می شود:

۱- کتاب به صورت ترجمه و تالیف است. همان گونه که در مقدمه ی کتاب آمده است، علاوه بر مناسبت قرار گرفتن کتابی از نورمان اسپرینتال و آندر و کالینز، نظریه ها و یافته های جدیدی بر آن افزوده شده است. نتیجه ی دقت شهرآرای در تهیه ی مطالب، باعث شده است که آماده سازی کتاب بیش از هشت سال به طول انجامد.

۲- هر فصل برای خود، فهرستی تفصیلی دارد. مبانی نظری در جدولی خلاصه شده است و چکیده ای از هر فصل نیز ارائه می شود.

۳- توجه کتاب به همه ی موضوع های مرتبط با نوجوانی نیز در نوع خود، کم نظیر است. ۱۳ فصل کتاب از نظر مفهومی در چهار مقوله ی عمده جای گرفته اند:

الف) مبانی نظری و خصوصیات جسمانی و روانی نوجوان؛

ب) تاثیر عوامل اجتماعی کننده به رشد نوجوان؛

پ) مشکلات رفتاری و عاطفی نوجوان؛

ت) رشد شعنی.

۴- بررسی ها و تحلیل های پژوهشی انجام شده بر روی نظریه های معروف رشد، موجب شده است هم اهمیت و نقش نظریه ها بهتر درک شود و هم جدیدترین یافته های پژوهشی، مورد استفاده قرار گیرد.

۵- تنوع مباحث هر فصل نیز نکته ای قابل توجه و حالب است و تقریباً سعی شده است که موضوعی فراموش نشود. به عنوان مثال، در فصل هفتم که موضوع رشد اخلاقی است به نکاتی مانند تفاوت های سنی و تفاوت همنامی جنسی در رشد اخلاقی، الگوهای ترکیبی در استدلال اخلاقی، نقش برنامه های درسی، خانواده و قصاصات اخلاقی، اختلالات روان ساختی و رشد اخلاقی و... توجه شده است.

فصل سیزدهم که موضوع آن رشد کاری و شعلی است نیز به طرح مباحث گسترده ای می پردازد. در قسمتی از این فصل رشد شعلی و جنسیت مورد بررسی قرار می گیرد.

البته، علیرغم ویژگی های مثبت کتاب و با وجود توجه خاص مؤلفین اصلی کتاب و تلاش مهرداد شهرآرای برای در نظر گرفتن مسائل فرهنگی، به نظر می رسد این توجه در حد کافی نیست. شاید در کتاب اصلی که برای فرهنگ مشخصی تالیف شده است، بسترهای فرهنگی موضوع ها و مباحث بیش تر مورد توجه بوده اند اما در ترجمه، تالیف حاضر، به فرهنگ در مفهوم جهان شمول آن توجه شده است.

همه ی فصل های کتاب به تفکیک، دارای فهرست تفصیلی هستند، اما در ابتدای کتاب جای یک فهرست کلی خالی است.

انتشارات ستادی تربیت.

این ها برخی از کتاب هایی هستند که در بازار کتاب موجودند. ولی کتاب های زیاد دیگری را هم باید به این فهرست مختصر افزود.

یادآوری چند نکته ای را درباره ی کتاب های مربوطه به روان شناسی رشد لازم می دانم:

۱- در حوزه ی دانشگاهی، کتاب رشد و شخصیت کودک و کتاب های دکتر احدی از شهرت بیش تری برخوردارند.

۲- افراد دیگری چون دکتر قائمی، دکتر برحلی، فرجاده داعی و دیگران نیز کتاب هایی در زمینه ی روان شناسی رشد دارند. انتشارات سمت، علاوه بر ۲ کتاب فهرست بالا، چند کتاب دیگر نیز با عنوان روان شناسی رشد چاپ کرده است.

۳- کتاب های روان شناسی رشد، سطوح سنی مختلفی را در بر می گیرند. بعضی از آن ها، همه ی سطوح سنی را مورد بررسی قرار داده اند. اما بس ترشان به سطح سنی مشخصی مانند کودکی یا نوجوانی و جوانی توجه داشته اند. به این ترتیب، اگر در عنوان کتابی، واژه ی «رشد» بود ولی غایبی از قبیل «ان شناسی کودکی یا روان شناسی نوجوانی» داشت در واقع، روان شناسی رشد محسوب می شود.

۴- علاوه بر کتاب های مشخص یاد شده، در کتاب های روان شناسی تربیتی هم به طور معمول، مباحثی درباره ی روان شناسی رشد وجود دارد. به عنوان مثال، در کتاب کاربرد روان شناسی در آموزش، تالیف رابرت بیلر، ترجمه ی دکتر نیروس کدوور، نشر مرکز دانشگاهی، بحثی مربوط به رشد یکی از منظم ترین موضوع های کتاب محسوب می شود. نوع طبقه بندی ویژگی های سنی و تحلیل مطالب، در بخش رشد این کتاب، بسیار جالب و کاربردی است.

بعد از این مقدمه ی طولانی، به اصل مطلب، یعنی معرفی کتاب «روان شناسی رشد نوجوان» می رسیم. این کتاب که در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است کتابی پژوهشی، کاربردی و بسیار مفید است. به جرات می توان گفت که در زمینه ی روان شناسی رشد، به خصوص رشد نوجوانی، جای چنین کتابی خالی

«روان شناسی رشد» یکی از رشته های جذاب و کاربردی روان شناسی است. این رشته، از یک طرف ما را با ویژگی های طبیعی رشد در سطوح سنی مختلف آشنا می کند، و از طرف دیگر، ویژگی های غیر طبیعی و ناپهناخار رشد را می شناساند. روان شناسی رشد، هم یک درس دانشگاهی برای کلیه ی رشته های علوم تربیتی و روان شناسی است، و هم موضوعی است که می تواند مورد استفاده ی والدین، معلمان و مربیان قرار گیرد. کتاب هایی که در این زمینه، در کشور ما ترجمه یا تالیف شده اند خوشبختانه کم نیستند. با این هم، نیاز به کتاب های جدیدی برای هر دو گروه دانشگاهی و عمومی هنوز هم وجود دارد. از جمله کتاب های ساختی و معرف روان شناسی رشد که در ایران به چاپ رسیده اند می توان موارد زیر را نام برد:

- روان شناسی رشد، دکتر عسی اکبر سعاری، زیاد، انتشارات اطلاعات.

- مبانی روان شناسی رشد، دکتر عبدال... سعید آبادی، انتشارات چهره.

- رشد و شخصیت کودک، پول هبری ماس و همکاران، ترجمه ی مهتبه یاسایی، نشر مرکز.

- روان شناسی رشد (کودکی)، دکتر حسن احدی و شکوه السادات بی حمالی، چاپ و نشر بیاد.

- روان شناسی رشد (نوجوانی و جوانی)، دکتر حسن احدی و دکتر سیکوهر محسنی، چاپ و نشر بیاد.

- روان شناسی رشد (جوانی، میانسالی، پیری)، دکتر حسن احدی و فرهاد حمهری، انتشارات پردیس.

- روان شناسی ژنتیک، دکتر محمود منصور، انتشارات سمت.

- روان شناسی رشد، دکتر حسین لطف آبادی، انتشارات سمت.

- روان شناسی رشد کاربردی نوجوانی و جوانی، دکتر حسن لطف آبادی، سازمان ملی جوانان.

- دنیای نوجوانی، دکتر حسن تبرجسی،

از کار دستی تا حرفه‌وفن

حرفه‌وفن



اشاره

پس از پیروزی

انقلاب مشروطیت در ۱۲۸۵ هـ.ش و سپس

«وزارت معارف و صنایع مستظرفه و اوقاف» و

«وزارت فرهنگ»، بعد از آن که در ۱۳۱۴ هـ.ش

فرهنگستان، واژه‌ی «فرهنگ» را به جای معارف، وضع نمود و بالاخره اعلان تشکیلات جدید این وزارتخانه با نام «وزارت آموزش و پرورش» در سال ۱۳۳۳، به مدت پنجاه و نه سال در دوره‌ی شش ساله ابتدایی و سیکل اول متوسطه که مدت تحصیلی در آن سه سال بود، درسی به نام «کار دستی» گنجانده شد. بعد از آن که در سال ۱۳۴۵ هـ.ش نظام جدید آموزش در قالب تحصیلات ابتدایی (پنج ساله)، راهنمایی تحصیلی (سه ساله) و دوره‌ی تحصیلات متوسطه نظری (چهار ساله)، برنامه‌ریزی گردید، چون دوره‌ی راهنمایی تحصیلی (سه ساله) جایگزین سیکل اول متوسطه شد و درس حرفه‌وفن با هدف فراهم آوردن زمینه‌ی شکوفایی استعداد دانش‌آموزان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای برنامه‌ریزی و اجرا شد، درس کاردستی از برنامه‌ی آموزش راهنمایی تحصیلی حذف شد و تحت عنوان «هنر و کاردستی» منحصر به دوره پنج ساله ابتدایی گردید. اما در حال حاضر عنوان کاردستی نیز از دوره‌ی ابتدایی برداشته شده و فقط درسی تحت عنوان «هنر» در این دوره وجود دارد. در این مقاله، پس از بررسی خط سیر برنامه‌ی درسی کاردستی از ابتدا تا ۱۳۴۵ به نقاط قوت و ضعف این برنامه در وزارت آموزش و پرورش خواهیم پرداخت و در پایان ضمن مرور برنامه حرفه‌وفن، تنگناها و نقاط ضعف این درس را بررسی خواهیم کرد.

سیروس غفاریان

برنامه‌ریزی درسی حرفه‌وفن در دوره‌ی راهنمایی تحصیلی از ۱۳۵۰ به بعد

پس از آنکه برنامه‌ی درسی «حرفه‌وفن» با هدف اصلی دانش‌آموزان با استعداد حرفه‌وفن

در تربیت بیست و بیست و نه نفر از دانش‌آموزان با استعداد و پرورش حسه و تمرین مهارت‌های دست‌آزمایی گوناگون، وزارت آموزش و پرورش، توانسته است

در ساختن کسورزی، سفید و سفید، طرح‌ریزی بند مفاصل انورس و پرورش حسه و تمرین مهارت‌های دست‌آزمایی گوناگون، وزارت آموزش و پرورش، توانسته است

حرفه و فن خواهد توانست دانش آموزان را مسلح به مهارت‌هایی نماید تا فارغ التحصیلان دوره راهنمایی در جامعه جایی برای خود باز کنند.

عائد این سخنان از ۱۳۵۰ که اولین گروه فارغ التحصیلان دوره‌ی پنج‌ساله ابتدایی وارد دوره‌ی راهنمایی تحصیلی شدند، تا ۱۳۵۳ که دوره‌ی راهنمایی را طی نمودند، عدم در رشته‌های گروهی بحسب می‌شد. این برنامه در تدوین بسیار جالب بود ولی در عمل با سکت روبرو شد.

نقاط ضعف درس حرفه و فن

نقاط ضعف این درس را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد.

- ۱- حجم زیاد کتاب‌های حرفه و فن که در سه بخش خدمات، صنعت، حرفه‌های روستایی و کشاورزی تدوین شده بود
- ۲- نداشتن تخصص و عدم کارایی دبیران حرفه و فن
- ۳- نداشتن کارگاه برای فعالیت‌های عملی

در مورد حجم زیاد کتاب‌ها باید اشاره کرد که:

سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ برای سال اول راهنمایی یک جلد کتاب در سه بخش صنعت، خدمات و حرفه روستایی و کشاورزی تألیف شده بود و در سال‌های دوم و سوم برای هر بخش یک جلد کتاب یعنی هر دانش‌آموز سال دوم و سوم سه جلد کتاب با حجم زیاد در حد ۲۸۰ صفحه را باید مطالعه می‌کرد.

بعد از انقلاب اسلامی، وزارت آموزش و پرورش مجبور گردید که برای جلوگیری از اوقات تحصیلی دانش‌آموزان، سه جلد کتاب را در یک جلد ادغام نماید و فصل‌های ویژه دختران و

سران را جدا نموده و ساعات تدریس این درس را از چهار ساعت به سه ساعت تقلیل دهد و بالاخره کتاب خداگانه‌ای برای دختران نوشته شود.

نداشتن دبیران متخصص حرفه و فن

اولین گروه از دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌بایستی در سال ۱۳۵۰ وارد سال اول راهنمایی شوند در صورتی که، دانشسراهای تربیت معلم راهنمایی قادر به تأمین دبیران مورد نیاز نبود. آثار نشان می‌دهد که در نخستین سال اجرای برنامه، ۲۵۹۲۱۸ نفر دانش‌آموز راهنمایی مشغول به تحصیل شدند، اما وزارت آموزش و پرورش توانست بیش از هزار نفر دبیر فوق‌دبسم در زمینه‌های علوم تجربی، زبان خارجی و حرفه و فن... تربیت نماید. از این رو، تعداد زیادی از معلمان کارآموده‌ی دوره‌ی ابتدایی را با ابلاغ دبیری به مدارس راهنمایی فرستادند. بدین ترتیب بهترین معلمان دوره‌ی ابتدایی به ضعیف‌ترین دبیران دوره‌ی راهنمایی تبدیل شدند. چون تدریس در دوره‌ی راهنمایی با آن وسعت و دامنه از عهده هر کس بر نمی‌آید و تدریس در این رشته به انسال‌های تحصیل کرده فنی نیاز داشت. وزارت آموزش و پرورش به این ترتیب ناگزیر دو سؤال زدا هم دوره‌ی ابتدایی را از معلمان کارگرفته محروم ساخت و هم نگذاشت دوره‌ی راهنمایی تحصیلی به اهداف خود برسد. از این رو وزارت آموزش و پرورش به این فکر افتاد که در اقدامی شتاب‌زده، دبیران تازه‌کار را طی چهار سال و در تعطیلات تابستانی با گذراندن ۴۲۰ ساعت آموزش ضمن خدمت، در زمینه حرفه و فن تجهیز کند و به آن‌ها عذر که فوق‌دیلمه حرفه و فن بدهد، که البته این کار یک مسکن بودن در زمان واقعی، بی‌جهت

بود که دکتر کاظم ودیعی معاون وقت وزارت آموزش و پرورش طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی کیهان گفت: «در حالی که اولین دوره‌ی سه ساله‌ی راهنمایی به پایان رسیده است مسؤولان آموزشی کشور از شناخت استوار محصلین دوره راهنمایی که هدف اصلی این دوره است عاجز مانده‌اند.»

نداشتن کارگاه برای کارهای عملی

آزمون درس حرفه و فن در دو بخش نظری و عملی انجام می‌شد، اما در روستاها کارگاه فنی وجود نداشت و در یازدهی از شهرها که این کارگاه‌ها وجود داشت، بعضی از مدارس با کمک اولیا دانش‌آموزان، تنها توانسته بودند موتور کهنه‌ای را برای درس اتومکانیک خریداری کنند. سخن آخر این که: محصور کردن ذهن دانش‌آموزان به یادگیری انحصاری مساحتی همچون کشاورزی، صنعت و خدمات، مساوی است با نابودی ذوق و سلیقه و خلاقیتی که هر دانش‌آموز می‌تواند در سایه آن در زمینه‌ی ارانه‌ی کارهای عملی موفق باشد.

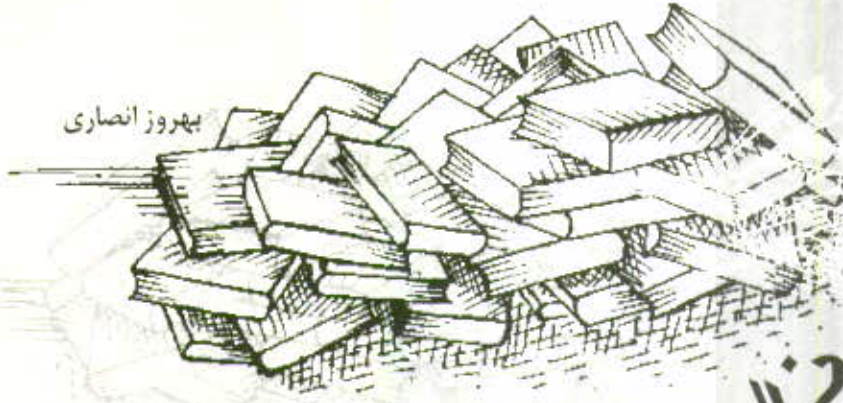
منابع

- ۱- مرحانی، بهار، سیر تکوین آموزش فنی و حرفه‌ای در ایران، معاونت متوسطه فنی و حرفه‌ای، تهران ۱۳۷۳
- ۲- معیری، محمدطاهر، دگرگونی‌های آموزش و پرورش در سنجاه سال اخیر، ماهنامه‌ی آموزش و پرورش، اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۷
- ۳- اهنه سینه‌ساری و نگارگری در معلم و تربیت کودکان، ماهنامه‌ی آموزش و پرورش، آبان‌ماه ۱۳۴۴
- ۴- برنامه‌ی فنی‌فنی اداره‌ی کل مطالعات و برنامه‌ها، ترم‌ماه ۱۳۴۶
- ۵- کتاب‌های حرفه و فن از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰
- ۶- برنامه‌ی جامع و فراگیر وزارت آموزش کشور، مؤسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وزارت علوم و آموزش عالی، شماره ۱۸۵، شهریورماه ۱۳۵۲
- ۷- نظاریان، سبزو، مشکلات و تمکین‌های آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای، شماره ۱۳۷ دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی تربیتی.





بهرروز انصاری



تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی نگاهی به کتاب‌های

ما توجه به این که در کشور ما کتاب درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و تمامی فعالیت‌ها و تجارب یادگیری دانش‌آموزان توسط معلم، حول کتاب درسی سازماندهی می‌شود. ساخت و آگاهی دبیران از اهداف و محتوای کتاب‌های درسی و درک صحیح از رویکرد حاکم بر محتوای درس‌ها به آن‌ها کمک می‌کند، در طراحی آموزشی، انتخاب روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی و تکلیف‌دهی توانایی لازم را کسب کنند.

تفسیر برنامه‌های آموزشی و درسی، برنامه‌ی بومی‌ی برنامه‌ریزان، و دستیابی آنان به دانش‌ها و مهارت‌ها و اصول جدید برنامه‌ریزی آموزشی و میل به انتقال یافته‌های نوین به دانش‌آموزان و ایجاد بستری مناسب‌تر برای پرورش شهروندانی کارآمدتر و جامعه‌ای پویاتر است.

اکنون که چند سالی از تألیف کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی می‌گذرد جا دارد بر اساس تحریکات همکاران و دانش‌آموزان، نگاهی را درباره‌ی تغییر محتوای این کتاب‌ها مورد بررسی قرار دهیم. بویژه آن که، بعضی همکاران هنوز توجه چندانی به این تغییرات نمی‌کنند.

الف - علل تغییر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی
کتاب‌های تعلیمات اجتماعی قبل از انقلاب

اسلامی، در سال ۱۳۵۹ به کلی کنار گذاشته شد، مسلم بود که در تألیف کتاب‌های جدید اجتماعی باید اصول اجتماعی اسلام در نظر گرفته شود و دانش‌آموزان به آن آشنا شوند. مهم‌ترین مسأله برای برنامه‌ریزی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی قانون اساسی بود، زیرا جامع‌ترین سندی بود که در آن مسأله اجتماعی اسلام به بهترین شکل مطرح شده و حقوق کلی ملت در آن معین شده بود. از طرفی کتاب‌های درسی، از جمله کتاب‌های اجتماعی بنا به ماهیت و محتوای آن‌ها با تغییر عجین است، زیرا دانش بشری که یکی از عوامل مؤثر در محتواست دائم تغییر می‌کند. سرعت تغییرات اجتماعی و جابجایی اونیته‌ها و حساسیت‌های اجتماعی به گونه‌ای است که کتاب‌ها حداقل یکسال با زمان تدریس فاصله دارند و در این فاصله ممکن است بسیاری از مقررات و قوانین تغییر کنند (امثال تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یا ادغام دو وزارتخانه و ...). بنابراین با گذر زمان تغییر کتاب‌های درسی، اجتناب‌ناپذیر است، اگر چه قانون اساسی مبنای همه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی فرد و جامعه است، ولی شرایط یادگیرنده اقتضا می‌کند که آرمان‌های اجتماعی به صورت هدف‌هایی آموزشی عینی‌تر و قابل تأمین‌تر تبدیل شوند، تا جامعه‌پذیر ساختن دانش‌آموزان دوره‌ی



راه‌هایی جدیدی از اهداف اساسی این دوره است امکان‌پذیر گردد، بنابراین می‌توان گفت: احساس ضرورت برای آموزش بهتر معلمان، مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی جدیدتر بر شهروندان، غنای انسانی تعبیر کتاب‌های علمیات اجتماعی بوده است. چرا که هدف آموزش و پرورش توسل، شادمانی، خلافت و آموزش مهارت‌های زندگی است به اتکین اطلاعات:

ب- تبیین در محتوای کتاب‌های علمیات اجتماعی

در سال ۱۳۸۱ در مجموع کتاب‌های علمیات اجتماعی دوره‌ی راه‌پیمایی تحولی اساسی صورت گرفت. به گونه‌ای که کتاب‌ها بر اساسی یکسری اساسی اجتماعی یا تجربی‌ترند که دانش آموزان موفق بودند و کلاس‌ها از حالت یکسویه‌گویی و کنترل‌کننده خارج گردید و دانش‌آموزان تا حد فعالیت‌های متفکرانه در کتاب‌ها درگیر شدند. محسوس فعال و دوسویه ایجاد گردید و به اهداف کتاب‌ها نزدیک‌تر شدند. این تغییرات چنین است:

تکنه‌ی اول: ماژورن اصلی هر درس به صورت سوالی بیان شده است.

در به هر صورتی، ایجاد از سطح مطلوب و فعالیت‌های است. فرایند یاددهی-یادگیری امری دوسویه است و به توافق دو طرف نیاز دارد. نقطه‌ی شروع بررسی به هر سلیقه خاصی نیاز دارد. هنگامی می‌تواند از این عنوان‌ها به عنوان عامل ایجاد انگیزه استفاده کند. و قبل از شروع درسی به دانش‌آموزان بگوید دو ماهه گذشته فرستادیم تا پاسخ موضوع اصلی درس را به صورتی بدهد و اطلاعات او به‌یاری دانش‌آموزان را نسبت به موضوع بچند سبب در پایان درس. از آن‌ها بخواهند به جواب‌هایی که داده‌اند رجوع کنند تا نسبت حفره اطلاعات آن‌ها احصاء شده است. به این ترتیب دانش‌آموزان، خود را در فرایند آموزشی سهیم خواهند دانست. همچنین، این فعالیت‌ها نیز می‌تواند در پرورش خلاقیت آن‌ها می‌گنجد و

باعث می‌شود در حساب بعد از درس بازودگر از معلم عطا شده است. از همین مباحث



تکنه‌ی دوم: فعالیت‌های مختلف، بازی و گفتگو، آموزش شوند. بررسی موضوع و غیره که در ضمن هر درس آمده است؛ نظرات و هدایت معلمان و مشارکت دانش‌آموزان می‌تواند معارف پژوهشی دانش‌آموزان به آن‌ها فرصت دهد تا مشارکت کنند و گفتگو کنند و به‌طور عمده در این دو جهت بخواهند. سخن بگویند و به آن‌ها اشاره دهند.

این کار با همین روش دانش‌آموزان، یک سوئچی است به بحث برانگیزان را کار بکار.

تکنه‌ی سوم: در بعضی درس‌ها از دانش‌آموزان خواسته شده است، سوال‌هایی را برای درس‌ها تعیین کنند. در حقیقت برای دانش‌آموزان می‌تواند صورت گرفته‌ی برای این درس‌ها سوال شده است که در منزل به صورت فردی عنوان آن را بپوشند. سپس آن‌ها در کلاس مقایسه کند و بهترین عنوان را با توجه به نقیضات دانش‌آموزان بچانه کند. این کار علاوه بر پرورش خلاقیت آن‌ها، موجب می‌شود خود را در روند بررسی دانش‌آموزان و نسبت به کلاس و درس نگرش بهتری داشته باشند.

تکنه‌ی چهارم: سوال‌هایی در متن و در تصویر و ذهنی است که چنانچه شده است. اگر

دانش‌آموزان برای بکار بردن این سوال‌ها راغب می‌شوند. علاوه بر تهیه مسبق بر، بررسی و تعارض به‌یاری با معلم خواهند داشت. همچنین، در انتخاب تصاویر به قابلیت آن‌ها از آموزش استفاده می‌کنیم. القای ارزش‌ها و به فعالیت و دانش‌آموزان توجه شده است. نظیر این در ضمن مدرسه، از دانش‌آموزان بخواهند به صورت گروهی یا فردی به سوال‌هایی در تصویر پاسخ دهند. سپس جواب‌ها را با یکدیگر مقایسه کنند و امتیاز دهند.

تکنه‌ی پنجم: به بحث ارزشی، که یکی از مراحل سیر رهروان است. بررسی این روش است. نسبت به دانش‌آموزان.

الف- خلاصه‌کنندگی در فعالیت‌ها

دانش‌آموزان به خلاصه‌نویسی از هر فصل می‌توانند. این خلاصه‌ها به حد فن کتاب‌ها نیستند. چون هدف اصلی، یادگیری تعظیم است. به حفظ کردن مطالب کتاب، در ضمن یاددهی به خلاصه کردن را که در فارسی یاد گرفته‌اند. یادآوری شود، ممکن است در حتماً اول مشکلات بروز کند. اما در حلقه بعد به شرح مطالب می‌تواند. هدف کلی خلاصه‌نویسی این است که دانش‌آموزان فریاد از این سخن بدهند. این خلاصه‌ها باید در جلسه‌ی بعد با یکدیگر مقایسه و اصلاح شوند.

ب- پرسش و پاسخ دهند: برای ایجاد این بحث، لازم است دانش‌آموزان به صورت فردی بعد از مطالعه‌ی مجدد مطالب، چند سوال خاص درباره‌ی آن مطرح کنند و خود به این سوال‌ها پاسخ بدهند. این فعالیت‌ها به نظرات معلم انجام شود. و او باید از بعضی دانش‌آموزان بخواهد به سوال‌هایی مطرح شده پاسخ دهند.

ج- فعالیت‌های خارج از کلاس: به صورتی که می‌تواند: اگر کسی در کلاس می‌گوید، اگر یادش بیاید چند خط در مورد آن موضوع بنویسد. این روش بسیار

مصادق فعالیت‌های خارج از کلاس است. ارتباط با دیگران یک مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و سناریو در کارهای گروهی حاصل شود. این فعالیت باید خارج از کلاس به صورت فردی یا گروهی انجام شود. لازم است دفتر حامی به سبب این فعالیت‌ها اختصاص یابد. و بخشی از نمره‌های ارزشیابی مستمر، براساس آن در نظر گرفته شود. در این قسمت ارتباط با خانواده مورد توجه بیشتری است. دانش‌آموزان برای انجام بعضی از آن‌ها باید با والدین خود مشورت کنند. هدف عمده‌ی این فعالیت، تقویت مهارت‌های اجتماعی و کلامی است. اگر فعالیت‌های خارج از کلاس، انجام نگیرد، هدف‌های آموزشی کتاب تأمین نخواهد شد. فعالیت‌های عملی هر یک از درس‌ها باید به‌طور مرتب پیگیری شوند. پیشنهاد می‌شود در هر جلسه به‌طور تصادفی از یک یا چند نفر از دانش‌آموزان خواسته شود، گزارشی از انجام فعالیت‌های عملی خود را در کلاس ارائه دهند. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌ها کوشا باشند و مسائل را به‌طور عینی و عملی تجربه کنند.

نکته‌ی ششم: در پایان هر فصل کتاب

تعلیمات اجتماعی، چکیده‌ی فصل خواسته شده است که دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند، برداشت کلی خود را درباره‌ی یک فصل بیان کنند. در هم ننیدن نمودار را باید دانش‌آموزان تکمیل کنند تا ارتباط درس‌ها را با هم تشخیص دهند.

چند توصیه‌ی کاربردی

با توجه به بازنگری اساسی برنامه‌ی درس تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی و ناکند شورای برنامه‌ریزی این درس بر لزوم توجه به یادگیرنده در فرآیند یاددهی - یادگیری و توصیه‌ی مؤلفان و معلمان به این که در تالیف کتاب و تدریس، شیوه‌های مبتنی بر فعال کردن دانش‌آموز را به کار گیرند. لازم است نکاتی را

در این باره مدنظر قرار دهیم:

۱- مؤلفان محترم کتاب راهنمای تدریس تعلیمات اجتماعی را تهیه و در اختیار همکاران این رشته قرار دهند و حتماً برای هر درس فعالیت خاص یا روش تدریس ارائه گردد بسیار کاربردی تر خواهد بود.

۲- تهیه‌ی فیلم‌های آموزشی برای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌ی اجتماعی، می‌تواند در جذاب‌تر کردن این درس برای دانش‌آموزان، نقش مهمی داشته باشد.

۳- تبدیل کتاب به مجموعه‌ی پرسش و پاسخ از سوی معلم برخلاف اصول و رویه‌های قابل قبول در یادگیری است.

۴- لازم است کتاب درسی به عنوان مرجع مهم در جریان تدریس مورد توجه قرار گیرد و دانش‌آموزان، برای یادگیری بهتر، به متن، تصاویر، نمودارها و سایر قسمت‌های کتاب ارجاع داده شوند.

۵- نوع رفتار و برخورد معلم با دانش‌آموزان، می‌تواند تأثیر سازنده یا مخرب داشته باشد. به‌دادن به فعالیت‌ها و اظهارنظرهای دانش‌آموزان، تکیه بر تشویق و ترغیب، ایجاد فضای صمیمی در کلاس، به خرج دادن حوصله در شنیدن نظرات، پرسش‌ها و حتی انتقادات دانش‌آموزان از جمله مواردی است که نیاز به توجه بیشتری دارد.

۶- لازم است اهداف نگری برای معلمان ترسیم شود تا برای تحقق آن‌ها بکوشند. این اهداف می‌تواند در کتاب معلم و دوره‌های آموزش معلمان مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

۷- نباید دانش‌آموزان را با دیگران سنجید، بلکه باید اصل تفاوت‌های فردی را در یاددهی - یادگیری مورد توجه قرار گیرد.

۸- لازم است معلمان در فهرست معیارهای ارزیابی خود، مواردی چون مشارکت دانش‌آموزان در گفت‌وگوها کلاس، همکاری در کار گروهی، انجام فعالیت‌های خارج از

کلاس، انجام کارهای اختیاری مثل ارائه مقاله یا کار عملی و... را مدنظر قرار دهند.

۹- ضرورت دارد همزمان در روش سازماندهی محتوا و روش‌های تدریس، در مورد شیوه‌های ارزشیابی و ابزارهای آن نیز دگرگونی جدی ایجاد شود. امثال حذف امتحانات نهایی پایه‌ی سوم و...)

۱۰- برای صرفه‌جویی در وقت بویژه با توجه به کمبود ساعت این درس، لازم است همکاران «طرح درس» مناسبی اختیار کنند. همچنین، استفاده از روش گروه‌بندی دانش‌آموزان و نبرداختن به حاشیه و بیان مطالب اصلی می‌تواند از جمله راهکارهای قابل توجه در این زمینه باشد.

۱۱- معلمان باید سعی کنند: یادگیرندگان را به جای کوشش برای کسب نمره، به فعالیت برای یادگیری ترغیب کنند. آزمون‌ها و تکالیف معنی‌دار می‌تواند در این زمینه مؤثر باشند.



منابع

- محمدی ناصری، محمد. دوره‌ی توجیهی - آموزشی تأمین مدرس استان گلستان. تابستان ۱۳۸۱.
- راهنمای برنامه‌ی درس تعلیمات اجتماعی دوره‌ی راهنمایی، دفتر تالیف و برنامه‌ریزی کتب درسی، گروه علوم اجتماعی، ۱۳۸۰.
- فصلی خانی - موجهر. کتاب راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس. ناشر آزمون بوین، ۱۳۸۰.
- مجله‌ی رشد راهنمای تحصیلی، شماره‌ی ۱۸، پاییز ۱۳۷۷.
- سیف، علی‌اکبر. روانشناسی تربیتی. انتشارات پیام نور، ۱۳۷۹.

نواست که می ماند تنها

فرهاد نامدار اصفهانی



کامل کرد.

۲- وی ویلن را که آلی فریگی است و قابین تقی‌خان کمال‌خانی ایرانی است به گونه‌ای ویژه موسیقی ایرانی کرد که گویی در اصل از آلات موسیقی ایرانی بوده است.

۳- استندجهو ترفن کار ابو الحسن استاد خارج کشور موسیقی زحان خود، از ویلی معتبر و سپردادن آن به سوی نواهای احسن ایرانی و به تعبیری زنده کردن روح موسیقی ایرانی آن خم به گونه‌ای عمیق و برجسته بوده است. در واقع حسن خاندان خود در این کار آویز نامیر بود که سرخ آن به اختصار چنین است:

در سال ۱۳۰۶ شمسی، کلان علی غنی وزیر فرهنگ و رئیس مؤسسه موسیقی تهران گسری در رستوران کوراز کرد که حسن خاندان استقبال کرده و در وقت این استقبال او را به فکر انداخت که صد رنده‌ای هم برای آموزش موسیقی در رستوران بسازد که به تهران آمده پس از مذاکره به بلوآتمین وزارت معارف، توانست اجازه‌ای تأسیس مدرسه‌ای نه‌نامه تبلیغ فرهنگ، تحت مدیریت ابو الحسن خان استاد، در رستوران علی حصار حکمت، زیر مدیریت دکتر تدین ترتیب بود که ابو الحسن استاد موسیقی و در سال ۱۳۰۸، با استاد حیدر رانجه میهنده

فرآگرفین موسیقی به استادین رنجه سپرد. در این دو روز، ابو الحسن به درجه‌ی عالی از مهارت در موسیقی رسد و محضر استادان جمهوری سبل میرزا استاد، فریسی خان و علی نقی وزیر را فراگرفت. همین این کنه‌وی از کودکی سایر کسانی همواره در هر رنده‌ای کونای آموزشده بود. از جمله، نازان دلی فرانس و انگلیسی و عربی و ترکی به خوبی است بود و آن‌ها از این جواند و می‌نویسد تا آن حد تکلم می‌کرد، او شعر هم می‌رود و خطی بسیار زیاده است. بعضی را بود کمال السنگ اموقت، در فیسون جو فروری، بزرگی، بخاری و ساخن آلات و ادوات موسیقی از قیاس و حساب، می‌و سبور استاد که فیسوری بود.

بناح کفن دوره‌ی این استاد موسیقی ایرانی مجال بسیار بسیاری می‌شد، از این رو تنها به حد حسی به هم از زندگی او اندر می‌شود. ابو الحسن حنا کسی است که از این نیز موسیقی ایرانی را از حالت سماعی و تجربی خارج کرد و آن را به صورت مکتوب درآورد. یعنی برای آن مکتوبی کرد و البته این کار را زیر نظر استادش علی نقی وزیر - موسیقی غیررسمی غنی موسیقی در سال ۱۳۰۲ -

یکی از حسن‌های معروف ایرانی که در محضر قاجار، آند و چیزه‌های برجسته‌ی ایرانیه‌شمی شو و ادب و فرهنگ عربیه بود، خاندان «عبدالله است که - حسن برین چیزه‌ی آن‌ها فتحعلی خان صیبا کاسانی، ملک‌العبرای تبریز فتحعلی شاه قاجار است. خاندان صیبا، که گفته‌اند از نوادگان خاندان مکی است ریشه در خاندان امروزی مکی - در کوزلیخان و باجره جوی و در عهد نیرداری، ولی فتالی روزگار خانی شده که ساجدانی از امان در عهد نادر شاه و در عهد خان رنده گانس مهاجرت کنند و به کاسانی تلف شوند.

محمودخان صیبا، نواده‌ی فتحعلی خان، ملک‌العبرای دربار محمدشاه قاجار بود و گفته می‌شود آوازی از بهترین سروده‌های دوره‌ی قاجار به سبب می‌رود، محمودخان، فرزندش به نام **کمال السلطنه** دانست که بر تکی نامدار و خادق بود و از هر جا می‌رود دانست. **ابوالحسن صیبا،** موسیقی‌دان و نوازنده‌ی نام‌و نامگذار خط موسیقی سنت‌سرای آوازی ایرانی، فرزند این عهد است.

ابوالحسن صیبا، در سال ۱۲۸۱ هجری در تهران به دنیا آمد. بی‌س، کمال السلطنه، که ملاقه داشت فرزندانی اهل هنر نبود، دو پسر خود، ابو الحسن و عبدالحسن را از کودکی برای



ساز تمرین می کرد اما تا مدت ها صدایی از تنی لیک در نمی آمد تا این که کم کم صداهایی از آن درآمد و یک ماه بعد پدرم آن را کامل به صدا درآورد و با خنده گفت: عاقبت اهلی شد.»

ابوالحسن صبا شاگردان بسیاری تربیت کرد و آثار فراوانی از خود به جا گذاشت. او در سال ۱۳۳۶ هـ. ش در سن ۵۵ سالگی در اثر بیماری قلبی درگذشت. عارف شوریده حال و استاد عالی مقام دانشگاه تهران، **جلال الدین همایی** (سنا) در سوگ او ماده تاریخی سرود که ابیاتی از آن چنین است:

ساز صبا نغمه ای آخر نواخت
کز اثر زخمه روان ها بخت
بود در آن ساز چه سوزی که شور
کرد به پا در دل هشیار و مست
دف به خروش آمد و نالید تار
در عم آن دست که رفتن ز دست
آه که استاد هتر مند مرد
ساز صبا تا به قیامت شکست
گفت «سنا» از پی تاریخ او
«ساز صبا تار دل ما شکست (۱۳۳۶)»

او این نواها را ضبط می کرد، برای آن هانت می نوست و اجرا می کرد. برای مثال: نواهای دیلمان، امیری (مازندرانی)، زرد ملیحه، شوشتری، گیلک، قاسم آبادی و کوهستانی از نمونه کارهای صبا در این زمینه است. منوچهر جهانگیر گفته است: «صبا می گفت: **در اطراف ما منابع مختلفی وجود دارد که می توانیم از آن ها بهره ببریم. بروید بشنوید و استفاده کنید.** او بویژه پردو منبع تاکید داشت: مجالس نغزیه و روضه خوانی و نغمه هایی که در گوشه و کنار ایران میان مردم رایج است.»

صبا به هر گونه نوایی که می شنید حساس بود. دخترش زاله، گفته است: «روزی پدرم دو ساعت تمام به دنبال درویشی که در خیابان مشغول خواندن بود راه افتاد و آوای او را یادداشت کرد و چون به خانه آمد مشغول نت نویسی برای آن شد.» نیز گفته است: «در مسافرتی که پدرم به اصفهان رفته بود، نی لیکی را که به هیچ سازی شباهت نداشت همراه آورده بود. در جواب کسبکاو می ما گفت: یک روز در خرابه های اصفهان پیرمردی مشغول نواختن این ساز بود و سخت مرا متعجب کرد. من طرز نواختن این ساز را از آن پیرمرد یاد گرفتم و ساز را از او خریدم. زاله می گوید: از آن پس، هر روز ساعت ها با آن

گرفت. این مسافرت و مدیریت منبر سهی رشت اساس زندگی هنری صبا را دگرگون ساخت. حسینعلی ملاح در این باره می گوید: «صبا به آوازهای ملی دلیسنگی فراوانی داشت، لیکن از ربابی و عمق نواها و ترانه های محلی و بومی بی خبر بود. او ادر گیلان با شنیدن بی نسانان و ترانه های روستائیان، اندیشه اتس مسیری نو اختیار کرد و طرحی جدید برای زندگی هنری خود بنیاد نهاد. صبا در همین مسافرت، معتقد شد که این ها سرمایه های براج هنری ملت است. این ها گوهرهای گران بهایی است که در سینه ی ساکنان کوهستان ها و جنگل ها ضبط شده است. این هاست که وقتی از سینه ها بیرون آید و حقیقت یابد، چون خورشید خواهد درخشید. این هاست که افسانه های قرون را برای ما می سراند و شخصیت یگانه ی خود را به جهانیان می نماید.»

مدین تریب، ابوالحسن صبا دریافت که ترانه ها و نواهای محلی، با تارهای ناگسستی به دل های مردم وابسته است و کوشید با این تارها به دل ها راه پیدا کند و با به اهتر از در آوردن این رنسه ها، جنبی در دل ها به وجود آورد. از این رو به گردآوری نواها و ترانه های محلی ایران، در هر کجا که سراغ داشت، اقدام کرد.

منبع: دهانش، علی، یادنامه ی ابوالحسن صبا، ناشر: تهران، ۱۳۷۶

نوشته‌ی دکتر دیوید ای سوسا^۱
ترجمه‌ی لیلا ملکی سامان



اشاره

اطلاعات ارائه شده در این مقاله، برگرفته از سخنرانی است که دکتر دیوید ای سوسا در مرکز توسعه‌ی حرفه‌ای محلی در ایالت نوجرسی آمریکا ایراد کرده است. وی در سخنرانی‌اش به استفاده از یافته‌های بروهنس‌های مربوط به مغز، در کلاس درس پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

یادگیری و مغز - آموزش سسی بر مغز - کلاس درس کلاس

مغز در آموزش

کاربرد یافته‌های مربوط به عملکرد مغز در آموزش

به یادگیری اقدام کنید، اجون قرار گرفتن در این شرایط انگیزه‌ی دانش‌آموزان، برای یادگیری فعالیت جدید کاهش می‌دهد؛ بنابراین این که حتی را به‌طور فردی مطالعه کنید؛ سسی بر انسان بخواهند و از آن خود امید درونی آن با یکدیگر بحث کنید. در این صورت علیرغم کاهش انگیزه‌ی دانش‌آموزان، مطالعه فعالیت‌های آموزشی آنان خواهد بود.

هوساری بزرگسالان و بچه‌ها نیز ساعت معیار سنی آن تا بعد ظهر است. البته در این سن، رتبه‌های ۳۰ تا ۶۰ دقیقه‌ای وجود دارد؛ به این معنی که به ساعت بعد از یادداشت یک دوره‌ی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه‌ای فعالیت مفید انجام می‌شود و سپس میزان هوساری سطح کاهش می‌یابد. بنابراین، وجود وقفه‌های زمانی آگاهانه میان هوساری و در نتیجه، تاخیر فعالیت‌هایی برای فرایند یادگیری - داده‌ی محسوب می‌شود. از این رو، توصیه می‌شود قبل از شروع هر آموزشی، از دانش‌آموزان بخواهیم به فعالیت‌هایی بپردازند. اگر قرار است دانش‌آموزان بعد از صرف ماهار

● یادگیری، قبل از تولد شروع می‌شود و در طول زندگی ادامه می‌یابد. دوره‌ی خاصی در زندگی کودک وجود دارد که در آن هر چیزی را به آسانی یاد می‌گیرد. یادگیری بعضی از چیزها، اگر به‌جای اولیه‌ی آن وجود نداشته‌اند، غیرممکن است. به عنوان مثال، بزرگسالانی که زبان خارجی (دوم) را بدون پیچیدگی صحبت می‌کنند؛ قبل از ده‌سالگی به آن زبان صحبت کرده‌اند و سینه‌اند. اگر کودکان یادگیری زبان دوم را قبل از ۱۰ سالگی شروع کنند، قادر خواهند بود مانند زبان مادری، به آن زبان صحبت کنند.

● در طول زمان، نور، اوقالی وجود دارد که بیشتر مردم به راحتی یاد می‌گیرند. بنابراین سطح

مغز
E. Sousa, A. David (1999). Using Brain Research in The Classroom (online). Retrieved Dec 12, 2005. From: <http://schoolweb.hawaii.edu/tdden/K12/roads/0011/Resourc/brain01.htm>

نکته‌هایی درباره‌ی کلاس انشاء

ابراز وجود فرصت انشا



نگرشی دیگر به درس انشاء در دوره‌ی راهنمایی

در دوران نوجوانی تعادل کودکی به هم می‌خورد، زیرا علاوه بر تغییرات جسمانی یک سلسله دگرگونی‌ها در عواطف، احساسات، تمایلات، تصورات و تخیلات او به وجود می‌آید. نوجوان در این دوره باید مهارت‌ها و بینش‌های تازه را کسب کند و برای این منظور احتیاج به کمک و راهنمایی اطرافیان خود دارد. بنابراین با توجه به ویژگی‌های عاطفی دانش‌آموزان در این سن که شامل بینداری فطری، خداجویی و کمال‌طلبی و همچنین شدت یافتن عواطف و احساسات و تخیلات و گرایش به رنده‌نگاری موجودات بی‌جان است و نیاز به محبت، دوق‌هنری و استقلال‌رانی از جنبه‌های بارز آن می‌باشد. ارائه‌ی موضوعات انشاء و نوع برخورد در کلاس انشاء نیاز به دقت فراوان دارد. زیرا در کلاس انشاء است که دانش‌آموز قدرت عرضه وجود دارد. مثل درس جغرافی یا علوم نیست که او هیچ نقشی در متن آن درس نداشته باشد. بنابراین رنگ انشاء از جایگاه خاصی در مطن آموزش و پرورش برخوردار است. به همین منظور چند پیشنهاد جهت اجرا در کلاس انشاء ارائه می‌شود:

۱- تعدادی کلمه‌ی عاطفی و ساده روی تخته سیاه می‌نویسیم سپس از دانش‌آموزان

در قفسی زندانی است و از این سخاویت هیچ بارانی حس نمی‌کند، بیشتر حبس می‌کند.
۳- مننی از پیش توسط معلم نوشته می‌شود، سپس از دانش‌آموزان خواسته می‌شود که آرایه‌های ادبی را در آن متن پیدا کنند.

۴- تعداد زیادی موضوع‌های توصیفی و توضیحی (جهت تقویت حس تجزیه و تحلیل و ترکیب و تفکر در باب امور زندگی) به دانش‌آموزان ارائه می‌کنیم تا با توجه به تفاوت‌ها و سلیقه‌های خود، مختار باشند موضوع مورد علاقه‌شان را انتخاب و شروع به نگارش کنند. کاربرد این روش برای ایجاد انگیزه در این درس تاثیر قابل توجهی خواهد داشت.

۵- از آن‌جا که هدف درس فارسی و انشاء و املاء بالا بردن مهارت خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن است، خواندن انشاء به صورت خطابه‌ای بعضی از اهداف آموزشی را خنثی می‌کند بنابراین بهتر است هر دو جلسه یک‌بار، از دانش‌آموز خواسته شود در حوزه‌ی همان موضوع در کلاس سخنرانی کند. این کار در فعال‌سازی تفکرات انتزاعی و سرعت پردازش و اثرگان دانش‌آموز بسیار مؤثر است و قدرت بیان او را مضاعف می‌کند.

می‌خواهیم که با استفاده از آرایه‌های ادبی برای هر کدام یک جمله‌ی ریبا مثال بزنند مثلاً:
برواز: پرواز نهایت رویای آدمی است و من پرواز را مثل احساساتم دوست دارم.
شکوفه: اگر از میان گل‌ها گذشتی به سر شکوفه‌ها دست نوازی نکنی.

۲- بعد از چند جلسه تمرین، تعدادی کلمه و ترکیب به دانش‌آموزان می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم کلمات و ترکیبات را در معنی یا موضوعی خاص جاسازی کنند. بهتر است این کار به صورت گروه‌ی انجام شود.
مثال:

برنده‌ی بی‌آسمان - چهره - جویبار - دیوانه‌وار - این سخاویت - فریاد بی‌صدا
موضوع: بایبز

بایبز این چهره‌ی زرد سال وقتی تظاهر می‌شود، حرکت دیوانه‌وار خاطرات را در جریان دائمی جویبار لحظه‌ها سرازیر می‌کند. چون گیسوی زرد رنگ غروب و سگ دختر بچه‌ای که به هیچ کس اجازه نماند زدن آن را نمی‌دهد، وقتی می‌آید، فریاد بی‌صدای برنده‌ی بی‌آسمان را که



منابع:
۱- کتاب معلم فارسی اول راهنمایی، انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۴
۲- رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، دوره دهم، شماره ۴، تابستان ۸۴
۳- کتاب معلم فارسی اول راهنمایی، انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۴

امروزه در زبان فارسی و عربی کلمه‌ی «علم» به دو معنای متفاوت به کار می‌رود. معنای اصلی علم، دانستن در مقابل ندانستن است و معنای دوم آن به دانستی‌هایی از قبیل شیمی، فیزیک، زیست‌شناسی و... اطلاق می‌شود که از راه تجربه به دست می‌آیند. در بین دانستی‌هایی که با تجربه به دست می‌آیند، فیزیک دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- فیزیک علم مشاهده و تجربه است و هم‌هنگام افراد به راحتی می‌توانند مشاهدات خود را مورد توجه قرار دهند.
- ۲- فیزیکدان‌ها با کاوش تجربی، به دنبال فرصت‌سازی می‌روند و سعی می‌کنند برای مشاهدات خود فرصت و نظریه ارائه دهند که در ادامه، به صورت قانون درمی‌آید.
- ۳- با آزادی فرسودگی و نظریه‌ی علمی می‌توان بدیده‌های مسأله را موجد نمود.
- ۴- ارائه فرسودگی و نظریه‌ی علمی، می‌تواند آینده را پیش‌بینی و گذشته را بازسازی نمود.

در مجموعه مقالاتی که طی شماره‌های گذشته، به خوانندگان محترم ارائه شد، سعی داشتیم دربارگی بدیده‌های طبیعی پیرامون خود ساخت بیست‌سری کسب کنیم و به مریزهای موجود در فیزیک اساره کنیم. و اینک، مطالبی را درباره‌ی «تلسکوپ» مرور می‌کنیم.

تلسکوپ

تلسکوپ وسیله‌ی بزرگی است که می‌تواند جسم‌های دور را بزرگتر و روشن‌تر کند.

تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند.

تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند.

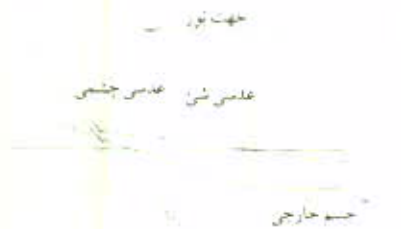


تلسکوپ

حسن قلمی باوئل علمانی



تلسکوپ وسیله‌ی بزرگی است که می‌تواند جسم‌های دور را بزرگتر و روشن‌تر کند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند. تلسکوپ‌ها در انواع مختلف ساخته می‌شوند و برای مشاهده اجرام آسمانی و اجرام زمینی به کار می‌روند.



داده شده‌اند، زیرا آینه‌ها را می‌توان در اندازه‌های خیلی بزرگ ساخت و نصب کرد. مثلاً تلسکوپ ۵ متری «مونت پالومار» و تلسکوپ ۱۰ متری «کیک» در هاوائی را به علت مشکلات فنی تهیه‌ی قرص‌های شیشه‌ای بزرگ و با کیفیت بالا، مشکلات ساخت سازه‌های نگه‌دارنده‌ی عدسی‌های بزرگ، و اندازه‌های کلی تلسکوپ که از کاربرد نسبی شکستی ناشی می‌شود، نمی‌توانستند با نسبی شکستی سازند. کیفیت تصویر اجرام آسمانی که با تلسکوپ‌های مستقر در زمین تشکیل می‌شود، به علت اثرات جو زمین، تنزل پیدا می‌کند. برای تقلیل این گونه اثرات نامطلوب، بیشتر تلسکوپ‌های بزرگ را در بالای کوه‌ها مستقر می‌کنند.

و ضوح قابل درک است. میدان دید زاویه‌ای تلسکوپ میزان وسعت زاویه‌ای جسم یا منظره‌ای است که تلسکوپ می‌توان تصویرش را ایجاد کند. میدان دید به کیفیت طراحی نئیی و جنم بستگی دارد. معمولاً میدان دید در گستردگی چند دقیقه قوسی تا چند درجه است. بسیاری از تلسکوپ‌ها که برای دیدن به کار می‌روند، طوری طراحی می‌شود که گستردگی زاویه‌ای ماه را که برابر ۳۰ دقیقه‌ی قوسی است، شامل می‌شوند.

در اخترشناسی، مقدار نور گردآوری شده و توان تفکیک تلسکوپ حایر اهمیت است. این مشخصه‌ها به اخترشناس امکان می‌دهند تا اجسام آسمانی کم نور و جزئیات آن‌ها را شناسایی کند و تمیز دهد. تلسکوپ‌های نجومی به کار رفته در پژوهش‌های علمی معمولاً از عدسی‌ها و آینه‌های بزرگ به عنوان نئینی استفاده می‌کنند.

در قرن بیستم تلسکوپ‌های بازتابی ترجیح

گاموسی جسمی. تفکیک یا توانایی تشخیص جزئیات، به قطر نئیی بستگی دارد. هر چه قطر بیشتر باشد، جزئیات بیشتری از نئی، دور قابل مشاهده است. توان درشت‌نمایی مشخص کننده وضوح تصویر در تلسکوپ نیست. بنابراین، توان بیشتر درشت‌نمایی، کیفیت تصویر را بهتر نمی‌کند. توان تفکیک تلسکوپ‌ی با نئینی به قطر ۱۱۱۱ mm ۷۰ برابر ۲/۱ ثانیه‌ی قوسی محاسبه می‌شود. در مقایسه، توان تفکیک جسم عادی برابر ۶۰ ثانیه‌ی قوسی است. از آن‌هایی که نئینی تلسکوپ‌ها، معمولاً قطر‌های بزرگی دارند. برای تلسکوپ‌ها توان گردآوری نور هم در نظر گرفته می‌شود. توان گردآوری نور، روش‌شناسی تصویر اسامی که گسترده‌اند زیاد نمی‌کند زیرا به همان نسبت اندازه‌ی تصویر نیز افزایش می‌یابد و برای اجسامی مثل ستاره‌ها که در مقایسه با تفکیک چشم، گستردگی زاویه‌ای قابل ملاحظه‌ای ندارند. افزایش روش‌شناسی به

سما حاج ابوالقاسمی

۱۰ گام عملی برای افزایش



۱. **موسسات این کار گویا بسیار به حرکت است** و زمان زیادی است. اما هیچ‌کس چیزی نمی‌داند و دانش آموزان با کسی که در کتابخانه موفقیت‌آمیز زندگی خود را که تا آن لحظه شخص نداده بودند، مشاطی می‌کنند.

۲. **بعضی ها با عجزند که فکر خود را نشان** نمانند. هر یک از ما در روز حداقل ۱۰۰ تا ۲۰۰ فکر در سر داریم و بسیاری از آن‌ها در بزودی خود ماست. باید با ماوریم که افکار منفی خود را عبور دهیم و افکار ما را مستر کنیم. آن‌ها را با افکار مثبتی مانند: «من، خودم، می‌توانم» جایگزین خود را دوست ندارم و... یا خود گویی مثبت قابل تعلم است. خود گویی‌های مثبت: «من خودم را می‌توانم بشناسم و دوست دارم» در سر می‌باشند. بجهاد ظهور...

۴. **در کلاس، گروه‌ها را تشکیل**...

داده‌هاست. اعتماد و ردی را ایجاد کردن خود مستقل کند.

۱. **در دانش آموزان این تکریم و اتحاد** کند که هر شخص، مسئول مزاج و ترفیق کار خود است. وقتی استعدادهای درخشان را می‌بیند، با قدر و اندازه و با احترام به آن‌ها می‌نگرد بلکه باید خودش را مسئول بداند.

۲. **بر ما اعتماد نماند تا که گفت: برای این که** دانش آموزان احساس موفقیت کنند لازم است موفقیت را تجربه کند. بسیاری از دانش آموزان حس می‌کنند هرگز در موفقیت استیسی ایجاد نداده‌اند. این کودکان نیازمند آموزش هستند. آن‌ها موفقیت را اعتدال کارهای خیلی بزرگ، مانند: کوه‌ها، مثال می‌زنند. لازم است دانش آموزان را واداریم، موفقیت‌های گذشته‌های خود را به یاد آوریم و حتی تجربه‌های آن‌ها را مثبت

در قرآن کریم آمده است: **و ان لیس** **للانسان الا ما سعی.** **و همانا برای انسان چیزی حاصل** **تلاش** **او نیست.**

«تجیم ۳۹»

عصو و تکریم بر بدترین مسؤولیت فردی و احساساتش استوار است و سعادت و موفقیت انسان به تقاسم و اعمال او بستگی دارد و ایستادگی است. هر انسانی برای این بار وجود دارد. هر انسانی کاری می‌تواند با ۱۰ گام عملی. عزت نفس ساختن خود را تقویت کند و بر موفقیت‌ها دل نبردگی نماند. برای بهبود عزت نفس دانش آموزان باید کار را از کار گنجان سر به آغاز کنیم. کودکان قبل از هر چیزی از طریق انگیزشی و تقلید، عزت نفس پیدا می‌کنند. اگر خود معلم عزت نفس کمی

عزت نفس دانش آموزان



کنید. این گروه‌ها می‌تواند ۲ یا ۳ نفره باشد. در پایان کلاس از این گروه‌ها بخواهید تا درباره‌ی یک موضوع، با هم گروهی خود صحبت و تبادل نظر کنند.

نمونه موضوعات قابل طرح:

- در تعطیلات آخر هفته چه کاری را توجیح می‌دهید؟

- اگر پول قابل توجهی داشتید، آن چه می‌کردید؟ این گونه بیان احساسات، تجربه‌ی مفیدی است و آنان را با سایر همکلاسی‌ها پیوند می‌زند.

۵. کمک کنید تا نقاط قوت خود را شناسایی کنند. هوشمندی گسترده درباره‌ی نقاط قوت و توانایی‌ها، از ویژگی‌های مهم افرادی است که عزت نفس بالایی دارند. یکی از روش‌های سودمند این است که معلم، دانش‌آموزان را وادار

کند تا راجع به نقاط قوت و کیفیت‌های مثبت خود صحبت کنند و بنویسند.

۶. آنان را یاری کنید تا به تصور خود وضوح بکنند. بدون یک تصور روشن، انگیزه‌ای وجود نخواهد داشت. سؤال‌هایی از این قبیل می‌تواند به روشن‌بینی دانش‌آموزان کمک کند: - اگر بدانید تنها یک ماه از عمرتان باقی است، آن یک‌ماه را چگونه می‌گذرانید؟

- وقتی بزرگ شدید چه کاره خواهید شد؟ ۷. کمک کنید تا اهداف و آرمان‌هایی خود را مشخص کنند. در این قسمت لازم است به دانش‌آموزان پیامورییم چگونه برای خود در خانواده و مدرسه و جامعه هدف‌های قابل اندازه‌گیری تعیین کنند. و یادداشتن این که هدف چیست و آرمان کدام است از سردرگمی نجات‌بخش است.

۸. به آنان یاد دهید که از قدرت تجسم

استفاده کنند. در آموزش و پرورش قدرتمندترین ابزاری که کمتر مورد استفاده قرار گرفته، تجسم است. وقتی از اهداف خود تجسم واضحی داشته باشند، مانند آن است که هدف‌ها به مرحله‌ی تحقق رسیده‌اند. این کار، پرورش خلاقیت، افزایش انگیزه و تغییر ادراکات ما از خود و محیط اطرافمان را موجب می‌شود.

۹. به آنان پیامورید که فعال باشند. برای دستیابی به موفقیت، لازم است خودشان دست به عمل بزنند. باید آنان را به سوی انجام کارهایی سوق دهید که بیش از این غیرممکن می‌دانستند.

۱۰. پیامورید که به احساس عزت نفس برسند. اگر انسانی مراحل نه گانه‌ی قبل را پیامورزد، ناوبر خواهد کرد که فرد یا ارزشی است و فقط باید به نکات مثبت ارزش بگذارد و همیشه سعی کند «خودش باشد نه دیگری».

معلم دیگر دولت ندیدم که به خط برویم. با همه‌گی مجتمع انصار کربلا، سوالات امتحانی را در جمله می‌سپرد. خط به خط در خاک برها و کمن ها از دانش آموزان سنجی امتحان می‌گرفتیم. در یکی از ماهورات هفت‌هنگام، غروب از طرف دشت سناسانی ندیدم و با شلیک تیرهای رسام و کوله‌های مسفته راه را بر ما بستند. با این مجبور شدیم سسرا در همان جا جویاویس، من از فرط خستگی سرم را روی تخته سنگی گذاشتم و جویاویس بر سر من خوابیدم. من دیدم یک عراقی چند قدمی از خوابیده است. جویاویس و پخت - و پس نزدیک زخم دیدم جوربیس به کلبی مخوف شده بود. روز بعد از سحر زخم رسول الله صلی الله علیه و آله را روی کلبی گذاشتم که کلبی در منطقه‌ای عافیه عاری بود. از دانش آموزان امتحان می‌گرفتیم که سر و کله‌ی هواپیماهایی دشت سناسانی و شروع کردند به نهاران منطقه؛ اما ما همچنان به کار خود ادامه دادیم. یکی از سنجی‌ها که خیلی جوان و کم سن و سال بود و نارد را کمن رسانده گشته بود، حماس را روز جنگی و بی جوابی فررو و منورم بودند و بی بهی در سنجی...

نگفتم می‌خواهی کیکه کم؟
گفت: آقا مگر ما چیه آمده‌ایم که نکتب گیج؟ من که از حرف خودم حجاب کرده‌ام. روز بعد با همکارم وارد جفا تگری سنجی و قتل را با عراقی‌ها به آن خط بانک زده بودند. فرماندهی کربلا و دو نفر از معاونان سنجی شده بودند و جو خاصی در منطقه جا که بود. جده‌ها غذای گرم نداشتند. چون نمی‌توانستیم روستا بگردیم و هر کس در منزل ۲۲ سینه سینه سوز فقط به اندازه‌ی یک ققمقه آب خورده داشت. ما روزی دو نفر روحیه‌ی تازه‌ای گرفتیم و به کوهی از ما استقبال کردند. در آن جا انق جالی برآورد پس استخوانی که در جوی خالی بود کرم جویاویس بود و جویاویس از مطالب سانه بر گشته بود و بای حرف رفتن نداشت. از دشت من اول حجالت گنشد اما بعد ما را نه سنگر خودشان برد و ما کمنوت و نقل بداییم کرد و نکتب گمنی به برای هنس از من سر جویاویس بریدل حاتفه، احساس می‌کردم یکی از عزیزانم است که زده در

بود و سر به سر بقیه‌ی هم کلاس‌ها می‌گذاشت. نظرم را خنث کرده بود تا این که عدلی بعد از بی خبر رفت از بچه‌ها سراغ من را گرفتیم. گفتیم عازم خط بقمه شده است. یک ماه بعد گفتیم هر کس تا میل است می‌تواند دو طلبانه به خط‌های مقدم بروند و از بیجایی که سانه تلاخی از ادامه تحصیل نامرمانده است و در جفا، جفا، جفا و بی نهایت جبهه‌ها نامت امتحان بگیرند. من به همراه یک نفر

عبارت کمی صحبت و اجوال بریس گفته گمنی اسراجت گنشد من از سنگرهای دیگر امتحان بگیرم و در آخر برای کرفس استخوان پس او برگردم. او هم قبول کرد. اما هنوز چند قدم از سنگر او دور نشده بودم که عدلی افتخار شد... را برآورد. بی اختیار نه خاک افتادم. وظیفی برخاستم. او را دیدم که سر خود برداشته شده بود و در سینه‌ی من علق به تلاخی من کلاس صمود کرده بود.



یکی از بهترین خاطرات من مربوط به زمانی است که با دو طلبانه از طریق بقیه سواد آموزی، به عنوان سنجی با شیاه محمد رسول الله عازم مناطق جنگی شدم و از طریق فرار گاه عربت، در بیت امداد المهدی استان زنجان کلاس‌های خود را دایر کردم. کلاس‌های در جاترهای صحرائی دایر می‌شد و اکثر سنجیان و سربازان با سوزی خاصی در کلاس‌های حاضر می‌شدند. در این بین سنجی جوانی که خیلی سوز طبع

There once was a little boy who had a bad temper. His father gave him a bag of nails and told him that every time he lost his temper, he must hammer a nail into the back of the fence.

The first day the boy had driven 37 nails into the fence. Over the next few weeks, as he learned to control his anger, the number of nails hammered daily, gradually dwindled down. He discovered it was easier to hold his temper than to drive those nails into the fence.

Finally the day came when the boy didn't lose his temper at all. He told his father about it and the father suggested that the boy now pull out one nail for each day that he was able to hold his temper. The days passed and the young boy was finally able to tell his father that all the nails were gone.

The father took his son by the hand and led him to the fence. He said, "You have done well, my son, but look at the holes in the fence. The fence will never be the same. When you say things in anger, they leave a scar just like this one. You can put a knife in a man and draw it out. It won't matter how many times you say I'm sorry, the wound is still there."

روزگاری، پسر کوچکی بود که زود از کوره در می‌رفت و عصبانی می‌شد. پدرش یک کیسه پر از میخ به او می‌دهد و می‌گوید: هر وقت عصبانی شدی، یکی از این‌ها را روی نرده بکوب. پسر در روز اول ۳۷ میخ به نرده می‌کوبد اما کم‌کم یاد می‌گیرد که غلبه بر خشم خود راحت‌تر از کوبیدن میخ به نرده است و به پدرش می‌گوید: من دیگر عصبانی نمی‌شوم. پدر به او می‌گوید: حالا هر روزی که توانستی به کلی بر خشم خود چیره شوی یکی از میخ‌ها را در بیاور. سرانجام روزی می‌رسد که پسر، همه‌ی میخ‌ها را از روی نرده در می‌آورد و این خبر را با خوشحالی به پدر می‌دهد. پدر دست او را می‌گیرد و کنار نرده‌ها می‌برد و می‌گوید: بین تو همه‌ی میخ‌های خشم را از تن این نرده در آورده‌ای، اما این نرده دیگر آن نرده‌ی سابق نیست. وقتی کسی را با خشم خود می‌آزاری، مهم نیست که چند بار از او عذرخواهی می‌کنی، چون اثر خشم تو بر روح طرف مقابل می‌ماند.

Nails In The Fence

میخ‌های روی نرده



کلمه‌های دشوار

- 1- Nail - میخ
- 2- Fence - نرده
- 3- bad temper - خوی تند - خشم
- 4- lost - lose - گزشته‌ی دادن - از دست دادن
- 5- lost his temper - از کوره در می‌رفت
- 6- hammer - چکش - با چکش کوبیدن
- 7- drive - راندن - فرو بردن - کوبیدن
- 8- Next Few weeks - چند هفته‌ی بعدی
- 9- gradually - به تدریج
- 10- dwindled down - رو به کاهش نهاد
- 11- hold his temper - بر خشم خود غلبه کرد

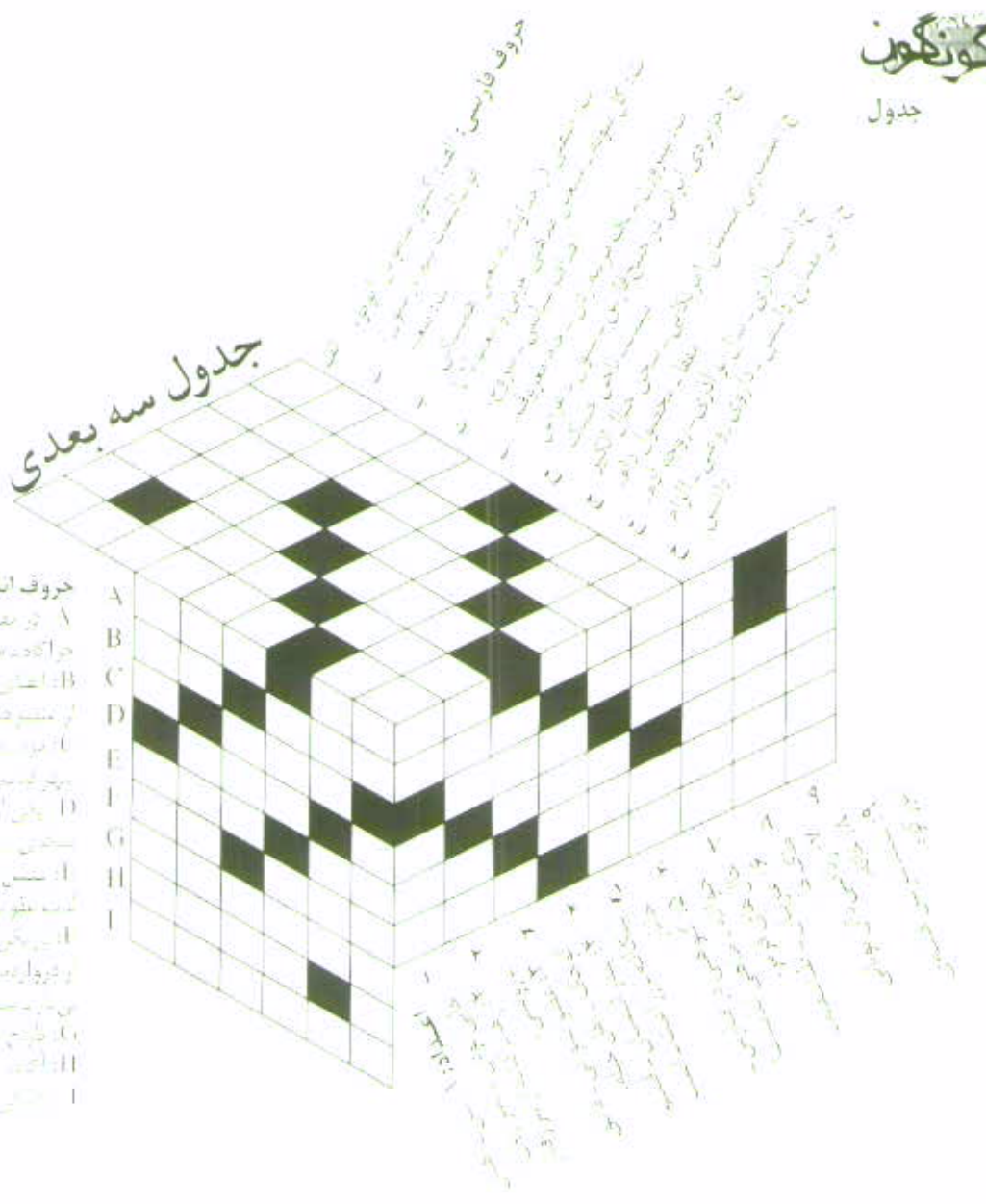
- 12- at all - به هیچ وجه
- 13- suggested - پیشنهاد کرد
- 14- let - lead - گزشته‌ی کردن - بردن
- 15- The same - همان گونه - مثل اول
- 16- anger - عصبانیت - خشم
- 17- Scar - زخم
- 18- put a knife - یا چاقو زدن
- 19- draw out - بیرون آوردن
- 20- won't matter - اهمیت نخواهد داشت
- 21- wound - زخم



جدول سه بعدی

نیلوفر شکری

- حروف انگلیسی:
- A: ترافل (شیرینی ترد و خرد)
 - B: کاکو (شیرینی ترد)
 - C: آغاق (شیرینی ترد)
 - D: کیک (شیرینی ترد)
 - E: بیسکویت (شیرینی ترد)
 - F: کیک (شیرینی ترد)
 - G: کیک (شیرینی ترد)
 - H: کیک (شیرینی ترد)
 - I: کیک (شیرینی ترد)
 - J: کیک (شیرینی ترد)
 - K: کیک (شیرینی ترد)
 - L: کیک (شیرینی ترد)



دوستانی که نام‌هاشان رنبد

دوستان عزیزم! در ادامه این مقاله می‌خواهیم نام‌های رنبد را به شما معرفی کنیم. نام‌های رنبد، نام‌هایی هستند که در تلفظ آن‌ها تغییراتی در صداها یا حروف رخ می‌دهد. این نام‌ها می‌تواند در پایان کلمه یا در وسط آن رخ دهد. در ادامه به معرفی این نام‌ها می‌پردازیم.

در ادامه به معرفی این نام‌ها می‌پردازیم. نام‌های رنبد در فارسی بسیار رایج است و می‌تواند به دو دسته تقسیم شود: نام‌های رنبد در پایان کلمه و نام‌های رنبد در وسط کلمه. در ادامه به معرفی این نام‌ها می‌پردازیم.



نمایه‌ی دوره‌ی یازدهم مجله‌ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (۸۵-۱۳۸۴)

یادداشت سردبیر

- گام سوم / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۱ مهر ۸۴
- از راهنمایی تا همراهِی / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۲ آبان ۸۴
- همراهِ ما / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۳ آذر ۸۴
- کدام گروه؟ / جعفر ربانی / ص ۳ / ۴ دی ۸۴
- یازدهم / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۵ بهمن ۸۴
- فرستی دیگر / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۶ اسفند ۸۴
- نیتق های آموزشی / فرهاد بخشنده / ص ۳ / ۷ فروردین ۸۵
- نقش ماندگار / فرهاد بخشنده / صفحه ۳ / شماره ۸ اردیبهشت ۸۵

دانش

- جایگاه رای بردم در بهج البلاغه / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۱ مهر ۸۴
- تربیت بهمن / حسین اسکندری / ص ۷ / ۱ مهر ۸۴
- فن آوری هوشه‌ای / فقط بخت / حسن قلمی / ص ۱۰ / ۱ مهر ۸۴
- طاعون فرستی برای تفکر / ایراک یونس / رحیم خیراله راده / ص ۲۰ / ۱ مهر ۸۴
- از قطره‌ی بی‌پهری تا نسلیک کاسان / سیروس غفاریان / ص ۲۵ / ۱ مهر ۸۴
- ادبی دین به مادر / گفت و گو با رهرا اورنگ / ص ۳۰ / شماره ۱ / مهر ۸۴
- پیش‌باز تربیت / ابراهیم اصلانی / ص ۳۴ / ۱ مهر ۸۴
- استاد اسنادان / هرو و هرو میدان / عیسی بهادری / شهناز واقفی نژاد / ص ۳۷ / ۱ مهر ۸۴
- سواد در گذر تاریخ / منزل یارستان در «سواکنه» / منصور ملک عباسی / ص ۴۱ / ۱ مهر ۸۴
- گنجینه‌ای از گذشته / سعید قرینسی / ص ۴۲ / ۱ مهر ۸۴
- ارزش‌ها و لغزش‌ها / (۱) / محمد حسن مکارم / ص ۲ / ۲ آبان ۸۴
- لحنه‌ی دسار / آستان / حبیب یوسف رزاده / ص ۱۰ / ۲ آبان ۸۴
- زان پینار / رحیم خیراله راده / ص ۱۲ / ۲ آبان ۸۴
- انتقال به عصر دانش / گفت و گو با محمد غفاریان / آنگار محمدزاده صدیق / ص ۲۶ / ۲ آبان ۸۴
- روی سکه / حسن سالاری / ص ۲۹ / ۲ آبان ۸۴
- رشد و نوجوانی / ابراهیم اصلانی / ص ۳۰ / ۲ آبان ۸۴
- استاد فراموشیا / سناپور ایران / شهناز واقفی نژاد / ص ۳۲ / ۲ آبان ۸۴
- به / سررئیس / از برای تاریخ / منصور ملک عباسی / ص ۳۶ / ۲ آبان ۸۴
- گنجینه‌ای از گذشته / سعید قرینسی / ص ۴۲ / ۲ آبان ۸۴
- ارزش‌ها و لغزش‌ها / (۲) / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۳ آذر ۸۴
- کسی که تکلیفی نمی‌دهد / حسین اسکندری / ص ۶ / ۳ آذر ۸۴

- انقلاب باوتکولوژی / حسن قلمی / باوایل علیایی / ص ۱۰ / ۳ آذر ۸۴
- روی سکه / حسن سالاری / ص ۱۶ / ۳ آذر ۸۴
- بانوی رادیوم / رحیم خیراله راده / ص ۲۰ / ۳ آذر ۸۴
- سپهرهای هزار ساله / منصور ملک عباسی / ص ۲۱ / ۳ آذر ۸۴
- درس‌هایی از نظام آموزش و پرورش هند / گفت و گو با محمد عاقفی / ص ۲۶ / ۳ آذر ۸۴
- ابعاد رشد / ابراهیم اصلانی / ص ۳۲ / ۳ آذر ۸۴
- بانوی هور / اندیشه و فرهنگ / شهناز واقفی نژاد / ص ۳۴ / ۳ آذر ۸۴
- از حکمتانه تا گمان / نیاوند سیروس غفاریان / ص ۳۶ / ۳ آذر ۸۴
- ضرورت‌های بازنگری درسی / آملادگی / دفاعی / علامه‌ها / سراج رزاده / ص ۳۲ / ۳ آذر ۸۴
- ارزش‌ها و لغزش‌ها / (۴) / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۴ دی ۸۴
- روی سکه / حسن سالاری / ص ۱۱ / ۴ دی ۸۴
- سقراط و این فلسوفی که از اخلاقی سخن گفت / ابوالفضل نقر / ص ۱۲ / ۴ دی ۸۴
- تمام دنیا از عیب‌گویی برای پیشرفت / گفت و گو با سیده رهرا / حسن نامی ساعی / ص ۱۹ / ۴ دی ۸۴
- نظریه‌های رشد / ابراهیم اصلانی / ص ۲۶ / ۴ دی ۸۴
- هر زمان / ارغمان / شهناز واقفی نژاد / ص ۲۸ / ۴ دی ۸۴
- استفاده از بازی در آموزش ریاضی / سیده چمن آرا / ص ۳۰ / ۴ دی ۸۴
- نائین / شهر سر بوج / (ع) / منصور ملک عباسی / ص ۳۲ / ۴ دی ۸۴
- ارتباط رسانه‌ها با اهداف آموزشی / لایلا سلیمه دار / ص ۳۶ / ۴ دی ۸۴
- از شهر سوخته تا موزه خرد / سیروس غفاریان / ص ۳۸ / ۴ دی ۸۴
- عرک و پوسیدو / حسین ربانی / ص ۴۲ / ۴ دی ۸۴
- گروه‌های آموزشی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی و بازتعریف ماموریت‌ها / ناصر حقیری / ص ۴۵ / ۴ دی ۸۴
- اهتر از دوباره / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۵ بهمن ۸۴
- نحوه‌ی تعیین نبد / میدان / نقیله‌ی زمین / حسن قلمی / باوایل علیایی / ص ۱۰ / ۵ بهمن ۸۴
- رشد جسمانی / ابراهیم اصلانی / ص ۱۸ / ۵ بهمن ۸۴
- نقشه‌ی پنج گنج در مدرسه / محمد عزیزی / «اسیم» / ص ۲۰ / ۵ بهمن ۸۴
- سراج یا سندر / منصور ملک عباسی / ص ۲۸ / ۵ بهمن ۸۴
- ده نکته برای مدیریت و برقراری نظم در کلاس / مرگان خدادادی / ص ۳۹ / ۵ بهمن ۸۴
- معلم اولی / احتیاج بود / گفت و گو با حواد محقق / حسن نامی ساعی / ص ۴۱ / ۵ بهمن ۸۴
- قالی محوئی / شهناز واقفی نژاد / ص ۴۴ / ۵ بهمن ۸۴

- بهمن ۸۴
- شاخه‌ها و ریشه‌ها / سعید قرینسی / ص ۴ / ۶ اسفند ۸۴
- نکالیف بوروزی / (باید‌ها و نباید‌ها) / بهروز نصیری / ص ۸ / ۶ اسفند ۸۴
- کوانتدگی بار الکتریکی / حسن قلمی / باوایل علیایی / ص ۱۲ / ۶ اسفند ۸۴
- درس فارسی و زیربنای راه زندگی / فاطمه حیدریباز / جعفر خرازی / ص ۱۴ / ۶ اسفند ۸۴
- روی سکه / حسن سالاری / ص ۱۶ / ۶ اسفند ۸۴
- آدم آهنی و شایرک / جعفر خرازی / ص ۱۷ / ۶ اسفند ۸۴
- فرهیختگان / فراتر از تاریخ / (۱) / سیروس غفاریان / ص ۱۸ / ۶ اسفند ۸۴
- بیکر تراش هزاره‌ی دوم / فرهاد نامدار / اصغهرانی / ص ۲۲ / ۶ اسفند ۸۴
- رشد ساختنی / ابراهیم اصلانی / ص ۲۶ / ۶ اسفند ۸۴
- آموزش برای فهمیدن / گفت و گو با نعمت‌الله آرنسی / حسن نامی ساعی / ص ۲۲ / ۶ اسفند ۸۴
- دیبامت‌های صلاح‌جو / اسد غلامی / ص ۳۶ / ۶ اسفند ۸۴
- ستاره‌های خوبی / علی صدیقی / ص ۳۸ / ۶ اسفند ۸۴
- نگاهی به نظر و مطنوبوسی / (قیمت اول) / اصغر ندیری / ص ۴۵ / ۶ اسفند ۸۴
- شاخه‌های کدام درختیم / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۷ فروردین ۸۵
- برزهای فیزیک / حسن قلمی / باوایل علیایی / ص ۱۴ / ۷ فروردین ۸۵
- فرهیختگان / فراتر از تاریخ / (۲) / سیروس غفاریان / ص ۲۰ / ۷ فروردین ۸۵
- رشد عاطفی / احتیاجی / ابراهیم اصلانی / ص ۲۶ / ۷ فروردین ۸۵
- معرفی سایت‌های اینترنتی / حسن سالاری / ص ۲۸ / ۷ فروردین ۸۵
- چاپهار / امروز / دیروز / فردا / منصور ملک عباسی / ص ۲۹ / ۷ فروردین ۸۵
- آنگ سبز هزاره‌ی دوم / فرهاد نامدار / اصغهرانی / ص ۳۶ / ۷ فروردین ۸۵
- حنده این خردمندان است / اصغر ندیری / ص ۳۸ / ۷ فروردین ۸۵
- یاد یاز / محمد حسن مکارم / ص ۴ / ۸ اردیبهشت ۸۵
- آذر خوش / حسن قلمی / باوایل علیایی / ص ۱۲ / ۸ اردیبهشت ۸۵
- «نه» گفت / بی احترامی نیست / سعید نادری / بلداچی / ص ۱۲ / ۸ اردیبهشت ۸۵
- گذر از بیله‌های سفید به پروانه‌های رنگارنگ / ابراهیم اصلانی / ص ۱۷ / ۸ اردیبهشت ۸۵
- نوشهر / منصور ملک عباسی / ص ۲۶ / ۸ اردیبهشت ۸۵
- معلم موفق کیست؟ / بهروز نصیری / ص ۳۰ / ۸ اردیبهشت ۸۵



از دیروز تا امروز چاپ در گذر زمان

حبیب یوسف زاده

۱ و ۲- بیش از هزار سال قبل، چینی‌ها حروف الفبا را از سفال می‌ساختند. سپس آن‌ها را در کنار هم می‌چیدند و با مرکب آغشته می‌کردند. به این ترتیب با قرار دادن صفحات کاغذ روی حروف سفالی، متون مختلف و اسکناس را چاپ و تکثیر می‌کردند. اما از آن جا که چینی‌ها حدود ۵۰۰۰ حروف الفبا داشتند، این روش چندان فراگیر نشد. تا این که روش چینی‌ها از طریق راه ابریشم و بویژه توسط مارکو پولو به اروپا راه یافت. در آن زمان هر صفحه از یک کتاب را روی یک قطعه چوب به صورت مهر حک می‌کردند و با قشردن آن روی صفحه کاغذ عمل چاپ انجام می‌شد.



۳- در سال ۱۴۴۰ میلادی یک زرگر آلمانی به نام هانس گوتنبرگ با الهام از حروف سفالی چینی‌ها، حروف فلزی لاتین را به صورت مجزا درست کرد و اولین حروف چینی را ابداع کرد.



۴- در سال ۱۸۸۴ م. اولین دستگاه حروفچینی خودکار توسط «تولبرت لنستون» ساخته شد.

۵- در سال ۱۸۸۵ م. دستگاه موسوم به لاینوتايب (حروفچینی خطی) توسط «اوتمار مرچنتلر» ساخته شد که در آن، حروف با سرب مذاب ریخته‌گری می‌شد.

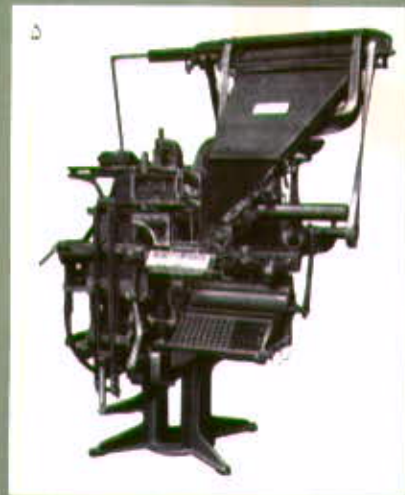


۶- در سال ۱۸۸۶ م. روش چاپ عکس توسط «فردریک ایوس» ابداع شد. در این روش، عکس‌ها به مجموعه‌ای از نقطه‌ها تبدیل می‌شود.

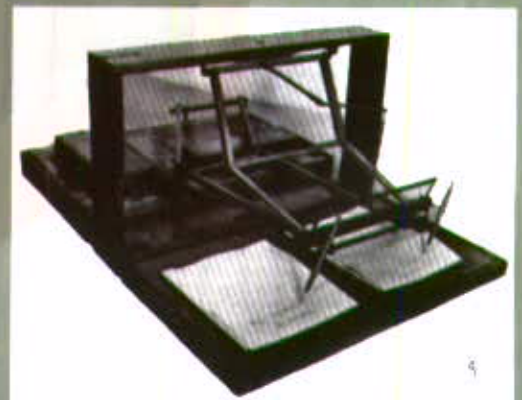
۷- در سال ۱۹۶۰ با به کار گرفتن فنون عکاسی روش چاپ افسان ابداع شد که در آن از روی متون عکس گرفته می‌شود، سپس آن عکس را روی ورقه‌های فلزی (زینک) ظاهر می‌کنند و بعد ورقه‌ها را با یک حلال شستشو می‌دهند تا قسمت‌های اضافی حل شوند و فقط حروف و قسمت‌های قابل چاپ روی ورقه بماند و بالاخره این ورقه‌ها را روی ماشین‌های چاپ می‌بندند.



۸- در سال ۱۹۸۰ م. دستگاه چاپ دیجیتال به بازار آمد و مرحله تهیه‌ی فیلم از فرایند چاپ حذف شد.



۹- نمونه‌ای از دستگاه تکثیر مربوط به سال ۱۸۰۳ م. که همانند یک دستگاه کلیدسازی عمل می‌کرد.
۱۰- یک دستگاه تکثیر استنسیل قدیمی که هنوز هم کاربرد دارد

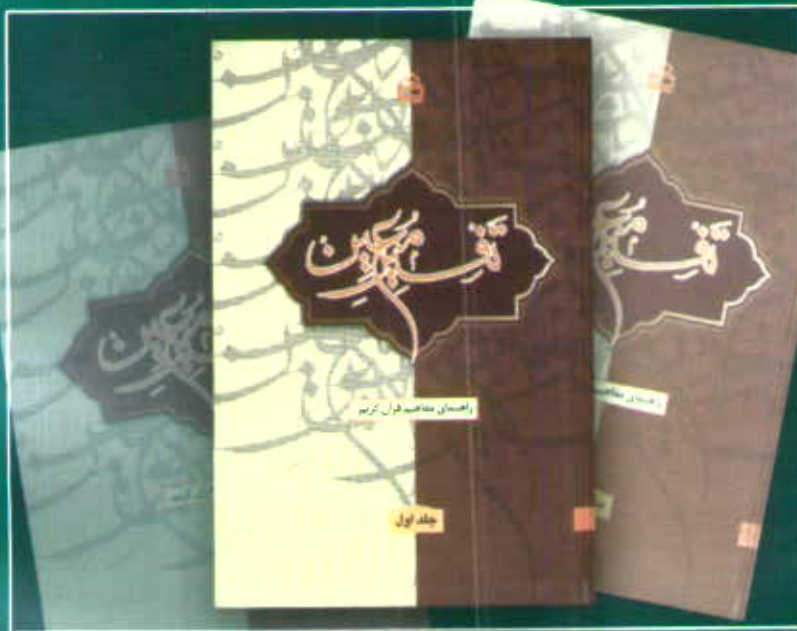


مجموعه کتاب‌های

تفکر معجزات



(راهنمای مفاهیم قرآن کریم)
زیر نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی (کتاب رشد)



ترجمه‌ی فارسی کتاب «التفسیر المعین للواعظین و المتعظین» به منظور آموزش مفاهیم قرآن کریم با استفاده از «روش یادگیری فعال» (ایجاد خلاقیت و فعالیت ذهنی در مخاطبان) صورت گرفته است. دانش آموزان دوره‌ی متوسطه و همه‌ی علاقه‌مندان با مطالعه این کتاب، ضمن فراگرفتن شرح و توضیح بیش از هفت هزار واژه از قرآن کریم، با بیش از پانصد موضوع از موضوعات اساسی قرآن کریم همراه با بیش از پنج هزار حدیث از ائمه اطهار (علیهم السلام) آشنا می‌شوند. این مجموعه، ابتدا در شش جلد (هر جلد شامل پنج جزء از قرآن کریم) منتشر و در پایان به صورت کامل (سی جزء قرآن کریم) چاپ خواهد شد.

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب‌ها را از «واحد توزیع و بازرگانی دفتر انتشارات کمک آموزشی» و یا فروشگاه‌های انتشارات مدرسه تهیه نمایند.

تلفن واحد توزیع و بازرگانی: ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - تلفن انتشارات مدرسه: ۰۹-۳۲۲۴۰۸۸۸۰۲۱